آداب معاشرت از ديدگاه معصومان

عليهم السلام

نویسنده: شيخ حرّ عاملى رحمة الله

عليه

## سرآغاز

حمد و ستايش خداوندى را سزاست كه براى راهنمايى بشر پيامبران را فرستاد تا بشر را از گمراهى و نادانى رهايى بخشند و به سوى كمال و سعادت ابدى رهنمون شوند.

درود بى‏پايان بر همه پيامبران خاصه بر سرور كاينات، حضرت محمد صلى الله عليه و آله و اهل بيت گرامى او باد.

انسان همواره در زندگى جوياى خوشبختى بوده و در راه رسيدن به كمال تلاش كرده است و پيوسته در پى راهنما و رهبرى بوده است كه در درياى متلاطم زندگى از گرداب بلا و هلاكت رهايى‏اش بخشد و به ساحل سعادتش برساند. پيامبران عليهم السلام، مبلغان اديان توحيدى‏اند كه قوانين الهى از طريق وحى بر آنان نازل شده است و پيامبر گرامى اسلام آخرين رسول و كتاب مقدسش قرآن، آخرين كتاب آسمانى براى راهنمايى بشر است.

ائمه اطهار عليهم السلام حاملان رسالت و قافله سالاران انسانهايند كه آنان را در همه ابعاد زندگى دنيوى و اخروى هدايت كرده‏اند.

علماى بزرگ اسلامى نيز در گردآورى و اشاعه احاديث نبوى و ائمه اطهار عليهم السلام در طى قرون متمادى رنجهاى فراوان برده‏اند.

از جمله كتابهاى مربوط به احاديث اسلامى، كتاب وسائل الشيعه تأليف مرحوم علامه شيخ حرّ عاملى دانشمند بزرگ و جليل القدر قرن يازدهم هجرى است كه با جمع آورى احاديث نبوى و ائمه طاهرين عليهم السلام چراغى فروزان فرا راه انسانهاى خداجوى و دانشمندان اسلامى قرار داده و قرنهاست كه بزرگان علم و ادب از اين مشعل فروزان بهره‏مند هستند.

ترجمه ابواب احكام العشرة از كتاب حج وسائل الشيعه كه حاوى احاديث فقهى و اجتماعى و اخلاقى است در گروه حديث بنياد پژوهشهاى اسلامى به كوشش آقايان محمد على فارابى و يعسوب عباسى على كمر انجام شده است. اميدواريم علاقه‏مندان را سودمند افتد و مورد قبول پروردگار قرار گيرد.

## تذكّر

براى رعايت امانت مآخذى كه در پاورقى وسايل الشيعه ذكر شده عينا يادداشت شده، اگر چه جلد و صفحات كتابهاى مزبور با مجلّداتى كه اخيرا چاپ شده و در دسترس عموم است تطبيق نمى‏كند، در صورت تمايل و اطّلاع از طبع مآخذ مى‏توانند به جلد بيستم وسائل صفحات ٣٦ تا ٤٩ مراجعه فرمايند.

## اجمالى از شرح حال شيخ حرّ عاملى‏

محمّد بن حسن معروف به شيخ حرّ از معاريف دانشمندان شيعى است كه در شب جمعه ٨ رجب سال ١٠٣٣ هجرى قمرى در قريه «مشغرى (١» از قراى جبل عامل (بخشى از لبنان) تولد يافت. اين قريه و «جبع» و «جزين» كه در نزديكى يك ديگر واقعند از بلاد قديمى شيعه‏نشين به حساب مى‏آيند.

شيخ حرّ عاملى از خاندان علمى بزرگى است كه در اين ولايت مى‏زيسته و نسب وى به حرّ بن يزيد رياحى (صحابى معروف سيد الشهداء (ع» مى‏رسد. نامبرده پس از دوران كودكى و آموزش خط و تعليم قرآن شريف و مقدمات، نزد پدر و عمو و جدّ مادرى خود و جمعى ديگر به كسب دانش پرداخت، آن گاه به قريه «جبع» كه در نزديكى «مشغرى» است رهسپار شد و نزد علماى اين بلاد كسب علم كرد و بر اين منوال چهل سال در اين بلاد اقامت و به استفاده و افاده اشتغال داشت، و طىّ اين مدت دو بار به حج مشرّف شد، و سپس به قصد زيارت عتبات عاليات و مرقد منوّر حضرت رضا (ع) بار سفر بست و در جوار حضرتش رحل اقامت افكند.

سبب اين مهاجرت ذكر نشده ولى آنچه مسلم است دوران عمر شيخ مصادف با فروزنده‏ترين اوقات حكومت سلسله صفوى در ايران است كه علاوه بر رسميت دادن به تشيع در اين كشور، خود به حمايت و پرورش علماى مذهبى همت مى‏ورزيدند. از طرفى شيعيان در نواحى سوريه و لبنان در زير فشار متعصبان روزگار مى‏گذراندند، بويژه از آن رو كه به سبب رقابت بين سلسله صفوى و سلاطين عثمانى دامنه اين اختلافات مذهبى بالا گرفته بود. لذا بعيد نيست كه همين اختناق موجود در آن بلاد و آزاد گذاشتن و تشويق علما و قدردانى از علم در ايران باعث شده شيخ كه در عنفوان جوانى براى تبليغ و ترويج مذهب شورى در سر داشته است براى هميشه اقامت در مشهد را بر وطن مألوف ترجيح داده باشد.

شيخ در اين استان رحل اقامت افكند و به افاده و نشر احاديث همت گماشت و شاگردانى تربيت كرد. وى در زمان اقامت در مشهد دو سفر ديگر به حج رفت.

## تأليفات شيخ‏

شيخ بالغ بر بيست رساله و كتاب نوشته كه از آن جمله وسائل الشيعه مى‏باشد كه از حدود هفتاد كتاب جمع آورى شده و اخيرا در بيست جلد در ايران و بيروت به چاپ رسيده است و شيخ با تأليف وسائل كه بالغ بر بيست سال به طول انجاميد كار استنباط احكام را بسى آسان ساخت و از اين جهت حق بزرگى بر مكتب فقهى شيعه دارد.

شيخ در فقه و رجال و رياضيّات عالمى متبحّر بوده در اين زمينه كتابهايى تأليف كرده، و نيز از شعر بهره وافى داشته است. مجموع اشعار وى بالغ بر بيست هزار بوده، نامبرده از قريحه ادبى خود در علوم استفاده كرده و منظومه‏هايى در فنون مختلف سروده كه از آن جمله منظومه‏اى در زكات، منظومه‏اى در هندسه، و منظومه‏اى در تاريخ پيغمبر و ائمه است.

وفات شيخ در سال ١١٠٤ هجرى روى داد و آرامگاهش در جوار مرقد منور على بن موسى الرضا (ع) در يكى از حجرات تحتانى مدرسه ميرزا جعفر مى‏باشد.

آداب معاشرت در سفر و حضر، و آن مشتمل بر چند باب است‏

١- باب اول در لزوم معاشرت با مردم از طريق اداى امانت، اقامه شهادت و راستگويى، همچنين در استحباب عيادت مريض و شركت در تشييع جنازه، و خوشرفتارى نسبت به همسايگان و خواندن نماز در مسجد ١- معاوية بن وهب گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : با بستگان و ساير مردمى كه با آنان معاشرت داريم چگونه رفتار كنيم؟

امام فرمود : امانت را به آنان برگردانيد، و (به حق) شهادت دهيد، چه به نفع آنان باشد يا به ضررشان و از بيماران آنها عيادت كنيد، و در تشييع جنازه مردگانشان شركت نماييد.

٢- ابى اسامه زيد شحّام گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : به آنان كه از من اطاعت و به سخنانم عمل مى‏كنند سلام برسان، و به آنها بگو : شما را به تقواى خداى عز و جل، و پرهيزگارى در دين، و كوشش در راه خدا، و راستى در گفتار، و برگرداندن امانت به صاحبانش، و سجده طولانى، و خوشرفتارى نسبت به همسايگان سفارش مى‏كنم، زيرا حضرت محمد (ص) به همين منظور مبعوث شده است. و به كسانى كه به شما اعتماد مى‏كنند چه نيكوكار باشند يا بدكار، امانت را برگردانيد زيرا رسول خدا (ص) حتى به اداى سوزن و نخ سوزن [كه ظاهرا كم ارزش مى‏باشد] فرمان داده است، صله رحم به جا آوريد و در تشييع جنازه شركت كنيد و به عيادت بيمار برويد و اداى حقوق نماييد زيرا به كسى از شما مى‏توان جعفرى مذهب گفت كه در دينش متّقى، و درست گفتار و امانتدار و با مردم خوشخو باشد، و چنين شخصى با اين گونه كارهايش مرا مسرور مى‏سازد، و اين است روش و آيين جعفرى.

اگر شيعه ما داراى اين صفات نباشد برايم مايه اندوه و ننگ است، و مردم مى‏گويند : اين است آيين جعفر صادق (ع)، به خدا سوگند پدرم [امام باقر (ع)] به من فرمود : كسى از پيروان حضرت على (ع) زينت قبيله‏اى است كه از همه كس بيشتر اداكننده امانت، و برآورنده حقوق، و در گفتار و امانت از همه صادقتر باشد به گونه‏اى كه اگر از هر كس در باره او سؤال شود بگويند مانند فلانى بايد بود، زيرا از ما امانتدارتر و درست گفتارتر است. ٣- معاوية بن وهب گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم با بستگان و كسانى كه با آنها معاشرت داريم ولى بر مذهب ما نيستند چگونه رفتار كنيم؟

امام فرمود : به پيشوايانتان كه از آنها پيروى مى‏كنيد بنگريد و بدان گونه كه آنها رفتار مى‏كنند عمل نماييد، سوگند به خدا پيشوايان شما از بيماران آنها عيادت مى‏كردند و در تشييع جنازه آنها حاضر مى‏شدند و اقامه شهادت مى‏كردند به نفع يا به ضرر آنها، و امانت را به آنان برمى‏گرداندند.

٤- حبيب خثعمى گويد : امام صادق عليه السّلام به من فرمود : بر شما باد به اجتناب از معاصى، و تلاش و كوشش، و حضور در تشييع جنازه‏ها و عيادت بيماران، و حضور در مساجد با ساير مردم، و دوست بداريد براى مردم آنچه را براى خودتان دوست مى‏داريد، آيا شرمسار نيست كسى از شما كه همسايه‏اش حقّ او را بشناسد ولى او حقّ همسايه‏اش را رعايت نكند؟

٥- مرازم گويد : امام جعفر صادق (ع) فرمود : بر شما باد به نماز خواندن در مساجد و خوشرفتارى با مردم، و به پا داشتن شهادت (براى اثبات حق)، و شركت در تشييع جنازه، زيرا شما ناگزير به مردم نيازمنديد، و هيچ كس در زندگى‏اش از مردم بى‏نياز نيست.

٦- عبد اللّه بن سنان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : شما را به تقواى الهى سفارش مى‏كنم، مردم را بر خود چيره نگردانيد كه خوار مى‏شويد همانا خداى عزّ و جلّ در قرآن كريم مى‏فرمايد : «با همه مردم بخوبى گفتگو و معاشرت كنيد». سپس فرمود : از بيماران آنان عيادت كنيد، در تشييع جنازه‏شان حاضر شويد، و شهادت بدهيد اگر چه به نفع يا به ضررشان باشد. و با آنها در مساجدشان نماز بگزاريد تا آنچه ميان شما و آنان متفاوت است مشخّص شود. ٧- خيثمه گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : سلام مرا به دوستان ما برسان، و آنها را به ترس از خدا و عمل صالح سفارش كن، افراد تندرست از بيماران عيادت كنند، و ثروتمندان فقيران را مورد توجه قرار دهند، و در تشييع جنازه مردگان حاضر شوند، و به خانه‏هاى يك ديگر بروند، و در امور دين با يك ديگر مذاكره كنند، زيرا رعايت اين امور باعث جاودانگى دستورات ماست، خداوند رحمت كند بنده‏اى را كه دستورات ما را زنده نگه دارد. اى خيثمه آنان را آگاه كن كه تنها چيزى كه آنها را از غير خدا بى‏نياز مى‏كند كار شايسته و پسنديده است، زيرا به ولايت و دوستى ما نايل نمى‏شوند مگر با ورع و پرهيزگارى، و معذّبترين مردم در روز قيامت كسى است كه عدالت و حقّ را بستايد و سپس خلاف آنچه مى‏گويد عمل كند.

٨- كثير بن علقمه گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم مرا نصيحت فرماييد. فرمود : تو را به تقواى الهى، و پارسايى، و عبادت، و طول سجده، و برگرداندن امانت، و راستى در گفتار، و خوشرفتارى نسبت به همسايگان سفارش مى‏كنم، زيرا حضرت محمد (ص) براى همين منظور مبعوث شده است، با خويشاوندان پيوند، و از بيمارانتان عيادت كنيد، در تشييع جنازه مردگانتان حاضر شويد، و زينت و افتخار ما باشيد نه مايه ننگ ما، با اعمالتان ما را در نزد مردم عزيز و محبوب گردانيد و آنها را دشمن ما نسازيد، همه دوستيها را به سوى ما جلب و هر گونه بدگويى را از ما دفع كنيد.

٩- امام صادق (ع) مى‏فرمايد كه حضرت علىّ عليه السلام مى‏فرمود : بايد در قلب تو نياز به مردم و بى‏نيازى از آنان جمع شود نياز تو به آنها در نرمى گفتار و خوشرفتارى، و بى‏نيازى تو از آنها در پاكدامنى، و پايدارى عزّت توست.

١٠- ابو اسامه گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : بر شما باد به رعايت تقواى الهى و پارسايى، و تلاش و كوشش، و راستگويى، و رساندن امانت به صاحبانش، و خوشخويى، و خوشرفتارى با همسايگان. زينت و آبروى ما باشيد نه باعث بى‏آبرويى ما.

٢- باب استحباب خوشرفتارى با مردم و همسايگان‏ ١- امام باقر (ع) فرمود : اگر مى‏توانى بر كسانى كه با آنها معاشرت مى‏كنى تفوق داشته باشى، اين كار را بكن.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خود را براى خوشرفتارى با همنشين خويش آماده كن، و خلق و خويت را نيكو گردان، و زبانت را نگه‏دار، و خشمت را فرو بر، و سخنان بيهوده را رها كن، و عفو را پيشه ساز، و بخشنده باش.

٣- ابو ربيع شامى گويد : به حضور امام صادق (ع) رسيدم در حالى كه خانه پر از جمعيّت بود، فرمود : اى شيعيان آل محمد، آگاه باشيد از ما نيست كسى كه هنگام خشم بر خود مسلّط نباشد، و كسى كه با يارانش بخوبى رفتار نكند و به آنان كه با او خوش اخلاقى كرده‏اند خوش خلقى نشان ندهد، و با همنشينانش بخوبى معاشرت نكند، و نسبت به همسايگان خوشرفتار نباشد و رعايت نمك خوارگى را ننمايد.

٤- امام باقر (ع) فرمود : زائر خانه خدا اجر و پاداشى ندارد اگر اين سه خصلت در او نباشد : ١- تقوايى كه او را از نافرمانى خدا بازدارد. ٢- حلمى كه به وسيله آن جلو غضبش را بگيرد. ٣- با همنشينان بخوبى رفتار نكند. ٥- امام صادق (ع) فرمود : پدرم مى‏فرمود : زيارت‏كننده خانه خدا پاداش ندارد وقتى كه سه خصلت در او نباشد : ١- خلقى كه با دوستش بتواند بخوبى رفتار كند، ٢- حلم و بردبارى كه با آن جلو خشم خود را بگيرد، ٣- تقوايى كه او را از ارتكاب محرّمات الهى بازدارد.

٦- امام صادق (ع) فرمود : از مروّت نيست كه انسان آنچه را كه در سفر از خوبى و بدى همسفر مى‏بيند بازگو كند.

٧- عمار بن مروان گويد : امام جعفر صادق (ع) مرا نصيحت كرد و فرمود : تو را به پارسايى و برگرداندن امانت به صاحبانش، و راستگويى، و خوشرفتارى با همنشين سفارش مى‏كنم، و هيچ نيرو و قدرتى نيست مگر از آن خدا.

٨- مفضّل بن عمر گويد : به خدمت امام جعفر صادق (ع) رسيدم، به من فرمود : چه كسى با تو همنشين است؟ عرض كردم مردى از برادران ايمانى من.

فرمود : چه كار مى‏كند؟ گفتم از موقعى كه با او آشنا شده‏ام جايش را نمى‏دانم. به من فرمود : آيا نمى‏دانى كسى كه چهل قدم با مؤمنى همگام باشد خدا از حقّ او در روز قيامت سؤال مى‏كند؟

٩- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه : رسول خدا صلّى الله عليه و آله فرمود : هر كس سه خصلت در او نباشد عملش كامل نيست : ١- تقوايى كه او را از معصيت خدا باز دارد. ٢- خلق و خويى كه با مردم مدارا نمايد. ٣- بردباريى كه جهالت نادان را با آن برطرف سازد.

١٠- سيّد رضى در (نهج البلاغه) از حضرت امير (ع) نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود : چنان با مردم معاشرت كنيد كه اگر بميريد بر شما بگريند و اگر از آنها دور شديد مشتاق ديدار شما باشند.

٣- باب چگونگى معاشرت با دوستان مختلف‏ ١- امام جواد (ع) فرموده است : مردى در بصره در حضور حضرت على (ع)

بلند شد و عرض كرد : در باره [اقسام] دوستان ما را خبر ده؟

حضرت فرمود : دوستان دو دسته‏اند : دوستان مورد اعتماد و دوستان خنده‏رو. دوستان مورد اعتماد به منزله كف دست و بازو و افراد خانواده، و دارايى انسان هستند، وقتى كه برادرت مورد اعتماد توست از كمك مالى و جانى به او مضايقه نكن، و با دوستان او در دوستى خالص باش، و دشمنان او را دشمن بدار، و راز او را پنهان كن، و او را يارى ده، و خوبيهاى او را آشكار ساز. و بدان كه اينها از كبريت احمر كمياب‏ ترند.

امّا دوستان خنده‏رو، تو از معاشرت با آنان لذّت مى‏برى و با قطع رابطه از ايشان خود را از اين لذت محروم مكن و بيشتر از آنان انتظار نداشته باش و مانند آنها با خوشرويى و خوشزبانى رفتار كن.

٤- باب استحباب الف- فاصله هر دو نفر (در مجالس) بويژه به اندازه يك ذراع در تابستان. ب- كمك به نيازمندان وضعيفان. ١- امام صادق (ع) در توضيح آيه شريفه «ما تو را از نيكوكاران مى‏بينيم» فرمود : (حضرت يوسف) براى ديگران جا را در مجلس وسعت مى‏داد و به نيازمند قرض مى‏داد و به ضعيف كمك مى‏كرد.

٢- از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است كه رسول خدا فرمود : براى كسانى كه در يك مجلس گرد مى‏آيند شايسته است كه در تابستان بين هر دو نفر به اندازه يك ذراع (تقريبا نيم متر) فاصله باشد تا مزاحم يك ديگر نباشند.

٥- باب استحباب گراميداشت دوستان و نصيحت كردن آنان‏ ١- ابو الحسن امام موسى كاظم (ع) فرمود : وقتى كه شخص حاضر است با كنيه و اگر غايب است با نام او را ياد كن.

٢- علاء بن فضيل از امام صادق (ع) نقل كرده است كه امام باقر (ع) فرمود :

دوستانتان را بزرگ داريد و احترام كنيد و به يك ديگر پرخاش نكنيد، و به هم ضرر نرسانيد و حسد نورزيد و از بخل بپرهيزيد و بندگان خالص خدا باشيد.

٦- باب كراهت اخم كردن بر مردم‏ ١- امام باقر يا امام صادق (ع) فرمودند : اخم كردن بر مردم باعث دشمنى است.

٧- باب دوست ‏يابى و خو گرفتن با دوستان و پذيرفتن اعتراض آنان‏ ١- محمّد بن يزيد گويد : از امام رضا (ع) شنيدم كه فرمود : هر كس در راه خدا يك دوست به دست آورد، خانه‏اى در بهشت به دست آورده است.

٢- شيخ صدوق در كتاب مجالس نقل كرده است كه لقمان به پسرش گفت : پسر عزيزم هزار دوست انتخاب كن و هزار دوست هم كم است و يك دشمن نگير زيرا يك دشمن هم زياد است.

٣- حضرت على (ع) فرمود : بر تو باد به انتخاب دوستان خالص، زيرا هر گاه از آنها كمك بخواهى تكيه‏گاه و پشتيبان تو هستند.

هزار دوست و همدم زياد نيست ولى يك دشمن زياد است. در كتاب «الاخوان» اين حديث از امام صادق (ع) نقل شده است.

٤- و آن حضرت از رسول اكرم (ص) نقل مى‏كند كه فرمود : كسى كه از پيش توشه‏اى نفرستد وارد بهشت نمى‏شود، گفته شد : اى رسول خدا هر كس بايد از پيش توشه‏اى بفرستد؟ فرمود : آرى، برادر دينى يكى از توشه‏هاى اوست ٥- (٥) امام جعفر صادق (ع) فرمود : دوستانتان را در دنيا زياد كنيد زيرا در دنيا و آخرت سودمند هستند. در دنيا رفع نيازها به آنان وابسته است. اما در آخرت اهل دوزخ مى‏گويند : «ما شفاعت‏كننده و دوست نزديكى نداريم» (٦) ٦- (٧) امام صادق (ع) فرمود : دوستانتان را زياد كنيد، زيرا براى هر مؤمنى دعاى اجابت‏شده‏اى است.

و فرمود : دوست زياد بگيريد زيرا براى هر مؤمنى حقّ شفاعت است.

و نيز فرمود : برادران مؤمن را زياد كنيد، زيرا براى آنان در نزد خدا در روز قيامت دستى است كه به وسيله آن شفاعت مى‏كنند.

٧- سيّد رضى در (نهج البلاغه) گويد : امير المؤمنين (ع) فرمود : ناتوانترين مردم كسى است كه از پيدا كردن دوست عاجز باشد، و ناتوانتر از او آن كسى است كه دوستى پيدا كند و از دست بدهد.

٨- در كتاب مجالس شيخ طوسى، امام صادق (ع) از على بن ابى طالب (ع) نقل كرده است كه : از رسول خدا (ص) شنيدم كه فرمود : مؤمن ارجمند و بلند نظر، و منافق فريبكار و فرومايه است، و بهترين افراد با ايمان كسانى هستند كه با مؤمنين انس مى‏گيرند، و آن كه با ديگران انس نگيرد و ديگران با او مأنوس نشوند در او خيرى نيست. و نيز حضرت علىّ (ع) فرمود : از رسول خدا شنيدم كه فرمود :

بدترين مردم كسى است كه مؤمنان را دشمن بدارد و آنها هم او را در قلبشان دشمن بدارند. بدترين مردم افراد سخن چين و كسانى هستند كه بين دوستان جدايى مى‏اندازند، و از مردم عيبجويى مى‏كنند، خدا در روز قيامت به آنان به نظر رحمت نمى‏نگرد و مقام آنان را بالا نمى‏برد. سپس حضرت على (ع) اين آيه را تلاوت فرمود :

«اوست كه به نصرت خود و يارى مؤمنان تو را پيروز گردانيد، و دلهاى مؤمنان را به يك ديگر مهربان ساخت.»

٩- ايّوب بن نوح گويد : امام علىّ النقى (ع) به بعضى از دوستان ما نوشت، فلانى را عتاب كن و به او بگو : وقتى كه خدا براى بنده‏اى خير و خوبى مى‏خواهد اگر او را مورد عتاب قرار دهد وى عتاب را مى‏پذيرد و متنبّه مى‏گردد.

## ٨- باب استحباب همنشينى با خردمند بخشنده

 و دورى از نادان فرومايه‏ ١ - از امام صادق (ع) نقل شده كه امير المؤمنين عليه السّلام فرمود : اشكالى‏ندارد كه با خردمند معاشرت كنى اگر چه بخشنده نباشد، از عقلش بهره‏مند شو، و از اخلاق بدش خود را حفظ كن، و همدمى بخشنده را ترك مكن گرچه از عقلش سود نبرى، ولى با خردمندى خود از كرمش بهره‏مند شو، و حتما از فرومايه نادان بگريز.

## ٩- باب استحباب مشورت با عاقل‏

١- ابو هريره گويد : از رسول خدا (ص) شنيدم كه مى‏فرمود : از خردمند راهنمايى بخواهيد، و از او نافرمانى نكنيد كه پشيمان مى‏شويد.

١٠- باب استحباب ديدار و گفتگو با دوستان‏ ١- در كتاب الاخوان آمده است كه امام صادق (ع) (به يكى از شيعيان) فرمود : آيا (شما دوستان و شيعيان) با يك ديگر همنشينى و گفتگو داريد؟ عرض كردم : بلى، فرمود : اين مجلسها را دوست مى‏دارم، پس فضايل و سخنان ما را (در مورد احكام دين يا مصايب ما) زنده نگه داريد. كسى كه فضايل ما را هر چه بيشتر زنده نگه دارد خداى رحمتش كند. هر كه ما را ياد كند يا نزد او ذكرى از ما بشود و به اندازه پر مگسى اشك از چشمش خارج شود خدا گناهانش را مى‏آمرزد گرچه از كف دريا بيشتر باشد.

٢- ميسر گويد : امام محمّد باقر (ع) به من فرمود : آيا با يك ديگر خلوت مى‏كنيد و به گفتگو مى‏پردازيد؟ عرض كردم : بلى، سوگند به خدا فرمود : به خدا قسم دوست دارم در بعضى از اين جلسات با شما شركت داشته باشم.

٣- امام باقر (ع) فرمود : خدا بيامرزد بنده‏اى را كه ياد ما را زنده نگه دارد.

شخص شنونده سؤال مى‏كند زنده نگه داشتن ياد شما چگونه است؟ فرمود : به ملاقات يك ديگر رفتن (مؤمنين) و با هم به گفتگو پرداختن در نزد آنان كه ثابت قدم هستند.

٤- امام صادق (ع) نقل مى‏كند كه حضرت على (ع) مى‏فرمود : ديدار دوستان غنيمتى ارزنده است.

٥- فضيل بن يسار گويد : امام باقر (ع) فرمود : آيا با يك ديگر مجالست داريد؟ عرض كردم : بلى، فرمود : چه نيكوست اين مجالس.

٦- خيثمه گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : به دوستان ما سلام برسان، و آنها را به تقواى الهى سفارش كن، ثروتمندشان از فقير، و نيرومندشان از ضعيف ديدار كند، و زنده آنها در تشييع جنازه مردگان حاضر و به خانه‏هاى يك ديگر رفت و آمد نمايند، زيرا ملاقات كردنشان باعث زنده ماندن فضايل ما، و امور دين است. سپس فرمود : خدا رحمت كند بنده‏اى را كه فضايل ما و احكام مربوط به دين را زنده نگه دارد.

٧- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند كه : پيامبر (ص) فرمود : سه چيز آسايش مؤمن است : بيدار بودن آخر شب، ديدار دوستان و افطار كردن روزه.

٨- شعيب عقرقوفى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه به دوستانش مى‏فرمود : تقواى الهى پيشه كنيد، و براى رضاى خدا برادرانى نيكوكار و دوستدار يك ديگر، و بهم پيوسته و مهربان باشيد، يك ديگر را زيارت و ملاقات كنيد، و فضايل ما را ذكر كنيد و آن را زنده نگه داريد.

٩- امام باقر (ع) فرمود : گرد هم آييد، و با يك ديگر (در امر دين) گفتگو كنيد كه (در اين حال) ملائكه دور شما جمع مى‏شوند، خداى بيامرزد كسى را كه فضايل ما (و مسائل مربوط به دين را) زنده نگه دارد.

## ١١- باب استحباب معاشرت با مردم خوب و دوستان قديمى و اجتناب از معاشرت با بدان‏

١- در اصول كافى از حضرت على (ع) نقل شده كه رسول خدا (ص) فرمود :

در باره كسانى كه با آنها به گفتگو مى‏پردازيد (و مجالست مى‏كنيد) دقت كنيد، زيرا هر كس مرگش فرا رسد دوستانش در نزد او حاضر مى‏شوند، اگر آنها نيك باشند او نيك است، و اگر بد باشند [معلوم مى‏شود] او نيز بد است. هيچ كس نمى‏ميرد مگر اين كه در هنگام مردن دوستانش در برابر او مجسّم مى‏شوند.

٢- ابو الحسن امام موسى كاظم (ع) فرموده است : حضرت عيسى (ع) گفته است : يار بد به دوستش ستم مى‏كند، و همنشين سوء او را به هلاكت مى‏اندازد، پس نگاه كن با چه كسى همنشينى.

٣- امام صادق (ع) به يكى از دوستانش فرمود : بر تو باد به انتخاب دوست قديمى، و بپرهيز از هر دوست جديدى كه وفادار، امانتدار، متعهد و پاى‏بند به پيمان نباشد، و حتّى با مطمئن‏ترين دوستانت با احتياط رفتار كن.

٤- ابن عبّاس گويد : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترين همنشين كيست؟ فرمود : كسى كه ديدار او شما را به ياد خدا، و گفتار او عمل شما را زياد، و عمل او شما را به ياد آخرت بيندازد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : به كسى كه منفعت دينى تو را در نظر نمى‏گيرد نزديك مشو، و علاقه‏اى به همنشينى با او نشان مده، زيرا هر چيزى بجز خداوند از بين رفتنى و پايانش بس خطرناك است.

١٢- باب استحباب پذيرفتن نصيحت و معاشرت با كسى كه انسان عيب او را مى‏داند به منظور نصيحت كردن او ١- ابو العديس گويد امام باقر (ع) فرمود : اى صالح از آن كه دلش براى تو بسوزد و تو را نصيحت كند پيروى كن، و از كسى كه تو را بخنداند ولى با تو حيله و نيرنگ نمايد پيروى مكن. بزودى همه به سوى خداى خويش بازمى‏گرديد. آن وقت آگاه مى‏شويد [كه چه كسى خيرخواه و چه كسى بد خواه شما بوده است.]

٢- امام صادق (ع) فرمود : گرامى‏ترين دوستانم كسى است كه عيبهاى مرا به من تذكر دهد.

٣- در كتاب (محاسن) برقى از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است : از جمله خصلتهايى كه مؤمن به آن نيازمند مى‏باشد سه چيز است : ١- توفيق از جانب خداى عزّ و جل ٢- خود واعظ خويش بودن ٣- پذيرفتن نصيحت.

## ١٣- باب استحباب دوستى با كسى كه رعايت دوستى را مى‏كند

 و او را در موقع گرفتارى تنها نمى‏گذارد ١- امام صادق (ع) فرمود : دوستى داراى شرايطى است، كسى كه تمام يا بعضى از اين شرايط را رعايت كند مى‏توان او را دوست دانست، و كسى كه اين شرايط در او نباشد نمى‏توان او را دوست به حساب آورد. آن شرايط عبارتند از :

١- باطن و ظاهرش يكى باشد. ٢- عزت تو را عزت خود و عيب تو را عيب خويش بداند. ٣- اگر به مقام يا مالى رسيد تغييرى در او ايجاد نشود. ٤- قدرت و توانايى او تو را از رسيدن به چيزى باز ندارد. ٥- كسى داراى اين خصلتهاست كه در موقع گرفتارى تو را رها نكند.

٢- سيّد رضى در (نهج البلاغه) از حضرت على (ع) نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود : دوست حقيقى آن است كه برادرش را در سه موضع حفظ كند : در گرفتارى، در غياب، و در مرگش.

## ١٤- باب استحباب كمك و يارى دادن دوستان به يك ديگر

١- وصّافى گويد : امام محمّد باقر (ع) به من فرمود : آيا مى‏شناسى كسى را كه لباسى نداشته باشد و برادرش لباس خود را به او ببخشد يا لباسى كه اضافه دارد موقتا به او بدهد تا وقتى كه لباسى براى خويش تهيّه كند؟ عرض كردم خير، امام به عنوان تأسف دست بر زانويش زد و فرمود : چنين كسانى برادر نيستند.

٢- اسحاق بن عمّار گويد : نزد امام صادق (ع) بودم، سخن از كمك برادران و وظايف آنها نسبت به يك ديگر به ميان آمد. امام مطلبى فرمود كه من تعجب كردم. امام فرمود : زمانى كه قائم ما ظهور كند بر مؤمنين واجب است كه نياز برادرانشان را برطرف كنند و در شادى آنها بكوشند.

٣- خلّاد سندى (در حديث مرفوعه‏اى) گويد : مردى دير به خدمت پيامبر (ص) رسيد، پيامبر به او فرمود : چه باعث شده است كه تو را كم ملاقات مى‏كنم؟

پاسخ داد : اى رسول خدا برهنگى مانع آمدنم بود، پيامبر فرمود : آيا همسايه‏ات دو جامه نداشت كه يكى را به تو عاريه دهد؟ پاسخ داد چرا [داشت.] حضرت فرمود : او برادر تو نيست.

٤- امام صادق (ع) فرمود : از آنچه به دست مى‏آورى به برادرانت بده، زيرا خداوند مى‏فرمايد : «نيكيها بديها را از بين مى‏برند» .

٥- ابن اعين گويد : از امام صادق (ع) در باره حقّ مسلمان نسبت به برادر مسلمانش سؤال كردم، امام پاسخ نداد، چون خواستم با حضرت خداحافظى كنم عرض كردم : به من پاسخ نداديد، فرمود : اگر پاسخ بدهم (و شما بدان عمل نكنيد) مى‏ترسم كافر شويد، مسلما از مهمترين چيزهايى كه خدا بر بندگانش واجب كرده سه چيز است : ١- رعايت عدالت در باره ديگران و آنچه را براى خود نمى‏پسندد براى برادر مؤمنش نيز روا ندارد. ٢- كمك مالى به برادران مؤمن براى خدا. ٣- به ياد خدا بودن در هر حال و ياد خدا تنها به گفتن «سبحان اللّه و الحمد للّه» نيست، بلكه عبارت است از ترك آنچه خدا حرام كرده است.

## ١٥- باب كراهت دوستى با بد كار و نادان و دروغگو

١- امام صادق (ع) فرمود : امير المؤمنين (ع) وقتى به منبر مى‏رفت مى‏فرمود :

شايسته است مسلمان از دوستى با سه گروه اجتناب كند : از بى‏حياى تبهكار، نادان، و دروغگو. امّا بى‏حياى تبهكار كارش را برايت خوب جلوه مى‏دهد و دوست دارد تو مانند او باشى، و در امر دين و آخرت به تو كمك نمى‏كند، و نزديك شدن به او ستم و باعث سختدلى، و رفت و آمد با او براى تو مايه بى‏آبرويى است.

امّا نادان، اميد خيرى از او برايت نيست و ضررى از تو دفع نمى‏كند اگر چه خودش را به زحمت افكند، و چه بسا كه بخواهد به تو سود برساند ولى زيان مى‏رساند، پس مرگ او بهتر از زندگى، و سكوت او بهتر از سخن گفتنش، و دورى او بهتر از نزديك بودن اوست.

امّا دروغگو، زندگى تو با او گوارا نيست، زيرا خبرى را از تو براى ديگران و از ديگران براى تو نقل مى‏كند، و هر گاه خبرى به پايان رسيد خبر ديگرى پيش مى‏كشد كه وانمود كند راست مى‏گويد در صورتى كه راست نمى‏گويد، و با ايجاد عداوت بين مردم تفرقه مى‏اندازد و بذر كينه در دلها مى‏كارد، پس از خدا بترسيد و در باره خود بينديشيد.

٢- كلينى (در كافى) از امام صادق (ع) نقل كرده است كه :

امير المؤمنين (ع) فرمود : شايسته نيست كه مسلمان با بد كار دوست شود زيرا او كارش را نيكو جلوه مى‏دهد و دوست دارد ديگران مانند او باشند، دوستش را در امر دنيا و آخرت كمك نمى‏كند و رفت و آمد با او باعث بى‏آبرويى و خوارى است.

٣- امام صادق (ع) فرموده : براى مسلمان شايسته نيست كه با بد كار، و نادان و دروغگو دوست شود.

٤- زرارة گويد : امام صادق (ع) فرمود : از دوستى با نادان بپرهيز، زيرا هر چه از جانب او شاد باشى او به بدى رساندن به تو نزديكتر است. (هر چه به دوستى او خوشحالتر باشى، خطر زيان رساندن او به واسطه حماقتش به تو نزديكتر مى‏باشد).

٥- امام صادق (ع) فرمود : حضرت علىّ (ع) بالاى منبر مى‏فرمود : براى مسلمان شايسته است كه از دوستى با دروغگو دورى جويد، زيرا خبرى از تو براى ديگران، و از ديگران براى تو نقل مى‏كند زندگى را بر تو تلخ و ناگوار مى‏سازد، هر گاه خبرى كسب كند آن را به خبر ديگرى پيوند مى‏دهد تا ثابت كند راست مى‏گويد در صورتى كه راست نمى‏گويد، پس خبرها را از گروهى براى گروهى ديگر نقل مى‏كند تا بين آنها دشمنى ايجاد كند و بذر كينه در دلها بكارد.

## ١٦- باب كراهت شركت دادن افراد فرومايه و گنهكار در امور

١٦- باب كراهت شركت دادن افراد فرومايه و گنهكار در امور ١- عمّار بن موسى گويد : امام صادق (ع) فرمود : اى عمّار اگر دوست دارى كه نعمت براى تو دوام داشته، و مروّت تو كامل و بى‏عيب باشد و زندگى‏ات روبراه شود بردگان و افراد فرومايه را در كار خود دخالت نده، زيرا اگر آنها را امين دانستى به تو خيانت كنند و اگر خبرى به تو دهند دروغ گويند، اگر مصيبتى برايت پيش آيد تو را خوار كنند، و اگر وعده كنند خلف وعده نمايند.

عمّار گفت، از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : نيكان كه يك ديگر را دوست بدارند براى آنان ثواب، و بدان كه افراد نيك را دوست بدارند براى نيكان فضيلت، و دشمنى بدكاران با نيكان زينت و افتخار براى نيكوكاران، و دشمنى نيكوكاران با بدان ذلّت و خوارى بدكاران است.

٢- در كتاب كافى نقل شده است كه : لقمان به پسرش گفت : اى پسرم، زياد با مردم نزديك مشو كه موجب دورى از دلهاى آنان مى‏شوى و يكسره از آنها دورى مكن كه خوار و بى‏مقدار گردى. هر جنبنده‏اى همنوع خود را دوست دارد، انسان نيز همنوع خود را دوست مى‏دارد، كارهاى پسنديده‏ات را نزد مخالفين آن كارها بازگو مكن، زيرا همان طور كه بين گرگ و گوسفند دوستى برقرار نمى‏شود بين نيكو كار و بد كار دوستى به وجود نمى‏آيد، كسى كه به قير نزديك شود مقدارى به او مى‏چسبد، همچنين كسى كه با تبهكار (در زندگى) شريك شود روشهاى او را مى‏آموزد، كسى كه ستيزه و جدال كردن را دوست داشته باشد ملامت مى‏شود و آن كه در جاهاى تهمت آميز وارد شود متهم مى‏گردد، و هر كه همنشين بد انتخاب كند سالم نمى‏ماند، و هر كس جلو زبانش را نگيرد پشيمان مى‏شود. ٣- عمّار ساباطى گويد : امام جعفر صادق (ع) به من فرمود : اى عمّار اگر مى‏خواهى نعمت براى تو دوام داشته باشد و دوستى مردم نسبت به تو كامل شود و زندگى‏ات راحت باشد با بردگان و افراد پست در كار خويش مشورت مكن، زيرا اگر به آنها اعتماد كردى به تو خيانت مى‏كنند و اگر به تو خبرى بدهند دروغ مى‏گويند و اگر مصيبتى براى تو پيش آيد تو را خوار سازند، و اگر وعده كنند به تو راست نگويند.

٤- امام صادق (ع) فرمود : از پدرم شنيدم كه مى‏فرمود : به حق قيام كن، و براى آنچه از دست تو رفته است افسوس مخور، و از آنچه به تو مربوط نيست دورى كن، و از دشمن بپرهيز، و با دوستان با احتياط رفتار نما، مگر افراد امين، و امين كسى است كه از خدا بترسد، با بد كار همنشينى مكن و او را بر اسرار خويش آگاه مگردان و امانت به او مسپار، و با آنان كه از خداى خويش مى‏ترسند در كارهايت مشورت كن.

## ١٧- باب تحريم همنشينى با دروغگو و گنهكار و بخيل و نادان و قاطع رحم

و ... ١- امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل مى‏كند كه : پدرم علىّ بن الحسين (ع) به من فرمود : اى پسر عزيزم با پنج گروه دوستى و گفتگو و مسافرت مكن؛ امام باقر (ع) سؤال مى‏كنند آن پنج گروه را معرّفى فرماييد، امام سجّاد (ع) فرمود : ١- از دوستى با دروغگو بپرهيز زيرا دروغگو مانند سراب است كه دور را نزديك و نزديك را دور مى‏نماياند. ٢- از دوستى با فاسق اجتناب كن زيرا تو را به يك وعده غذا و به كمتر از آن مى‏فروشد. ٣- از دوستى با بخيل بپرهيز زيرا وقتى كه خيلى به كمك او نيازمند باشى (كمك نمى‏كند) و تو را خوار مى‏گرداند. ٤- از دوستى با كسى كه از بستگان بريده و قطع رحم نموده است بپرهيز، زيرا در سه جا از قرآن نفرين شده است.

الف : (شما (منافقان) اگر (از فرمان خدا و طاعت قرآن) روى بگردانيد يا در زمين فساد و قطع رحم كنيد باز هم اميد (نجات) داريد؟

ب : (آنان كه پس از پيمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را شكستند و نيز آنچه را خدا به پيوند آن امر كرده بريدند، و در روى زمين فساد و فتنه برانگيختند، براى آنهاست لعنت خدا، و منزلگاهشان دوزخ است».

ج : و در سوره بقره فرموده است : «كسانى كه عهد خدا را پس از پيمان بستن مى‏شكنند و آنچه را خدا به پيوند آن امر كرده مى‏برند، و در روى زمين فساد مى‏كنند به حقيقت زيانكارند.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از دوستى با نادان بپرهيز زيرا هر چه به او نزديكتر شوى به بدى نزديك شده‏اى [و از جانب او جز بدى به تو نمى‏رسد.]

٣- سيّد رضى (در نهج البلاغه) گويد : پيشواى مؤمنان على (ع) فرمود : اى فرزندم از دوستى با نادان بپرهيز، زيرا او مى‏خواهد به تو سود برساند ولى زيان مى‏رساند، از دوستى با بخيل اجتناب كن زيرا هنگام شديدترين حاجت تو را رها مى‏سازد، و از دوستى با بد كار بر حذر باش زيرا تو را به چيز كمى مى‏فروشد، و از دوستى با دروغگو بپرهيز زيرا او مانند سراب است، دور را به تو نزديك و نزديك را به تو دور مى‏نماياند.

٤- امام محمّد باقر (ع) فرمود : به چهار شخص نزديك مشو و دوستى مكن :

نادان، بخيل، ترسو و دروغگو، امّا نادان مى‏خواهد به تو سود برساند ولى ضرر مى‏زند، امّا بخيل چيزى از تو مى‏گيرد ولى چيزى به تو نمى‏دهد، امّا ترسو از تو و از پدر و مادر خويش مى‏گريزد، امّا دروغگو راست مى‏گويد ولى كسى سخن او را تصديق نمى‏كند. ٥- امام جعفر صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل مى‏كند كه امام باقر (ع) فرمود :

خواستم به سفر بروم، پدرم علىّ بن الحسين (ع) به من سفارش كرد : اى پسرم از دوستى و معاشرت با احمق بپرهيز و با او معاشرت نكن زيرا احمق در حضور و غياب به دنبال عيبجويى است.

اگر سخن بگويد نادانى‏اش او را رسوا گرداند، و اگر سكوت كند ناتوانى در گفتار او را كوچك مى‏كند و اگر كارى انجام دهد آن را تباه سازد، و اگر مسئوليتى به عهده گيرد آن را ضايع مى‏كند، دانش او باعث بى‏نيازى او نيست و دانش ديگران هم به وى سود نمى‏رساند، نصيحت ناصحان را نمى‏پذيرد، دوستش از او آسايشى نمى‏يابد، مادرش دوست دارد در عزايش بنشيند، و همسرش مى‏خواهد او را از دست بدهد، همسايه‏اش مى‏خواهد از او دور باشد، و دوست وى تنهايى را بر مجالسش ترجيح مى‏دهد، اگر در مجلسى از ديگران كوچكتر باشد آنها از دست او در رنج و عذابند، و اگر بزرگتر از ديگران باشد آنان را به فساد مى‏كشاند.

## ١٨- باب كراهت همنشينى با فرومايگان و ثروتمندان و گفتگو با زنان‏

 ١- امام جعفر صادق (ع) از اجدادش نقل مى‏كند كه : رسول خدا (ص) فرمود : همنشينى با سه گروه دل را مى‏ميراند : ١- همنشينى با فرومايگان.

٢- گفتگو با زنان. ٣- همنشينى با ثروتمندان.

٢- امام محمد باقر (ع) به شخصى فرمود : با ثروتمندان معاشرت نكن زيرا انسان وقتى كه با آنها معاشرت مى‏كند از نعمتى كه خدا به خودش داده است قدردانى نمى‏كند و به مرحله‏اى مى‏رسد كه تصوّر مى‏كند خدا به وى نعمتى نداده است.

١٩- باب كراهت وارد شدن به مكانهاى تهمت آميز ١- امام جعفر صادق (ع) گويد : امير مؤمنان علىّ (ع) فرمود : اگر كسى خود را در معرض تهمت قرار دهد كسانى كه به او بد گمان مى‏شوند نبايد ملامت كند، و كسى كه رازش را پنهان دارد اختيار در دست خودش مى‏باشد [و رازش آشكار نمى‏شود .]

٢- امام صادق (ع) فرمود : كسى كه به جاهاى تهمت آميز برود و متهم گردد بايد خودش را ملامت كند.

٣- امام باقر (ع) از پدر بزرگوارش نقل كرده است كه حضرت امير (ع) فرمود :

شخصى كه خودش را در معرض تهمت قرار دهد نبايد كسانى را كه به او بد گمان مى‏شوند ملامت كند.

٤- حضرت على (ع) در وصيّت به فرزندش امام حسن (ع) فرمود : از مكانهاى تهمت آميز، و جاهايى كه مردم به آن بدگمانند بپرهيز، زيرا همنشين بد انسان را گول مى‏زند. ٥- امام موسى كاظم (ع) گويد : امام صادق (ع) فرمود : از جاهاى مشكوك [و تهمت آميز] بپرهيزيد، و حتّى نبايد كسى با مادرش راه برود زيرا همه مردم نمى‏دانند كه وى مادر اوست.

٦- سيّد رضى (در نهج البلاغه) از امير المؤمنان (ع) نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود : شخصى كه خود را در معرض تهمت قرار دهد كسانى را كه به او بد گمان مى‏شوند نبايد ملامت كند.

٧- و نيز آن حضرت فرمود : كسى كه شمشير تجاوز و ستم بروى مردم بكشد با آن شمشير كشته مى‏شود، و كسى كه مكر و حيله ورزد هلاك شود، و هر كه بى‏باكى پيشه سازد غرق گردد، و شخصى كه وارد مكانهاى تهمت آميز شود متهم گردد.

٢٠- باب استحباب پرهيز و ترس از زيركى مؤمن‏ ١- امام باقر (ع) در تفسير آيه «إِنّ فِي ذلِكَ لآَياتٍ لِلْمُتَوَسّمِينَ» فرمود : منظور از «متوسّمين» ائمّه هستند (چون) رسول خدا (ص) فرمود : از زيركى مؤمن بپرهيزيد زيرا او در گفتارش از نور الهى استفاده مى‏كند.

٢- سليمان جعفرى گويد : عدّه‏اى در نزد امام موسى كاظم (ع) بوديم كه فرمود : از زيركى مؤمن بترسيد زيرا او با نور الهى به امور مى‏نگرد.

٣- سيّد رضى (در نهج البلاغه) گويد : علىّ (ع) فرمود : از گمانهايى كه مؤمنان نسبت به شما مى‏برند بر حذر باشيد زيرا خدا حقّ را بر زبان آنها جارى مى‏سازد.

٢١- باب استحباب مشورت با اشخاص صاحب نظر ١- امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل كرده كه به پيامبر اكرم (ص) گفته شد : اى رسول خدا، هوشيارى و دورانديشى در چيست؟ فرمود : مشورت كردن با صاحب‏نظران و پيروى از آنها.

٢- امام صادق (ع) فرمود : رسول اكرم (ص) در وصيّت به حضرت على (ع) فرمود : هيچ كمك و پشتيبانى محكمتر از مشورت، و هيچ خردى بهتر از تدبير و چاره‏انديشى نيست.

٣- امام باقر (ع) فرمود : در تورات چهار عبارت نوشته شده است : ١- كسى كه مشورت نكند پشيمان مى‏شود. ٢- فقر و تنگدستى بزرگترين مرگ است.

٣- هر گونه رفتار كنى با تو رفتار مى‏كنند. ٤- كسى كه چيزى را مالك شود منافع خود را بر منافع ديگران ترجيح مى‏دهد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هرگز انسان با مشورت كردن هلاك نمى‏شود.

٥- سيّد رضى (در نهج البلاغه) از حضرت امير (ع) نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود : هيچ ثروتى مانند عقل، و هيچ فقرى مانند نادانى، و هيچ ميراثى مانند ادب، و هيچ پشتيبانى مانند مشورت كردن نيست.

٦- و آن حضرت فرموده است : كسى كه خود رأى باشد نابود مى‏شود، و هر كه با بزرگان مشورت كند در عقل آنها شريك است.

٧- و آن حضرت فرمود : مشورت راهيابى است.

٨- و نيز آن حضرت فرمود : كسى كه به رأى و فكر خود اكتفا كند خود را به خطر افكنده است.

٢٢- باب استحباب مشورت با شخص پرهيزگار خردمند و اطاعت از او و كراهت مخالفت با وى‏ ١- امام جعفر صادق (ع) فرمود : كسى كه نصيحت‏كننده‏اى از باطن، و بازدارنده‏اى از درون، و همنشين راهنما نداشته باشد دشمن را بر خود چيره كرده است.

٢- امام هادى از پدرانش نقل كرده است كه حضرت على (ع) فرمود : كسى كه به رأى و فكر خود اكتفا كند خود را به خطر افكنده است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : در كار خود با كسانى مشورت كن كه از پروردگارشان مى‏ترسند.

٤- امام صادق (ع) نقل كرده است كه حضرت على (ع) فرمود : در كارى كه براى تو پيش مى‏آيد با كسانى كه از خدا مى‏ترسند مشورت كن.

٥- سليمان بن خالد گويد : از امام جعفر صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

با مردم خردمند با تقوا مشورت كن زيرا آنها جز به نيكى راهنمايى نمى‏كنند، و بپرهيز از مخالفت با آنان زيرا مخالفت با شخص پرهيزگار خردمند باعث تباهى دين و دنياست. ٦- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : مشورت با خردمند اندرزگو باعث پيشرفت و بركت و موفقيّت از جانب خداست، وقتى كه شخص دلسوز عاقل تو را راهنمايى كند از مخالفت با او بپرهيز، زيرا اين مخالفت باعث هلاكت مى‏شود.

٧- امام جعفر صادق (ع) فرمود : چرا وقتى كار مهمّى براى شما پيش مى‏آيد و خود قادر به حلّ آن نيستيد با افراد خردمند متديّن و پارسا مشورت نمى‏كنيد؟

سپس امام صادق (ع) فرمود : آگاه باشيد هر كس اين كار را انجام دهد خدا او را خوار نمى‏گرداند بلكه مقام او را بالا مى‏برد و به بهترين كارها و نزديكترين آنها به خداوند هدايتش مى‏كند.

٨- امام صادق (ع) فرمود : مشورت داراى حدودى است كه اگر آن حدود شناخته و رعايت نشود ضررش براى مشورت‏كننده از نفعش بيشتر است.

آن حدود عبارتند از : كسى كه با او مشورت مى‏شود : ١- عاقل باشد. ٢- آزاده ديندار باشد. ٣- دوست مهربان و مانند برادر باشد. ٤- اگر از راز تو آگاه شد مثل اين كه خودت به آن آگاهى و آن را مكتوم و پوشيده مى‏دارد. زيرا تو زمانى از راهنمايى مشاور سود مى‏برى كه او عاقل باشد، و وقتى كه وى آزاد مرد متديّن بود نهايت كوشش را براى نصيحت كردن تو به كار مى‏برد، وقتى كه دوست مهربان و مانند برادر باشد و او را از راز خويش آگاه كردى راز تو را پوشيده نگاه مى‏دارد، و آگاهى او مانند اين است كه خودت به آن آگاهى، [اگر اين شرايط رعايت شود] مشورت جامع و نصيحت كامل مى‏گردد.

٢٣- باب وجوب راهنمايى كسى كه تقاضاى مشورت مى‏كند ١- امام جعفر صادق (ع) فرمود : مردى به نزد امير المؤمنين (ع) آمد و عرض كرد براى مشورت به خدمت شما آمده‏ام.

حسن و حسين [دو فرزند شما] و عبد اللّه بن جعفر از دخترم خواستگارى كرده‏اند (كداميك را قبول كنم)؟ حضرت علىّ (ع) فرمود : كسى كه با او مشورت كند مورد اعتماد است، [فرزندم] حسن زنان را طلاق مى‏دهد، دخترت را به همسرى حسين درآور كه او براى دخترت مناسبتر است.

٢- امام صادق (ع) فرمود : كسى كه با برادر مؤمنش مشورت كند و او نظرش را خالصانه بازگو ننمايد خداى عزّ و جلّ قدرت فكر و انديشه را از وى مى‏گيرد.

## ٢٤- باب جواز مشورت كردن با كسى كه مرتبه او پايين‏تر است‏

١- معمّر بن خلّاد گويد : يكى از غلامان امام رضا (ع) به نام سعد وفات يافت؛ امام به معمّر فرمود : شخصى با فضيلت و امانتدار به من معرّفى كن، در پاسخ گفتم : من كسى را به شما معرّفى كنم؟ حضرت با حالت شبيه شخص غضبناكى فرمود : پيامبر خدا با يارانش مشورت مى‏كرد و بعد در باره آنچه كه مى‏خواست تصميم مى‏گرفت.

٢- فضيل بن يسار گويد : امام صادق (ع) در باره كارى با من مشورت كرد، به امام گفتم : خدا شما را يارى دهد، كسى مانند من مشاور شما باشد؟ امام فرمود : آرى هر زمانى كه با تو مشورت كنم.

٣- حسن بن جهم گويد : جمعى در خدمت امام رضا (ع) بوديم. ايشان يادى از پدر بزرگوارش نمود و فرمود : هيچ عقلى با عقل او برابرى نمى‏كرد، در عين حال در بسيارى اوقات با يكى از غلامان سياه پوست خود مشورت مى‏كرد، به آن حضرت گفته شد آيا با چنين كسى مشورت مى‏فرمايى؟ در پاسخ فرمود : چه بسا خداى تبارك و تعالى مشكل را به زبان چنين شخصى برطرف كند، بسيارى اوقات در باره مزرعه يا باغ آن حضرت را راهنمائى مى‏كردند و آن حضرت به آن عمل مى‏فرمود.

٤- سيّد رضى (در نهج البلاغه) از حضرت علىّ (ع) نقل كرده است كه عبد اللّه بن عبّاس نظر خود را به عنوان يك مشاور براى امام على (ع) بيان كرد، امّا امام با عقيده او موافق نبود؛ فرمود : تو بايد نظر مشورتى خود را به من بگويى، امّا اگر بر خلاف نظر تو تصميم بگيرم بايد نظر مرا بپذيرى.

٥- علىّ بن مهزيار گويد : امام جواد (ع) به من نوشت به فلانى بگو با ما مشورت كند و پس از مشورت آنچه نظر خودش است انتخاب كند زيرا او از آنچه در سرزمينش [اهواز] مى‏گذرد و از اين كه چگونه با سلاطين رفتار كند آگاهتر است. مشورت باعث بركت و خوشبختى است، خدا به پيامبرش در قرآن كريم مى‏فرمايد : «در كارها با مردم مشورت كن، ليكن آن چه خودت تصميم گرفتى با توكّل به خدا انجام ده» (حضرت فرمود) پس هر چه مى‏گذرد به من گزارش دهد بهترين نظر را برايش مى‏نويسم و اگر رأى و نظر من بهتر نباشد اميدوارم او را به راه روشن حقّ راهنمايى كرده باشم ان شاء اللّه «در كارها با مردم مشورت كن» منظور طلب خير از مردم است.

## ٢٥- باب كراهت مشورت با زنان و نيكو بودن مشورت با مردان‏

١- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيامبر (ص) در وصيّتش به حضرت علىّ (ع) فرمود : يا على بر زنان، نماز جمعه و مسئوليت قضاوت، و طرف مشورت قرار گرفتن نيست.

يا على، تندخويى ناپسند و اطاعت از زن موجب پشيمانى است. يا على، از جمله چيزهايى كه نامبارك است زبان زنان است. [زنانى كه رعايت شؤون اسلامى را نمى‏نمايند .]

٢- امير المؤمنين (ع) در وصيّت به فرزندانشان محمّد بن حنفيّه فرموده است :

آراى مردان را جمع كن، سپس آن رأيى را كه به حقّ نزديكتر است انتخاب كن و آرائى را كه شك دارى رها كن ... تا اين كه فرمود : كسى كه به رأى خود عمل كند خودش را به خطر مى‏افكند و هر كه آراى مختلف را مورد توجّه قرار دهد به راههاى خطا و اشتباه پى مى‏برد.

## ٢٦- باب كراهت مشورت با شخص ترسو، بخيل، آزمند، برده، فرومايه و بدكار

١- امام رضا (ع) از پدرانش از حضرت علىّ (ع) نقل كرده است كه پيامبر (ص) فرموده است : يا علىّ با شخص ترسو مشورت نكن زيرا او راه خروج [از گرفتاريها] را براى تو سخت جلوه مى‏دهد و حتما با بخيل مشورت نكن، زيرا تو را از هدف بازمى‏دارد، با حريص مشورت نكن زيرا او كار بد را زيبا جلوه مى‏دهد، و بدان كه ترس و بخل و آزمندى غريزه‏اى است كه از سوء ظنّ ناشى مى‏شود.

٢- عمّار ساباطى گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : اى عمّار اگر مى‏خواهى نعمت برايت با دوام، و مردانگى‏ات كامل، و زندگى‏ات اصلاح گردد در كار خويش با بردگان و اشخاص فرومايه مشورت مكن، زيرا اگر به آنها اعتماد كنى به تو خيانت مى‏كنند، و اگر خبرى به تو بدهند دروغ مى‏گويند و اگر گرفتار شوى تو را خوار مى‏سازند و اگر به تو وعده‏اى دهند به آن وفا نمى‏كنند.

٣- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از پدرم شنيدم كه مى‏فرمود : حق را بپادار و براى آنچه از تو فوت شده افسوس مخور و از آنچه به تو مربوط نيست كناره‏گير، از دشمن دورى كن، و از دوست خويش بر حذر باش، (با احتياط با او برخورد كن) و با مردم امين همنشين و دوست باش، و امين كسى است كه از خدا بترسد، و با بد كار همنشينى مكن، و او را بر راز خويش آگاه مگردان، و امانت خود را به او مسپار، و در كارهايت با كسانى كه از پروردگار خويش مى‏ترسند مشورت نما.

## ٢٧- باب تحريم همنشينى و دوستى با اهل بدعت‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : با كسانى كه در دين بدعت مى‏گذارند دوستى و همنشينى نكنيد زيرا در نظر مردم يكى از آنان به شمار مى‏آييد.

و پيامبر (ص) فرمود : انسان بر دين دوست و همنشين خود مى‏باشد.

٢٨- باب كسانى كه معاشرت و سلام كردن بر آنها شايسته نيست‏ ١- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده كه در وصيّت حضرت رسول (ص) به على عليه السلام آمده است : يا على كسى كه از دين و دنيايش توشه‏اى بر نگيرد براى تو خيرى در همنشينى با او نيست، و كسى كه خواسته تو را اجابت نكند تو نيز خواسته او را اجابت نكن، زيرا او شايسته تكريم نيست.

٢- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه در حديث منهيّات پيامبر (ص) فرمود : سخن گفتن با شخص جذامى مكروه است مگر اين كه بين آنها به اندازه يك ذراع [تقريبا نيم متر] فاصله باشد.

و آن حضرت فرمود : از جذامى فرار كن مانند گريختن از شير.

٣- در كتاب خصال شيخ صدوق از امير المؤمنين (ع) نقل شده است كه آن حضرت فرمود : پيامبر (ص) [مردم را] از سلام كردن بر چهار گروه نهى كرده است : ١- شخص باده‏گسار در حال مستى. ٢- كسى كه مجسمه مى‏سازد. ٣- آن كه با نرد بازى مى‏كند. ٤- كسى كه دوز بازى مى‏كند. و من گروه پنجمى را اضافه مى‏كنم، نهى مى‏كنم شما را از سلام كردن بر شطرنج باز.

٤- رسول خدا (ص) فرمود : از پنج گروه در هر حال بايد دورى كرد :

جذامى، پيس، ديوانه، زنازاده، و عرب بيابانگرد.

٥- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است كه بر شش گروه نبايد سلام كرد : يهودى، مسيحى، و كسى كه براى رفع حاجت نشسته است و آن كه بر سر سفره‏اى مى‏نشيند كه در آن مشروبات الكلى است و شاعرى كه به زنان عفيف تهمت مى‏زند و كسانى كه فحش دادن به مادران اشخاص را وسيله شوخى قرار مى‏دهند.

٦- حضرت علىّ (ع) در حديثى فرمود : بر شش گروه سلام كردن شايسته نيست : ١- يهودى و مسيحى ٢- افرادى كه با نرد و با شطرنج بازى مى‏كنند. ٣- باده‏گسار. ٤- اهل ساز و طنبور. ٥- كسانى كه فحش دادن به مادران اشخاص را وسيله‏

شوخى قرار مى‏دهند ٦- شاعران [دربارى و چاپلوس

٧- امام جعفر صادق (ع) از پدرش امام محمّد باقر (ع) نقل كرده است كه آن حضرت فرمود : بر يهود، و نصارى و زردشتى، و بت پرست، و باده‏گسار و كسانى كه كارشان بازى شطرنج و نرد است، و مرد زن صفت [مردى كه خود را در اختيار مردان ديگر مى‏گذارد] و شاعرى كه زنان عفيف را متّهم مى‏كند، و كسى كه در حال نماز است سلام نكنيد. بر نمازگزار بدين سبب كه نمى‏تواند پاسخ سلام را بدهد، با توجّه به اين كه سلام براى مسلمان امرى مستحب و پاسخ آن واجب است، و بر رباخوار و كسى كه براى رفع حاجت نشسته است، و در حمّام، و هر فاسقى كه آشكارا مرتكب معصيت مى‏شود.

## ٢٩- باب استحباب اظهار دوستى و محبّت نسبت به مردم‏

١- امام محمّد باقر (ع) فرمود : عربى باديه‏نشين از بنى تميم به نزد پيامبر (ص) آمد و عرض كرد : مرا نصيحت فرماييد. از جمله مطالبى كه پيامبر (ص) به او فرمودند اين بود : نسبت به مردم اظهار دوستى كن تا تو را دوست بدارند.

٢- امام موسى كاظم (ع) فرمود : اظهار محبّت و دوستى نسبت به مردم نيمى از عقل است.

٣- ابن ادريس در كتاب سرائر مشابه اين حديث را نقل كرده است با اين تفاوت : و مدارا كردن با ديگران نيمى از وسيله زندگى است، و كسى كه ميانه‏روى كند فقير نمى‏شود.

٤- امام صادق (ع) از امام حسن مجتبى (ع) نقل فرموده است : خويشاوند كسى است كه از لحاظ دوستى به انسان نزديك باشد اگر چه از لحاظ نسب دور باشد و بيگانه كسى است كه از جهت محبّت و دوستى بيگانه باشد گرچه از لحاظ نسب نزديك باشد، هيچ چيز نزديكتر به چيزى از دست به بدن نيست، و دست خيانت مى‏كند و قطع مى‏شود، و پس از قطع درمان مى‏گردد. [يعنى اعتماد به نزديكى خويشاوند نيست، اگر دوست نباشد، و گاهى عملا از انسان دور و بيگانه است. يا منظور اين است كه دست دزد به صاحبش خيانت مى‏كند و در عين نهايت نزديكى قطع مى‏گردد. يا انسان دشمن دستش هست و باعث قطعش مى‏گردد. يا اين كه اعتمادى به قرب جسمانى نيست و نفع حقيقى و پايدار قرب معنوى است .]

٥- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : اظهار دوستى نسبت به مردم نصف عقل است.

## ٣٠- باب استحباب خوشرفتارى و گشاده‏رويى و احترام به مردم و خوددارى از مزاحمت آنان‏

١- امام صادق (ع) فرمود : خوشرويى با مردم يك سوّم عقل است.

٢- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است كه سه چيز دوستى انسان را براى برادر مسلمانش خالص مى‏گرداند : ١- با خوشرويى او را ملاقات كند. ٢- در مجلس به او جا دهد. ٣- او را با بهترين نامها بخواند.

٣- حذيفة بن منصور گويد : از امام جعفر صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

كسى كه از مزاحمت مردم دست بردارد، گرچه او يك نفر است كه از مزاحمت آنان دست برداشته لكن در مقابل افراد زيادى از مزاحمت او دست برمى‏دارند.

## ٣١- مستحبّ است براى كسى كه مؤمنى را دوست دارد او را از دوستى خود با خبر كند

١- امام صادق (ع) فرمود : زمانى كه كسى را دوست دارى او را از اين امر با خبر كن، زيرا باعث استوارى محبّت بين شما مى‏گردد.

٢- نصر بن قابوس گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : زمانى كه يكى از برادرانت را دوست مى‏دارى او را از اين دوستى آگاه كن، همان طور كه حضرت ابراهيم (ع) گفت : «پروردگارا به من بنما كه چگونه مردگان را زنده مى‏كنى، خدا فرمود : آيا به [زنده شدن مردگان] اطمينان ندارى؟ ابراهيم پاسخ داد : ايمان دارم اما مى‏خواهم قلبم مطمئن شود»

٣- شخصى به امام باقر (ع) عرض كرد : من اين مرد را دوست دارم، امام به او فرمود : او را از اين امر با خبر كن، زيرا دوستى را پايدارتر و مهربانى را نيكوتر مى‏سازد.

٤- امام جعفر صادق (ع) فرمود : زمانى كه كسى را دوست مى‏دارى به او بگو.

٥- امام صادق (ع) از پيامبر خدا (ص) نقل فرموده است : هر گاه يكى از شما هم صحبت يا برادر ايمانى‏اش را دوست مى‏دارد او را آگاه سازد.

## ٣٢- باب استحباب آغاز كردن سلام قبل از سخن گفتن و استحباب پاسخ ندادن قبل از سلام‏

١- امام صادق (ع) فرمود : آغازكننده به سلام به خدا و رسولش نزديكتر است.

٢- علىّ بن الحسين (ع) فرمود : از صفات مؤمن انفاق كردن به اندازه توانايى و وسعت دادن [به اهل و عيال] در حدّ قدرت، و با عدالت و انصاف رفتار كردن با مردم، و آغاز به سلام نمودن بر آنان مى‏باشد.

٣- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرمود : شايسته‏ترين مردم نزد خدا و رسولش كسى است كه سلام را آغاز كند.

٤- با همين اسناد نقل شده كه رسول خدا (ص) فرمود : كسى كه قبل از سلام سخن آغاز كند به او پاسخ ندهيد. و نيز فرمود : قبل از سخن گفتن سلام كنيد، اگر كسى قبل از سلام گفتن سخن گويد به او پاسخ ندهيد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : فرشته‏اى مردى را بر در خانه‏اى ديد، فرشته به او گفت چرا بر در اين خانه ايستاده‏اى؟ پاسخ داد يكى از برادرانم در اين خانه است مى‏خواهم بر او سلام كنم، فرشته به او گفت : آيا بين شما خويشاوندى است يا حاجتى به او دارى؟ پاسخ داد : قرابتى بين ما نيست، و نيازى جز اخوّت اسلامى و احترام آن مرا به اينجا نكشانده بلكه براى پروردگار جهان به او سلام و محافظتش مى‏كنم، فرشته به او گفت : من فرستاده خدايم به سوى تو، پروردگارت تو را سلام مى‏رساند و مى‏فرمايد : مرا زيارت كردى، و براى من تعهّد نمودى، حتما بهشت را بر تو واجب كردم و تو را از خشم خويش معاف داشتم، و از آتش نجات دادم.

٦- امام صادق (ع) نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : كسى كه قبل از سلام كردن سخن آغاز كند به او پاسخ ندهيد.

و نيز امام صادق (ع) فرمود : هيچ كس را به طعام خويش دعوت نكنيد مگر اين كه سلام كند.

## ٣٣- باب لزوم سلام و كراهت ترك آن و وجوب پاسخ سلام‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : جواب دادن به نامه مانند پاسخ سلام واجب است و آغازكننده به سلام [از جواب دهنده] نزد خدا و رسولش شايسته‏تر است.

٢- امام صادق (ع) نقل كرده : خداى عزّ و جلّ فرمود : بخيل كسى است كه از سلام كردن بخل ورزد.

٣- امام جعفر صادق (ع) نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : سلام كردن مستحب، و پاسخ آن واجب است.

٣٤- باب استحباب بلند گفتن سلام و سخن نيكو گفتن‏ ١- امام محمّد باقر (ع) فرمود : خداى عزّ و جلّ بلند سلام كردن را دوست مى‏دارد.

٢- امام باقر (ع) فرموده : سلمان (كه رحمت خدا بر او باد) مى‏گفت : سلام خدا را آشكارا بگوييد، زيرا درود خدا به ستمكاران نمى‏رسد.

٣- امام جعفر صادق (ع) در حديثى نقل فرموده است كه حضرت علىّ (ع) مى‏فرمود : خشمگين نشويد، و [كارى نكنيد كه] مورد خشم قرار گيريد، آشكارا سلام كنيد، و سخن نيكو بگوييد، نماز شب بخوانيد در حالى كه مردم در خوابند، تا به سلامتى به بهشت رويد، سپس اين گفتار خداى عزّ و جلّ را براى آنان خواند :

«خدايى كه سالم از هر گونه عيب و نقص، و امان دهنده و نگهبان است»

٤- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى فروتنى اين است كه كسى را كه ملاقات مى‏كنى بر او سلام نمايى.

٥- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است كه در وصيّت پيامبر (ص) به حضرت على (ع) آمده است : سه چيز باعث پوشاندن گناهان است، آشكارا سلام كردن، طعام دادن، خواندن نماز شب در حالى كه مردم خوابند.

٦- امام صادق (ع) فرمود : بخيل كسى است كه از سلام كردن بخل ورزد.

٧- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : در بهشت خانه‏هايى است كه بيرون آنها از داخل، و داخل آنها از خارج ديده مى‏شود، كسانى از امّت من در آن سكونت مى‏كنند كه سخن نيكو گويند، و مردم را اطعام كنند، و بلند سلام كنند و روزه را ادامه دهند، نماز شب بخوانند در حالى كه مردم در خوابند. حضرت علىّ (ع) سؤال كرد : اى رسول خدا چه كسى از امّت شما توانايى انجام اين اعمال را دارد؟

پيامبر (ص) فرمود : يا على ميدانى نيكويى سخن چيست؟ كسى كه صبح و شام ده مرتبه بگويد :

«سبحان الله، و الحمد للّه، و لا اله الّا اللّه، و اللّه اكبر»

، و اطعام كردن عبارت است از انفاق كردن مرد به خانواده‏اش، امّا منظور از ادامه روزه آن است كه شخص ماه رمضان و از هر ماه ديگر سه روز روزه بگيرد، روزه عمر براى او نوشته مى‏شود. امّا منظور از نماز شب در حالى كه مردم خوابند، هر كس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند مانند آن است كه تمام شب را به عبادت مشغول باشد و مقصود از افشاى سلام آن است كه از سلام كردن بر هيچ مسلمانى بخل نورزد.

٨- امام محمّد باقر (ع) فرمود : سه چيز باعث قرب و منزلت است : آشكارا سلام كردن، طعام دادن، و نماز شب خواندن در حالى كه مردم در خوابند.

٩- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى تواضع سلام كردن به هر كسى است كه او را ملاقات كنى.

١٠- پيامبر خدا (ص) فرمود : ناتوانترين مردم كسى است كه از دعا كردن عاجز باشد، و بخيلترين مردم آن است كه از سلام كردن بخل ورزد.

١١- امام صادق (ع) فرمود : هر كس چهار چيز براى من تعهّد كند من چهار خانه در بهشت براى او تضمين مى‏كنم، ١- انفاق كردن و نترسيدن از فقر و تنگدستى. ٢- رعايت عدالت در باره مردم در مقابل منافع خويش. ٣- آشكارا سلام كردن در همه جا. ٤- ترك مجادله و نزاع اگر چه حقّ با او باشد.

## ٣٥- باب استحباب سلام كردن بر كودكان‏

٣٥- باب استحباب سلام كردن بر كودكان‏ ١- امام رضا (ع) از پدرانش نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : پنج چيز را تا آخر عمر رها نخواهم كرد : ١- غذا خوردن با بردگان بر روى زمين.

٢- سوار شدن بر الاغ بى‏پالان. ٣- دوشيدن شير از پستان بز با دست خودم.

٤- پوشيدن لباس پشمين. ٥- سلام كردن بر كودكان تا بعد از من سنّت [رسم] باشد.

٢- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيامبر (ص) فرمود : پنج چيز را تا لحظه مرگ ترك نخواهم كرد : ١- پوشيدن لباس پشمين. ٢- سوار شدن بر الاغ بى‏پالان. ٣- غذا خوردن با بردگان. ٤- وصله كردن كفش با دست خودم.

٥- سلام كردن بر كودكان تا اين كه بعد از من سنت [رسم] باشد.

## ٣٦- باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوه سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو

 ١- امام رضا (ع) فرمود : هر كس فقير مسلمانى را ملاقات كند و به گونه‏اى بر او سلام نمايد كه با سلام بر ثروتمند فرق داشته باشد در روز قيامت خدا را درحالى ملاقات مى‏كند كه خدا بر وى خشمگين است.

٢- حجّال گويد : به جميل بن درّاج گفتم آيا پيامبر خدا (ص) فرمود :

زمانى كه بزرگ قومى نزد شما آمد او را احترام كنيد؟ جميل گفت : آرى، پيامبر فرموده است. از جميل پرسيدم : [در اين حديث] منظور از شريف كيست؟ پاسخ داد :

از امام صادق (ع) در اين باره پرسيده‏ام، آن حضرت فرمود : منظور از شريف در اين حديث شخص ثروتمند است.

## ٣٧- باب استحباب شكرگزارى خدا براى نعمت اسلام و تندرستى‏

 ١- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است : پيامبر (ص) فرمود : هر كس يهودى يا مسيحى يا زردشتى يا يكى از غير مسلمانان را ببيند بگويد :

«سپاس خدايى را كه مرا بر تو فضيلت داد و اسلام را دين من و قرآن را كتابم و محمّد (ص) را پيامبر، و حضرت على (ع) را امام و پيشواى من، و مؤمنين را

برادرانم، و كعبه را قبله من قرار داده است» خدا بين آن مؤمن و غير مسلمان در دوزخ هرگز جمع نكند.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : هر كس آفت زده‏اى (مانند جذامى و امثال آن) يا مثله شده يا گرفتارى را ببيند مخفيانه بطورى كه او نشنود سه مرتبه بگويد :

«سپاس خدايى را كه مرا سلامت داشت از آن چه تو را بدان مبتلا ساخته است، و اگر خدا مى‏خواست مى‏توانست مرا نيز گرفتار سازد» هرگز آن بلا به او نرسد.

## ٣٨- باب لزوم بلند سلام كردن و پاسخ دادن به نحوى كه مخاطب بشنود

 ١- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه كسى سلام مى‏كند بلند سلام كند و نگويد سلام كردم اما پاسخ ندادند، شايد نشنيده باشند، جواب سلام را نيز بايد بلند گفت تا آن مسلمان سلام‏كننده نگويد : پاسخ سلام مرا نگفتند.

## ٣٩- باب نحوه سلام گفتن و استحباب انتخاب كلمات مناسب‏

 ١- حسن بن منذر گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : كسى كه بگويد :

«السلام عليكم» براى او ده حسنه، و كسى كه بگويد :

«سلام عليكم و رحمة اللّه » برايش بيست حسنه، و هر كه بگويد :

«سلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته» برايش سى حسنه است.

٢- امام صادق (ع) نقل كرده است كه امير المؤمنين (ع) فرمود : كراهت دارد انسان بگويد :

«حيّاك اللّه» (خدا تو را زنده بدارد) سپس ساكت شود مگر آن كه پس از آن، سلام كند.

٣- عمّار ساباطى در باره نحوه سلام كردن زنان از امام صادق (ع) سؤال كرد و امام فرمود : زن بگويد :

«عليكم السّلام» و مرد پاسخ دهد : «السّلام عليكم» .

٤- وهب يمانى در حديثى نقل كرده است كه : خدا به آدم فرمود : به جانب اين گروه از فرشتگان برو و به آنان بگو «السّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته»

(سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد). حضرت آدم بر آنان سلام كرد، ملائكه پاسخ دادند :

«و عليك السّلام و رحمة اللّه و بركاته» . چون به حضور پروردگار خويش برگشت، پروردگار تبارك و تعالى به او فرمود : اين درود تو و فرزندانت تا روز قيامت در بين آنها باقى مى‏ماند.

٤٠- باب استحباب تكرار سلام تا سه مرتبه در صورت عدم دريافت پاسخ و اجازه ورود ١- امام محمد باقر (ع) فرموده است كه : امير المؤمنين (ع) به مردى از طايفه بنى سعد فرمود : آيا در باره خود و فاطمه برايت سخن نگويم؟ تا اين كه فرمود : يك روز صبح زود در حالى كه هنوز در رختخواب بوديم پيامبر به نزد ما آمد و فرمود :

«السلام عليكم» ما سكوت كرديم و حيا نموديم از جايمان بلند شويم، سپس فرمود :

«السلام عليكم » باز هم سكوت كرديم، مجددا فرمود :

«السلام عليكم» ترسيديم اگر پاسخ سلام حضرت را ندهيم برگردد، و اين عادت آن حضرت بود كه سه مرتبه سلام مى‏كرد و اگر اجازه ورود به وى داده نمى‏شد برمى‏گشت، پس گفتيم «و عليك السّلام» يا رسول اللّه ، داخل خانه شويد، حضرت داخل شدند، سپس تسبيح حضرت فاطمه را پيامبر براى آن دو در موقع خوابيدن مانند تعقيبات نماز بيان فرمود.

٢- امام صادق (ع) در حديث دوازده درهمى كه (حضرت رسول (ص) به علىّ (ع) دادند تا براى آن حضرت پيراهن بخرد) فرمود كه پيامبر خدا (ص) به كنيزى كه (چهار درهم صاحبش را گم كرده بود) فرمود : جلو من حركت كن و مرا به سوى خانواده‏ات راهنمايى كن، پيامبر چون به در خانه رسيد، فرمود :

«السلام عليكم» پاسخ ندادند، دو مرتبه سلام كرد، پاسخ ندادند، براى سوّمين بار كه سلام كرد گفتند : «اى رسول خدا سلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد». پيامبر (ص) سؤال فرمود : چرا بار اوّل و دوّم جواب سلام را نداديد، گفتند : اى رسول خدا ما سلام شما را شنيديم ولى دوست داشتيم بيشتر بشنويم ...

٤١- باب استحباب مورد خطاب قرار دادن يك مؤمن با ضمير جمع در موقع سلام كردن و دعا براى او در هنگام عطسه و غير آن‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : در سه مورد فرد به صورت جمع خطاب مى‏شود :

١- در موقع عطسه كه مى‏گويى «يرحمكم اللّه» اگر چه كسى با وى نباشد. ٢- در سلام كردن مى‏گويى «السّلام عليكم» . ٣- هنگام دعا براى ديگران مى‏گويى :

«عافاكم اللّه» . ٢- مانند اين حديث در خصال نيز نقل شده است.

٤٢- عدم استحباب سلام بر كسى كه همراه جنازه است يا به نماز جمعه مى‏رود يا در حمّام است‏

امام صادق (ع) فرمود : بر سه كس سلام لازم نيست ١- بر كسى كه با جنازه همراه است ٢- بر آن كه به نماز جمعه مى‏رود ٣- بر كسى كه داخل حمّام باشد.

## ٤٣- باب چگونگى پاسخ سلام دادن به حاضر و غايب‏

١- امام باقر (ع) فرمود كه : امير المؤمنين عليه السلام بر قومى گذشت و بر آنان سلام كرد، آنها پاسخ دادند «سلام و رحمت و بركات و مغفرت و خشنودى خدا بر تو باد». حضرت به آنان فرمود : بر ما بدان گونه كه فرشتگان به پدر ما ابراهيم (ع) سلام كرده‏اند سلام كنيد. آنان به حضرت ابراهيم (ع) گفتند «رحمت و بركات خدا بر شما اهل بيت».

٢- حكم بن عيينه گويد : روزى در خدمت امام باقر (ع) بودم و خانه پر از جمعيّت بود كه پيرمردى آمد و بر در خانه ايستاد و گفت : «السّلام عليك يا ابن رسول اللّه و رحمة اللّه و بركاته» (اى پسر رسول خدا سلام و رحمت خدا و بركات او بر تو باد) و ساكت شد. امام باقر (ع) فرمود :

«و عليك السّلام و رحمة اللّه و بركاته» . سپس به مردم سلام كرد و همه جواب سلام او را دادند.

٣- ابو كهمش گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم عبد الله بن ابى يعفور شما را سلام رساند، امام فرمود :

«و عليك و عليه السّلام» (بر تو و بر او سلام باد)، هر گاه عبد اللّه را ديدى به او سلام برسان.

٤- امام محمد باقر (ع) فرمود : فرشته‏اى از خدا درخواست كرد كه قدرت شنوايى دعاى بندگان خويش را به او ببخشد، خدا دعاى وى را مستجاب كرد و از آن زمان هر مؤمنى كه مى‏گويد :

«صلى اللّه على محمّد و آله و سلّم» (درود و سلام خدا بر محمّد و آل او)، آن فرشته در پاسخ مى‏گويد :

«و عليك السّلام» سپس آن فرشته به پيامبر (ص) عرض مى‏كند فلانى بر شما درود فرستاد، رسول خدا در جواب مى‏فرمايد «و درود بر او باد».

٥- امام باقر (ع) فرمود : روزى حضرت على (ع) در رحبة (محله‏اى در كوفه) نشسته بود و مردم دور او جمع بودند كه مردى بلند شد و گفت : «السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة اللّه و بركاته» (سلام و رحمت و بركات خدا بر تو اى پيشواى مؤمنان) حضرت به او نگاه كرد و فرمود :

«و عليك السّلام و رحمة اللّه و بركاته» ، تو كيستى؟ آن مرد خود را معرّفى كرد سپس سؤالات خود را مطرح كرد كه از جمله آنها ده سؤال بود كه هر كدام از ديگرى دشوارتر بود.

٦- پيامبر (ص) فرمود : ناقص كردن نماز يا سلام جايز نيست، امّا نقصان نماز ناتمام گذاشتن ركوع يا سجود و نقصان توقّف در ركعت ديگر مى‏باشد، و نقصان در سلام آن است كه در سلام كردن بگويد «السّلام عليك»

و يا در پاسخ سلام بگويد «و عليك» و نگويد «و عليكم السّلام» .

٧- علىّ بن ابراهيم در تفسيرش در ذيل قول خداى تعالى كه (يا محمّد) «اهلت را به نماز امر كن و بر آن شكيبا باش» گويد : رسول خدا (ص) هر روز هنگام نماز صبح به در خانه حضرت على و فاطمه و حسن و حسين (ع) مى‏آمد و مى‏فرمود :

«السّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته» (سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد). آنها مى‏گفتند :

«و عليكم السّلام يا رسول اللّه و رحمة الله و بركاته» سپس پيامبر مى‏فرمود : وقت نماز است خدا شما را رحمت كند.

## ٤٤- باب استحباب مصافحه با مقيم و در آغوش گرفتن مسافر

 ١- امام صادق (ع) فرمود : كامل شدن سلام و تحيّت براى مقيم، دست دادن و براى مسافر، يك ديگر را در آغوش گرفتن است.

## ٤٥- باب استحباب سلام كردن كوچك بر بزرگ و جمعيّت كم بر جمعيّت زياد و عابر بر نشسته و ...

 ١- امام جعفر صادق (ع) فرمود : بايد كوچك بر بزرگ، و عابر بر نشسته، و جمعيّت كم بر جمعيّت زياد سلام كند.

٢- امام صادق (ع) فرمود : وقتى گروهى در مجلسى باشند آنها كه وارد مى‏شوند بايد سلام كنند.

٣- امام صادق (ع) فرمود : عدّه كم بر عدّه زياد، و سواره بر پياده، و كسانى كه بر استر سوار هستند بر الاغ سوار، و اسب سواران بر استر سواران سلام كنند.

٤- ابن بكير از يكى از دوستانش نقل مى‏كند كه شنيدم امام صادق (ع) مى‏فرمود : سواره بر پياده، و پياده بر نشسته سلام كند و زمانى كه دو گروه يك ديگر را ملاقات نمايند گروه كمتر بر گروه بيشتر، و فرد بر جماعت سلام كند.

٥- امام صادق (ع) فرمود : سواره بر پياده و ايستاده بر نشسته سلام كند.

٤٦- اگر يك نفر از گروهى سلام كند از همه آنها كفايت مى‏كند و نيز كافى است كه يك نفر پاسخ دهد ١- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه يك نفر از جماعتى سلام كند براى همه آنها كفايت مى‏كند.

٢- امام صادق فرمود : اگر يك نفر از گروهى سلام كند براى همه آنها كافى است و نيز اگر يكى پاسخ دهد از ديگران ساقط است.

٣- ابن بكير از يكى از يارانش نقل كرده است كه امام صادق عليه السلام فرمود : اگر عدّه‏اى بر جماعتى بگذرند كافى است يكى از آن عدّه بر جماعت سلام كند، و نيز اگر يك نفر جواب دهد كافى است.

٤- زيد بن اسلم گويد : رسول خدا (ص) فرمود : بايد سواره بر پياده سلام كند، و اگر يك نفر از بين گروهى سلام كند از همه ساقط است.

## ٤٧- كراهت ترك سلام بر مؤمن حتّى در حال تقيّه‏

 ١- اسحاق بن عمّار گويد : به سبب تقيّه در مسجد كوفه بر دوستانم سلام نمى‏كردم، چون به خدمت امام صادق (ع) رسيدم به من فرمود : چرا بر دوستانت ستم مى‏كنى و در موقع ملاقات بر آنها سلام نمى‏كنى؟ پاسخ دادم اين امر بخاطر تقيّه است، فرمود : وظيفه ندارى بخاطر تقيّه سلام را ترك كنى، بلكه وظيفه تو نشر سلام است، مؤمن وقتى مردم با ايمان را مى‏بيند و بر آنها سلام مى‏كند ملائكه پاسخ مى‏دهند :

«سلام عليك و رحمة اللّه و بركاته ابدا» .

٤٨- باب جواز سلام كردن مرد بر زن‏ ١- ربعى بن عبد اللّه از قول امام صادق (ع) گويد : پيامبر خدا (ص) بر زنان‏

سلام مى‏كرد و آنان پاسخ سلام وى را مى‏دادند، امير المؤمنين (ع) نيز بر زنان سلام مى‏كرد ولى كراهت داشت از اين كه بر زنان جوان سلام كند، و مى‏فرمود :

مى‏ترسم از اين كه از صداى آنها مرا خوش آيد و از اجرم كاسته شود.

٤٩- باب تحريم سلام كردن بر كفّار و اهل لهو و لعب و امثال آن مگر در حال ضرورت و چگونگى پاسخ دادن به سلام آنان‏ ١- امام صادق (ع) از امير المؤمنين (ع) نقل فرموده است : شما اوّل بر اهل كتاب سلام نكنيد، و اگر آنان بر شما سلام كنند بگوييد :

«و عليكم»

٢- امام صادق (ع) فرمود : در پاسخ سلام يهودى و نصرانى مى‏گويى، سلام.

٣- امام جعفر صادق (ع) مى‏فرمايد : هر گاه يهودى يا مسيحى يا مشرك بر تو سلام كند بگو «عليك»

٤- امام محمّد باقر (ع) فرمود : مردى يهودى بر پيامبر (ص) وارد شد و عايشه آنجا بود، يهودى گفت «السّام عليكم» (كه معنايش «مرگ بر تو» است).

پيامبر (ص) فرمود :

«عليكم» ، يهودى ديگرى وارد شد و مانند اوّلى سلام كرد، حضرت همان پاسخ را به او دادند، يهودى سوّم وارد شد و مانند دو نفر اوّل سلام كرد، پيامبر همان جواب را به او دادند، عايشه خشمگين شد و گفت : مرگ و غضب و لعنت بر شما باد اى گروه يهود، اى برادران ميمونها و خوكها، رسول خدا (ص) به عايشه فرمود : اگر فحش به صورتى مجسّم مى‏شد بد صورتى داشت، نرمش و مدارا بر هيچ چيز نهاده نشده جز اين كه آن را آراسته، و از هيچ چيز برداشته نشده مگر اين كه آن را زشت كرده است، عايشه گفت : اى رسول خدا مگر سخن آنها را نشنيدى كه گفتند «السّام عليكم» (يعنى مرگ بر شما). پيامبر فرمود : چرا شنيدم، آيا تو نشنيدى پاسخى را كه به آنها دادم، گفتم‏

«عليكم» (يعنى مرگ بر خودتان).

سپس پيامبر فرمود : هر گاه مسلمانى بر شما سلام كند بگوييد :

«سلام عليكم» . و اگر كافرى سلام كند، بگوييد :

«عليك»

٥- امام جعفر صادق (ع) فرمود : شخصى يهودى به نزد پيامبر (ص) آمد و گفت :

«السّام عليكم» ، پيامبر (ص) فرمود «عليك» ياران پيامبر گفتند : او گفت مرگ بر تو، پيامبر (ص) فرمودند : همچنان پاسخ دادم.

٦- سماعه گويد : از امام صادق (ع) پرسيدم اگر مسلمانى نشسته باشد و يهودى يا مسيحى يا مشركى بر وى سلام كند چگونه بايد پاسخ دهد؟ حضرت فرمود : بگويد

«عليكم»

٧- امام باقر (ع) فرمود : ابو جهل و عدّه‏اى از قريش به نزد ابو طالب آمدند و گفتند : پسر برادر تو [حضرت محمّد (ص)] ما را اذيّت مى‏كند، از او بخواه كه از خدايان ما دست بردارد، ما نيز به خداى او كارى نداريم، ابو طالب پيامبر (ص) را خواست، چون پيامبر (ص) وارد شد و ديد مشركين در آن جلسه هستند فرمود :

«السّلامُ عَلى‏ مَنِ اتّبَعَ الْهُدى‏» [و صيغه مخصوص سلام را به كار نبرد .]

٨- اصبغ بن نباته گويد : از علىّ (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : شش گروه شايسته سلام نيستند : ١- يهود، ٢- نصارى، ٣- اهل نرد و شطرنج، ٤- اهل مشروبات الكلى و موسيقى، ٥- كسانى كه فحش دادن به مادران را وسيله شوخى خود قرار مى‏دهند، ٦- شاعران [شاعرانى كه افراد نالايق را مدح مى‏كنند .]

٩- امام صادق (ع) نقل مى‏كند كه پيامبر (ص) فرمود : شما بر اهل كتاب‏

يعنى يهود و نصارا سلام را آغاز نكنيد، و اگر آنها بر شما سلام كنند بگوييد :

«عليكم» و با آنان مصافحه نكنيد و با كنيه آنها را صدا نزنيد مگر اين كه مجبور باشيد.

٥٠- باب عدم جواز ورود به خانه غير بدون اجازه و خبر دادن و سلام كردن و ... ١- عبد الرحمن بن ابى عبد اللّه گويد : از امام صادق (ع) در باره قول خداى عزّ و جلّ : «به خانه‏هايى غير از خانه‏هاى خودتان وارد نشويد مگر اين كه مأنوس شويد و بر اهل خانه سلام كنيد» پرسيدم، امام فرمود : منظور از استيناس در موقع ورود به خانه صدا را بلند كردن و سلام نمودن است.

٢- ابو الصباح گويد از امام محمّد باقر (ع) در باره قول خداى عزّ و جلّ كه «چون به خانه‏هايى وارد شويد بر خودتان سلام كنيد» پرسيدم، امام فرمود : منظور سلام كردن بر اهل خانه است و آنها كه پاسخ سلام او را مى‏دهند، پس اين سلام بر او مى‏باشد.

٣- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه وارد خانه خويش مى‏شويد اگر كسى در خانه باشد بر او سلام كنيد، و چنانچه كسى نباشد بگوييد

«السّلام علينا من عند ربّنا»

(سلام بر ما از جانب پروردگار ما) چرا كه خداى عزّ و جلّ فرمود : «تحيتى با بركت و پاكيزه از نزد خدا است.»

## ٥١- باب كسانى كه رفت و آمد به خانه آنها شايسته است‏

 ١- امير المؤمنين (ع) فرمود : حكماى روزگاران گذشته گفته‏اند : لازم است انسان از روى ده انگيزه رفت و آمد داشته باشد : اوّل خانه خدا براى انجام عبادت و اداى حقّ و واجبات. دوّم- خانه فرمانروايانى كه اطاعت آنها در ارتباط با اطاعت خداست، و رعايت حقّشان واجب و منفعتشان فراوان و ضررشان سهمگين است. سوّم- خانه دانشمندانى كه علمشان نفع دينى و دنيوى دارد. چهارم- خانه اهل جود و بخشش كه اموالشان را براى شكرگزارى خدا و اجر آخرت انفاق مى‏كنند. پنجم- افرادى كه از خرد بهره زيادى ندارند و در حوادث و پيش آمدها به آنها نياز هست و براى رفع گرفتاريها از آنها كمك گرفته مى‏شود. ششم- خانه اشراف و بزرگان كه داراى بخشش و مردانگى و حاجت برآورنده هستند. هفتم- كسانى كه فكر و انديشه‏شان و نيز مشورت با آنها باعث رشد فكرى انسان است.

هشتم- برادران ايمانى كه پيوند و رعايت حقوقشان واجب است. نهم- دشمنانى كه شرّ و دشمنى آنها با مدارا و نرمى كردن و مهربانى نسبت به آنها برطرف مى‏شود. دهم- كسانى كه ديدار و گفتگوى با آنها بر ادب و فرهنگ انسان مى‏افزايد.

## ٥٢- باب استحباب سلام كردن هنگام بلند شدن از مجلس‏

١- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است كه هر كس از مجلسى‏

بلند شود و در حال جدا شدن از برادرانش به آنها سلام كند اگر آنها در امر خيرى مشغول بحث و گفتگو باشند او در آن امر خير شريك است و اگر در امر باطلى مشغول بحث باشند به او گناهى نمى‏رسد.

٢- در مكارم الاخلاق از رسول خدا (ص) نقل شده است كه هر گاه يكى از شما بخواهد از مجلس خارج شود، سلام كند زيرا سلام اوّل مجلس اولويّتى نسبت به سلام آخر مجلس ندارد.

## ٥٣- باب جواز سلام و دعا كردن بر ذمّى در صورت نياز داشتن به او

 ١- عبد الرّحمان بن حجّاج گويد : به ابو الحسن امام موسى كاظم (ع) عرض كردم : نظر شما در باره مراجعه به پزشكى مسيحى كه به او احتياج دارم چيست، آيا مى‏توانم بر او سلام كنم و برايش دعا نمايم؟ فرمود : آرى ولى دعاى تو به او سود نمى‏رساند.

٢- امام رضا (ع) فرمود : به امام صادق (ع) گفته شد چگونه به يهودى و مسيحى دعا كنم؟ امام فرمود : بگو خدا در امور دنيايت بركت دهد.

٥٤- باب جواز مكاتبه مسلمان با اهل ذمّه‏ ١- عبد اللّه بن سنان گويد : از امام صادق (ع) سؤال شد : مردى به يكى از

كارگزاران مهمّ زردشتى نامه مى‏نويسد، آيا جايز است نام او را قبل از اسم خويش بنويسد؟ امام فرمود : به منظور جلب منفعت اشكالى ندارد.

٢- ابو بصير گويد : از امام صادق (ع) سؤال شد : شخصى به فردى زردشتى يا يهودى يا مسيحى يا به كسى كه كارگزار و از بزرگان ايالتى از سرزمين اوست نيازى دارد وى با توجّه به احتياجى كه دارد ناچار است به او نامه بنويسد، آيا در نامه‏اش نام آن كافر را بنويسد و براى برآوردن حاجتش بر او سلام كند.

امام فرمود : نوشتن نام او در اوّل نامه جايز نيست ولى در نامه‏ات بر او سلام كن، پيامبر خدا (ص) به پادشاه ايران و روم نامه مى‏نوشت.

## ٥٥- باب استحباب سلام كردن بر خضر (ع) هر گاه نام وى برده شود

 ١- حسن بن على بن فضّال گويد : از ابو الحسن علىّ بن موسى الرّضا (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خضر آب حيات نوشيده و تا نفخه صور نمى‏ميرد، او به نزد ما مى‏آيد و بر ما سلام مى‏كند، و صداى او را مى‏شنويم امّا خودش را نمى‏بينيم، هر جا نام او برده شود حاضر است، هر كس از شما نام او را ببرد بر او سلام كند.

## ٥٦- باب استحباب چشم پوشى و گذشت نسبت به دوستان‏

 ١- ثعلبة بن ميمون گويد : عدّه‏اى در خدمت امام صادق (ع) بودند و امام‏

بر ايشان حديث مى‏فرمود، يكى از آنان نام شخصى را ذكر كرد و به او بد گفت و نزد امام شكايت كرد، امام فرمود : كجا مى‏توانى كسى را پيدا كنى كه در دوستى كامل باشد، و كو مردان كاملا وارسته؟

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : در باره [باطن و جزئيات روحى] اشخاص زياد تحقيق نكن كه بى‏دوست باقى خواهى ماند.

٣- ضحّاك بن مخلّد گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه : انصاف نيست كه از دوستان عدالت كامل را انتظار داشته باشيد.

## ٥٧- باب استحباب دعا براى عطسه‏كننده مسلمان‏

 ١- امام صادق (ع) فرموده : فرد مسلمان نسبت به برادر مسلمان خود داراى حقوقى است. ١- وقتى او را ملاقات مى‏كند سلام كند. ٢- در موقع بيمارى از او عيادت كند. ٣- در غياب او دوستى خالص باشد. ٤- هنگام عطسه كردن برايش دعا كند، عطسه‏كننده بگويد «الحمد للّه ربّ العالمين، لا شريك له» . و برادر مسلمانش بگويد : «يرحمك اللّه» و او در پاسخ بگويد «يهديكم اللّه و يصلح بالكم» (خدا شما را هدايت كند و زندگى شما را بهبود بخشد). ٥- دعوتش را بپذيرد. ٦- وقتى بميرد جنازه‏اش را تشييع كند.

٢- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : هر گاه شخصى عطسه كرد به او دعا كنيد و لو از پشت جزيره [از راه دور] باشد.

٣- در روايت ديگرى آمده است : اگر چه از آن طرف دريا باشد.

٤- اسحاق بن يزيد و معمّر بن أبى زياد و ابن رئاب گويند : در نزد امام صادق (ع) نشسته بوديم كه مردى عطسه كرد هيچ كس دعا نكرد، حضرت برايش دعا كرد و فرمود : «سبحان اللّه» چرا دعا نكرديد؟ از حقوق مسلمان بر برادرش اين است كه ١- وقتى مريض شود از او عيادت كند. ٢- دعوت او را بپذيرد. ٣- در تشييع جنازه‏اش حاضر شود. ٤- موقع عطسه كردن به او دعا كند.

٥- داود بن حصين گويد : با چهارده نفر نزد امام صادق (ع) بوديم امام (ع) عطسه كرد هيچ كس سخن نگفت، امام فرمود : چرا دعا نكرديد؟ از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن آن است كه ١- هر گاه مريض شود از او عيادت كند. ٢- وقت مرگ در تشييع جنازه‏اش شركت نمايد. ٣- موقع عطسه كردن به او دعا كند. ٤- دعوت او را بپذيرد.

## ٥٨- باب نحوه دعا كردن براى عطسه و پاسخ دادن‏

 ١- سعد بن ابى خلف گويد : امام باقر (ع) عطسه كرد به آن حضرت گفته شد «يرحمك اللّه» (رحمت خدا بر تو باد). امام در پاسخ فرمود : « يغفر اللّه لكم و يرحمكم » (خدا شما را بيامرزد و رحمت كند). هر گاه شخصى در نزد او عطسه مى‏كرد مى‏فرمود :

«يرحمك اللّه عزّ و جلّ»

٢- امام محمّد باقر (ع) فرمود : هر گاه شخصى عطسه كند بايد بگويد :

«الحمد للّه لا شريك له» (سپاس خدايى را كه شريكى براى او نيست) و كسى كه براى او دعا مى‏كند بايد بگويد :

«يرحمك اللّه» (خدا تو را رحمت كند). و عطسه‏كننده در پاسخ بگويد :

«يغفر اللّه لك و لنا» (خدا تو و ما را بيامرزد). (و آن حضرت فرمود) از رسول خدا در باره آيه‏اى از قرآن يا چيزى كه در آن نام خدا باشد سؤال شد، فرمود : هر چه نام خدا و ياد خداى عزّ و جلّ در آن باشد نيكوست.

٣- در كتاب خصال شيخ صدوق از حضرت على (ع) نقل شده است : هر گاه كسى از شما عطسه كرد پس برايش دعا كنيد و بگوييد :

«يرحمكم اللّه» (خدا شما را بيامرزد). و او بگويد :

«يغفر الله لكم و يرحمكم» (خدا شما را بيامرزد و رحمت كند). زيرا خداوند فرموده است : «چون كسى به شما تحيّت گفت، پس تحيّت دهيد به خوبتر از آن يا ردّ كنيد همان را»

## ٥٩- باب جواز دعاى كودك براى زن وقتى كه عطسه كند

 ١- نسيم خادم امام حسن عسكرى (ع) گويد : يك شب بعد از تولّد صاحب الزّمان (ع) بر آن حضرت وارد شدم و در حضورش عطسه كردم، فرمود :

«يرحمك اللّه» از اين سخن خوشحال شدم. سپس فرمود : تو را در باره اثر عطسه بشارت مى‏دهم كه عطسه سه روز امان از مرگ است.

## ٦٠- باب استحباب عطسه كردن و كراهت عطسه‏هاى زشت‏

١- احمد بن محمّد بن ابى نصر گويد : از امام رضا (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

خميازه و دهن درّه از شيطان [زشت] و عطسه از خداى عزّ و جلّ است. (خير است).

٢- امام صادق (ع) فرمود : عطسه براى تمام بدن مفيد است در صورتى كه از سه مرتبه تجاوز نكند و اگر تجاوز كرد نشانه درد و بيمارى است.

٣- ابو بكر حضر مى‏گويد : در باره قول خداى عزّ و جلّ كه «إِنّ أَنْكَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» از امام صادق (ع) سؤال كردم، فرمود : منظور عطسه زشت است.

٤- مردى از اهل سنّت از امام صادق (ع) نقل مى‏كند كه حضرت فرمود :

عطسه مانند نطفه از تمام بدن خارج مى‏شود گرچه نطفه از آلت مردى خارج مى‏گردد، ديده‏اى كه وقتى انسان عطسه مى‏كند تمام اعضايش تكان مى‏خورد؟ و كسى كه عطسه مى‏كند تا هفت روز از مرگ در امان است.

٦١- باب استحباب تكرار دعاى عطسه‏هاى پى در پى تا سه مرتبه‏

 ١- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه شخصى تا سه مرتبه عطسه كند به او دعا كن و اگر بيشتر شد دعا لازم نيست.

٢- امام جعفر صادق (ع) نقل كرده است كه حضرت على (ع) فرمود : براى عطسه‏كننده تا سه مرتبه «يرحمكم اللّه» بگو و اگر از سه مرتبه تجاوز كند نيازى به دعا نيست.

٣- در حديث ديگرى آن حضرت فرموده است : اگر از سه عطسه تجاوز كند

به او گفته شود «شفاك اللّه» (خدا تو را شفا دهد) زيرا آن عطسه در اثر بيمارى است.

## ٦٢- باب استحباب «الحمد للّه» گفتن در موقع عطسه‏

١- صالح بن ابى حمّاد گويد : از عالم آل محمّد امام موسى كاظم (ع) در باره عطسه و علّت «الحمد للّه» گفتن پرسيدم، فرمود : سلامتى بدن و اعضا و جوارح نعمتى است از جانب خدا براى بنده‏اش، كه ممكن است بنده اين نعمت را فراموش كند لذا خدا بادى را امر مى‏كند كه از بدنش به صورت عطسه از بينى او خارج شود و بنده در موقع عطسه خدا را ستايش كند؛ بنا بر اين گفتن «الحمد للّه» در موقع عطسه شكر و سپاسى است براى نعمتى كه فراموش كرده بود.

٢- امام صادق (ع) فرموده : نوجوانى كه به حدّ بلوغ نرسيده بود در نزد پيامبر (ص) عطسه زد و گفت «الحمد للّه» پيامبر (ص) به او فرمود :

«بارك اللّه فيك» خدا مبارك كند بر تو.

٣- مسمع بن عبد الملك گويد : امام صادق (ع) عطسه كرد، پس فرمود :

«الحمد للّه ربّ العالمين»

سپس انگشت روى بينى گذاشت و گفت : بينى من با تواضع و فروتنى در مقابل خدا بر خاك است.

٤- امام صادق (ع) فرمود : وقتى عطسه كسى را بشنويد اول به او دعا كنيد [يرحمكم اللّه بگوييد سپس با او سخن بگوييد.

٥- امير المؤمنين (ع) فرمود : هر كس موقع عطسه زدن بگويد :

«الحمد للّه ربّ العالمين على كلّ حال»

(در هر حال سپاس و ستايش خداى را كه پروردگار جهانيان است)، به درد گوش و دندان مبتلا نخواهد شد.

٦- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا نقل فرموده است : هر گاه شخص مسلمان عطسه كند و به واسطه دردى كه دارد سكوت كند

[الحمد للّه نگويد] فرشتگان از جانب او مى‏گويند «الحمد للّه ربّ العالمين» ، و اگرخودش گفت «الحمد للّه ربّ العالمين» ملائكه مى‏گويند «يغفر اللّه لك» خدا تو را بيامرزد. و نيز امام از پيامبر (ص) نقل كرده كه : عطسه براى مريض نشانه سلامتى و راحتى بدن است.

## ٦٣- باب استحباب صلوات بر محمّد و خاندانش براى كسى كه عطسه مى‏كند يا مى‏شنود

١- ابن ابى عمير از يكى از دوستانش نقل كرده است : مردى نزد امام باقر (ع) عطسه كرد و گفت «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعالَمِينَ» امام (ع) به او دعا نكرد و فرمود : «از حقّ ما كاست». سپس گفت هر گاه كسى از شما عطسه كند بگويد :

«الحمد للّه ربّ العالمين، و صلّى اللّه على محمد و اهل بيته» . آن مرد اين دعا را گفت و امام براى او دعا كرد.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كه عطسه‏اى بشنود و

«الحمد للّه» بگويد و صلوات بفرستد به درد چشم و درد دندان گرفتار نخواهد شد؛ سپس فرمود : اگر عطسه‏اى بشنوى اين دعا را بگو اگر چه بين تو و او دريايى فاصله باشد.

٣- جابر گويد : امام باقر (ع) فرمود : عطسه نيكوست، به جسم فايده مى‏رساند و خداى عزّ و جلّ را به ياد مى‏آورد، به امام گفتم در نزد ما گروهى هستند كه مى‏گويند : براى پيامبر نصيبى از دعاى عطسه نيست، امام فرمود : اگر دروغ‏

بگويند شفاعت محمّد (ص) به آنها نخواهد رسيد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هر كس عطسه كند و دستش را بر تيغه بينى بگذارد و بگويد

«الحمد للّه ربّ العالمين، حمدا كثيرا كما هو اهله، و صلّى اللّه على محمّد النبىّ و آله و سلّم» سپاس و ستايش فراوان خداى را كه پروردگار جهانيان و شايسته حمد است، و درود خدا بر پيامبر و خاندانش، پرنده كوچكى از بينى او خارج شده تا زير عرش پرواز مى‏كند و تا روز قيامت براى او طلب آمرزش مى‏نمايد.

## ٦٤- درود بر محمّد (ص) و خاندانش هنگام عطسه، و ذبح حيوانات و جماع مكروه نيست بلكه مستحب است‏

١- فضيل بن يسار گويد : به امام باقر (ع) عرض كردم : مردم در سه مورد صلوات بر محمّد و خاندانش را نمى‏پسندند : ١- هنگام عطسه ٢- در موقع سر بريدن حيوانات. ٣- هنگام جماع. امام فرمود : چه شده است آنها را؟ واى بر آنان، منافق شده‏اند، لعنت خدا بر آنان باد.

٢- در كتاب عيون اخبار الرضا نقل شده است : در نامه‏اى كه امام رضا (ع) به مأمون نوشت، فرمود : صلوات بر پيامبر (ص) در هر جا لازم است از جمله هنگام عطسه كردن و سر بريدن حيوانات و غير آن.

## ٦٥- باب جواز دعاى عطسه براى ذمّى و دعا براى هدايت وى‏

١- ابن ابى نجران از بعضى از دوستانش نقل كرده است كه : مردى مسيحى در نزد امام صادق (ع) عطسه كرد، مردم به او گفتند «هداك اللّه» خدا تو را هدايت كند، امام فرمود :

«يرحمك اللّه» خدا تو را بيامرزد، اصحاب گفتند : او مسيحى است، امام پاسخ داد : تا خدا او را نيامرزد هدايت نمى‏كند.

## ٦٦- اگر گفتارى با عطسه مقارن باشد جايز است آن عطسه را دليل بر راستى سخن گوينده دانست‏

 ١- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : عطسه دليل بر راستى گفتار گوينده است.

٢- و نيز آن حضرت از پيامبر (ص) نقل فرموده است : اگر كسى سخن بگويد و در همان حال فردى عطسه بزند گواه بر درستى گفتار اوست.

٦٧- باب استحباب احترام و بزرگداشت شخص مسنّ مؤمن‏

١- عبد اللّه بن سنان گويد : امام جعفر صادق (ع) به من فرمود : تجليل از پير مرد تجليل از خداى عزّ و جلّ است.

٢- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى تجليل از خداى عزّ و جلّ تجليل و بزرگداشت مسلمانى است كه [در اثر پيرى] داراى موى سفيد باشد.

٣- امام جعفر صادق (ع) فرمود : كسى كه به بزرگ ما احترام و به كوچك ما رحم نكند از ما نيست.

٤- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى تجليل از خداى عزّ و جلّ تجليل از مؤمنى است كه [در اثر پيرى] موى او سفيد شده، و هر كس مؤمنى را گرامى بدارد خدا را احترام كرده است و، كسى كه به مؤمن پير اهانت كند خدا قبل از مرگش كسى را مى‏فرستد كه به او توهين نمايد.

٥- امام جعفر صادق (ع) فرمود : سه كس حقّشان ناشناخته نمى‏ماند مگر از جانب منافقى كه به نفاق شناخته شده باشد [در حدّ اعلاى نفاق باشد -١ .] كسى كه مويش را در اسلام سفيد كرده باشد. ٢- حافظ قرآن. ٣- پيشواى عادل.

٦- امام صادق (ع) فرمود : بزرگان خويش را احترام كنيد و صله رحم نماييد.

٧- با اسنادى مانند اين حديث از آن حضرت نقل شده و در آن اضافه شده است : بهترين صله رحم خوددارى از آزار و اذيّت نزديكان است.

٨- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرمود : تجليل از مسلمان پير تجليل از خداست.

٩- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : هر كس شخص مسنّى را بخاطر پيرى او احترام كند خدا او را از ترس و وحشت روز قيامت در امان خواهد داشت.

١٠- و نيز آن حضرت فرموده است : هر كس پيرى را كه مويش را در اسلام سفيد كرده است احترام كند خدا او را از وحشت روز قيامت در امان دارد.

١١- پيامبر (ص) فرموده : كسى كه نسبت به فضيلت شخص مسن شناخت داشته باشد و او را احترام كند خدا او را از وحشت روز قيامت در امان مى‏دارد.

و نيز فرمود : تجليل از پيرمرد مؤمن احترام به خداست.

١٢- امام صادق (ع) فرمود : كسى كه براى اشخاص فضيلتى قائل نباشد از بابت انديشه خويش مغرور است.

١٣- رسول خدا (ص) فرمود : پيران را تجليل كنيد زيرا احترام به بزرگسالان تجليل از خداست.

## ٦٨- باب استحباب احترام كريم و شريف‏ ١- حجّال گويد

: از جميل بن درّاج سؤال كردم درست است كه رسول خدا (ص) فرموده است : هر گاه شرافتمند قومى به نزد شما بيايد او را احترام كنيد؟

گفت : بلى، پرسيدم شريف كيست؟ گفت از امام صادق (ع) در اين باره پرسيدم، امام فرمود : شريف كسى است كه داراى مال باشد، از امام پرسيدم حسب چيست؟ فرمود : آن كه به وسيله مال و غير آن كارهاى پسنديده انجام دهد، سؤال كردم كرم چيست؟ فرمود : پرهيزگارى.

٢- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده : وقتى سخاوتمندى به نزد شما بيايد او را احترام كنيد.

٣- امام جعفر صادق (ع) از پيامبر نقل فرمود : هر گاه سخاوتمند قومى به نزد شما بيايد او را گرامى بداريد.

٤- عبد اللّه علوى از جدش نقل كرده است كه امير المؤمنين (ع) فرمود :

وقتى كه عدىّ پسر حاتم به خدمت پيامبر (ص) رسيد پيامبر او را به خانه خويش برد و تنها حصير و بالشى از پوست كه در خانه داشت برايش پهن كرد و او را روى آن نشاند.

٦٩- باب كراهت نپذيرفتن تكريم و احترام مانند نپذيرفتن متكا و بوى خوش‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : دو نفر بر حضرت علىّ (ع) وارد شدند، حضرت براى هر كدام تشكى گذاشت، يكى روى آن نشست و ديگرى امتناع كرد، حضرت به او فرمود : روى آن بنشين زيرا هيچ كس از پذيرفتن احترام خوددارى نمى‏كند مگر الاغ.

٢- ابو الحسن امام موسى كاظم (ع) فرمود : امير مؤمنان عليه السّلام مى‏فرمود :

از پذيرفتن احترام خوددارى نمى‏كند مگر الاغ، پرسيدم مقصود از احترام چيست؟

فرمود : جا دادن به شخص در مجلس، و بوى خوش كه به او تعارف مى‏شود.

٣- علىّ بن جهم گويد : از ابو الحسن امام كاظم (ع) شنيده‏ام كه مى‏فرمود :

از پذيرفتن احترام خوددارى نمى‏كند مگر الاغ، سؤال كردم منظور از احترام چيست؟

فرمود : چيزى مانند بوى خوش و هر چه انسان بدان احترام مى‏شود. ٤- ابو زيد مكّى گويد : از امام موسى كاظم (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : از پذيرفتن احترام خوددارى نمى‏كند مگر الاغ، و منظور امام از آن بوى خوش و متّكا بود.

٥- بزنطى از ابو الحسن علىّ بن موسى الرضا (ع) نقل كرده است كه حضرت علىّ (ع) فرمود : از پذيرفتن احترام خوددارى نمى‏كند مگر الاغ، از امام رضا (ع) پرسيدم : منظور چيست؟ فرمود : آن كرامت [احترام] شامل بوى خوش و جا دادن در مجلس مى‏شود كه هر كس اين دو را نپذيرد چنان است كه گفته شد.

٦- سماعة بن مهران گويد : از امام صادق (ع) پرسيدم اگر كسى عطرى را كه به او تعارف مى‏شود ردّ كند چگونه است؟ فرمود : شايسته نيست كرامت و احترام را ردّ نمايد.

٧- در كتاب قرب الاسناد از حضرت على (ع) نقل شده است كه رسول خدا (ص) فرمود : هر گاه كرامتى بر شما عرضه شد آن را رد نكنيد زيرا الاغ است كه احترام را رد مى‏كند.

٧٠- باب استحباب استقبال و بدرقه از مهمان و اطاعت مهمان از صاحب خانه‏ ١- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : از جمله حقوق مهمان بر

صاحب خانه آن است كه : صاحب خانه با آرامش و وقار در موقع ورود و خروج مهمان چند قدمى با وى برود.

و نيز آن حضرت از رسول خدا (ص) نقل فرموده است هنگامى كه كسى به خانه برادر مسلمانش وارد مى‏شود تا زمانى كه از آنجا خارج شود صاحب خانه بر او فرمانرواست.

٧١- كسى كه دوستش را براى مطلبى امين دانسته است جايز نيست آن مطلب را بدون اجازه‏اش بازگو كند مگر به عنوان ذكر خير يا شهادت براى كار حرامى كه انجام شده است‏ ١- امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : مجلسها امانت است [يعنى سخنى كه در مجلسى گفته مى‏شود حكم امانت دارد و نبايد براى ديگران گفته شود .]

٢- ابن ابى عوف گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : مجلسها امانت است.

٣- امام جعفر صادق (ع) فرمود : مجلسها امانت است، و جايز نيست سخن كسى را كه مى‏خواهد پوشيده بماند براى ديگران نقل كنند مگر با اجازه او، يا براى فرد مورد اطمينان، يا براى ذكر خير او.

٤- جابر بن عبد اللّه انصارى گويد : پيامبر خدا (ص) فرمود : مجلسها امانت است مگر در سه مورد : ١- مجلسى كه در آن خونى به ناحقّ ريخته شده باشد.

٢- جايى كه در آن مرتكب زنا شده‏اند. ٣- مجلسى كه در آن به ناحق مال حرامى را حلال كنند.

٧٢- هر گاه سه نفر با هم باشند كراهت دارد دو نفر از آنها در گوشى صحبت كنند ١- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه سه نفر با هم باشند نبايد دو نفر از آنان با يك ديگر در گوشى صحبت كنند زيرا اين كار نفر سوّم را اندوهگين و آزرده خاطر مى‏كند.

٢- امام كاظم (ع) فرمود : هر گاه سه نفر در خانه‏اى باشند نبايد دو نفر از آنان با هم در گوشى صحبت كنند زيرا اين كار دوستشان را غمگين مى‏سازد.

٧٣- باب كراهت قطع كردن سخن مسلمان‏ ١- امام جعفر صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : كسى كه سخن برادر مسلمانش را قطع كند مانند آن است كه صورت او را بخراشد.

٧٤- باب استحباب يا كراهت كيفيّت نشستن‏ ١- عبد العظيم بن عبد اللّه علوى (در حديث مرفوعه) گويد : پيامبر سه جور مى‏نشست : ١- سر پا به اين ترتيب كه ساقهاى پا را بلند مى‏كرد و دو زانو را در ميان دو دست خويش حلقه‏وار مى‏گرفت [و رانها را به شكم مى‏چسباند -٢ .] دو زانو مى‏نشست. ٣- يك پا را خم مى‏كرد و پاى ديگر را روى آن مى‏انداخت، و هرگز ديده نشد كه آن حضرت چهار زانو بنشيند.

٢- ابو حمزه ثمالى گويد : علىّ بن الحسين (ع) را در حالى نشسته ديدم كه يك پايش را روى ران ديگر گذاشته بود؛ عرض كردم مردم [قوم يهود به استناد حديث بعد] اين گونه نشستن را نمى‏پسندند و مى‏گويند مانند نشستن پروردگار است، امام فرمود : اين نحوه نشستن من در اثر خستگى است، در صورتى كه پروردگار خسته نمى‏شود و چرتش نمى‏گيرد و در خواب نمى‏رود.

٣- حمّاد بن عثمان گويد : امام صادق (ع) نشسته بود در حالى كه پاى راست آن حضرت روى ران چپ بود، شخصى عرض كرد : فدايت شوم اين گونه نشستن مكروه است، امام فرمود : نه، اين سخن يهود است كه مى‏گويند وقتى خدا از خلقت آسمانها و زمين فارغ شد بر عرش جاى گرفت و اين گونه نشست تا استراحت كند، پس خدا اين آيه را نازل كرد : «خدا نيست خدايى جز او كه زنده و قائم به ذات خويش است، او را چرت و خواب نمى‏گيرد» . و امام صادق (ع) همان طور كه نشسته بود باقى ماند.

٤- در كتاب مكارم الاخلاق آمده است كه رسول خدا هر گاه مى‏نشست ساقهاى پا را از زمين بلند مى‏كرد و زانوها را در ميان دو دست خود حلقه‏وار مى‏گرفت.

٧٥- مستحبّ است در مجلس انسان به عنوان تواضع جايى پايين‏تر از شأن خود بنشيند ١- امام صادق (ع) فرمود : كسى كه راضى شود در پايين مجلس بنشيند تا وقتى كه از جايش بلند شود ملائكه بر او درود مى‏فرستند.

٢- امام جعفر صادق (ع) نقل فرموده است كه پيامبر (ص) هر گاه وارد منزلى مى‏شد در پايين مجلس مى‏نشست.

٣- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى تواضع اين است كه انسان در جايى پايين‏تر از شأن خود بنشيند.

٤- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى تواضع آن است كه ١- به نشستن در پايين مجلس خوشنود باشى. ٢- به كسى كه او را ملاقات مى‏كنى سلام نمايى.

٣- مجادله و بگو و مگو را رها كنى اگر چه حق با تو باشد. ٤- دوست نداشته باشى به خاطر تقوايى كه داراى ستايش شوى.

٥- ابن عبّاس گويد : رسول خدا (ص) روى زمين مى‏نشست، روى زمين غذا مى‏خورد، و با دست خويش گوسفندان را مى‏بست، و دعوت بردگان را حتّى براى نان جو مى‏پذيرفت.

٦- مصعب بن شيبه گويد : پيامبر خدا (ص) فرمود : وقتى گروهى در مجلسى نشسته‏اند و كسى وارد مى‏شود اگر به وى جا دهند بايد بپذيرد زيرا بدين‏

وسيله به او احترام گذاشته‏اند، و اگر به او جا ندهند در هر جا خالى هست بنشيند.

## ٧٦- باب استحباب رو به قبله نشستن‏

١- حمّاد بن عثمان گويد : امام صادق (ع) را مى‏ديدم كه در خانه‏اش رو به قبله مى‏نشيند.

٢- امام صادق (ع) فرمود : پيامبر خدا (ص) اكثرا رو به قبله مى‏نشست.

٣- شيخ بهايى در كتاب «مفتاح الفلاح» روايت كرده كه از ائمّه عليهم السّلام روايت شده است : بهترين نوع نشستن آن است كه رو به قبله باشد.

٧٧- باب كراهت نشستن روبروى خورشيد ١- سهل بن زياد در حديثى كه سند آن به حضرت على (ع) مى‏رسد از آن حضرت نقل كرده است روبروى خورشيد ننشينيد زيرا آن آتشدانى است كه باعث رنگ پريدگى و كهنه شدن لباس، و آشكار شدن دردهاى پنهانى مى‏گردد.

٢- امام موسى كاظم از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : در خورشيد چهار خصلت است :

١- رنگ را تغيير مى‏دهد. ٢- باد را گنديده مى‏كند. ٣- لباس را كهنه‏

مى‏سازد. ٤- ايجاد درد مى‏كند.

٣- حضرت على (ع) «در حديث اربعمائة» فرموده است : پشت به آفتاب بنشينيد زيرا خورشيد دردهاى پنهانى را آشكار مى‏سازد.

٧٨- باب استحباب نشستن در خانه غير در هر جايى كه صاحب خانه بخواهد

 ١- امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل فرموده است : هر گاه كسى وارد خانه برادر مؤمنش شود هرجا صاحب خانه امر كند بنشيند زيرا صاحب خانه آشناتر است به خانه و محرم بودن آن.

٧٩- باب استحباب نشستن روى دو پا و در بغل گرفتن زانوها ١- ابو الحسن امام كاظم (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : روى پا نشستن و زانوها را در بغل گرفتن به منزله ديوار عربهاست.

٢- سماعة گويد : از امام صادق (ع) در باره مردى كه خودش را با يك جامه بپوشاند سؤال كردم، امام فرمود : اگر لباس عورتش را بپوشاند اشكال ندارد.

٨٠- باب استحباب شوخى و خنده كم‏ ١- معمّر بن خلّاد گويد : به ابو الحسن امام كاظم (ع) عرض كردم فدايت شوم عدّه‏اى با هم هستند و شوخى مى‏كنند و مى‏خندند، امام فرمود : اشكال ندارد اگر در آن نباشد؛ فهميدم منظور امام اين است كه در آن شوخى، فحش و هرزه گويى نباشد. سپس فرمود : عرب صحرانشينى هديه‏اى براى پيامبر (ص) آورد، و به پيامبر (ص) عرض كرد : پول هديه مرا بدهيد، رسول خدا (ص) خنديد، و هنگامى كه غمگين مى‏شد مى‏فرمود : آن عرب چه شد؟ اى كاش به نزد ما مى‏آمد.

٢- ابو الحسن اول امام موسى كاظم (ع) فرمود : يحيى بن زكريّا گريه مى‏كرد و نمى‏خنديد، امّا عيسى بن مريم مى‏خنديد و گريه هم مى‏كرد و عمل حضرت عيسى (ع) بهتر از عمل حضرت يحيى (ع) بود.

٣- فضل بن ابى قرّة گويد : امام صادق (ع) فرمود : هر مؤمنى داراى دعابه است، پرسيدم دعابه چيست؟ فرمود : شوخى.

٤- يونس بن شيبانى گويد : امام صادق (ع) سؤال كرد : چگونه است وضع شوخى كردن شما مؤمنين با يك ديگر؟ عرض كردم كم است فرمود : شوخى را ترك نكنيد زيرا شوخى نشانه خوش خلقى است، و بدين وسيله برادرت را خوشحال مى‏كنى، رسول خدا (ص) با مردم شوخى مى‏كرد و مى‏خواست آنها را خوشحال كند.

٥- عبد اللّه بن محمّد جعفى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

كسى را كه در بين مردم شوخى مى‏كند خدا دوست دارد در صورتى كه به فحش نينجامد. ٦- حمران بن اعين گويد : به خدمت امام محمّد باقر (ع) رسيدم و عرض كردم مرا نصيحت كنيد، فرمود : تو را به تقواى الهى سفارش مى‏كنم، از شوخى بپرهيز زيرا احترام و آبروى شخص را مى‏برد.

٧- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش (ع) نقل فرموده است كه پيامبر (ص) (در وصيّتش به علىّ (ع» فرمود : يا على شوخى نكن زيرا آبرويت را مى‏برد و دروغ مگو كه نورانيّت را از تو مى‏گيرد. (مرحوم علّامه مى‏فرمايند منظور در اين احاديث شوخى زياد است).

٨١- باب كراهت قهقهه زدن و استحباب تبسّم‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : قهقهه زدن از شيطان است.

٢- امام محمد باقر (ع) فرمود : اگر قهقهه زدى پس از آن بگو «خدايا مرا دشمن مدار».

٣- امام صادق (ع) فرمود : خنده مؤمن تبسّم است.

٨٢- باب كراهت خنده بدون علّت‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : خنده بدون سبب نشانه نادانى است. و مى‏فرمود :

در موقع خنده نبايد دندانهاى جلو دهان ديده شود، كه در اين صورت عمل ناپسندى انجام داده‏اى، كسى كه بدى مرتكب مى‏شود از شبيخون در امان نمى‏ماند.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : چه بسيارند كسانى كه خنده بيهوده مى‏كنند و گريه آنها در روز قيامت زياد است، و چه بسيارند كسانى كه از خوف خدا زياد گريه مى‏كنند و در روز قيامت در بهشت خنده و شادى آنان زياد است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : سه چيز مورد غضب شديد خداست : ١- خوابيدن بدون شب‏زنده‏دارى. ٢- خنده بدون علّت. ٣- غذا خوردن از روى سيرى.

٤- امام صادق (ع) فرمود : در مدينه مردى بيكاره مردم را مى‏خندانيد و مى‏گفت علىّ بن الحسين (ع) مرا خسته كرد چرا كه نتوانستم او را بخندانم در همين حديث آمده است كه امام زين العابدين (ع) فرمود : به او بگوييد : «مسلّم براى خدا روزى است كه بيكاره‏ها در آن روز [قيامت] زيان مى‏كنند.

٨٣- باب كراهت شوخى و خنده زياد ١- امام صادق (ع) فرمود : از شوخى بپرهيزيد زيرا آبرو را مى‏برد.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خنده زياد قلب را مى‏ميراند.

و نيز فرمود : خنده زياد دين را ذوب مى‏كند همچنان كه آب نمك را در خود حلّ مى‏نمايد.

٣- امام صادق (ع) فرمود با كسى كه او را دوست دارى شوخى و مجادله مكن.

٤- عنبسه عابد گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خنده زياد آبرو را مى‏برد.

٥- عنبسه نيز مى‏گويد : از آن حضرت شنيدم كه فرمود : شوخى دشنام كوچك است.

٦- امام صادق (ع) فرمود : مجادله نكن، زيرا آبروى تو مى‏رود، و شوخى نكن كه نسبت به تو گستاخ مى‏شوند.

٧- امام باقر (ع) فرمود : شوخى زياد آبرو را مى‏برد، و خنده زياد ايمان را به يك سو پرتاب مى‏كند [از بين مى‏برد]

٨- ابو الحسن امام موسى كاظم (ع) در وصيّت به بعضى از فرزندانش فرموده است : از شوخى بپرهيز زيرا نور ايمان را از تو مى‏برد و مروّت و مردانگى تو را سبك مى‏سازد.

٩- امام صادق (ع) از امير المؤمنين (ع) نقل فرموده است : از شوخى بپرهيز زيرا شوخى باعث كينه و دشمنى شده و فحش كوچك است.

١٠- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از شوخى بپرهيز زيرا آبرو و شكوه و عظمت اشخاص را از بين مى‏برد.

١١- امام صادق (ع) فرمود : شوخى نكن چون نسبت به تو گستاخ مى‏شوند.

١٢- امام صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است : كه پيامبر خدا (ص) فرموده : شوخى زياد آبرو را مى‏برد، و خنده زياد ايمان را نابود مى‏كند، و دروغ زياد نور ايمان را مى‏برد.

١٣- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه حضرت على (ع) فرموده است : خنده پيامبر (ص) تبسّم بود، روزى بر گروهى از انصار گذشت و ديد با

يك ديگر صحبت مى‏كنند و دهانشان پر از خنده است فرمود : اى گروه دست بازداريد. اگر كسى را آرزويش مغرور كند و او را از عمل خير بازدارد به گورستان سرى بزند، و رستاخيز را به ياد آورد، مرگ را به ياد آورد زيرا مرگ درهم شكننده لذّتهاست.

١٤- عبد اللّه بن جعفى گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خدا كسى را كه در حضور جمعى شوخى مى‏كند دوست دارد مشروط بر اين كه شوخى به فحش كشانده نشود، و كسى را كه در تنهايى بينديشد، و در خلوت پند و اندرز گيرد، و به نماز خواندن افتخار ورزد دوست دارد.

١٥- امام صادق (ع) از پدرش نقل فرموده است كه داود به سليمان (ع) گفت : پسرم از خنده زياد بپرهيز، زيرا خنده زياد انسان را در روز قيامت تهيدست رها مى‏كند.

١٦- سيد رضى در نهج البلاغه از امير المؤمنين (ع) نقل كرده است كه آن حضرت فرمود : شخص شوخى نمى‏كند مگر اين كه چيزى از عقلش پريده باشد.

٨٤- باب استحباب تبسّم بر چهره مؤمن‏ ١- در كتاب «الاخوان» از حضرت رضا (ع) نقل شده است : هر كس بر صورت خود گلاب بپاشد و براى حاجتى از خانه خارج شود دچار تنگدستى و خوارى نگردد، و هر كس از بقيّه آبى كه برادر مؤمنش آشاميده به منظور تواضع بنوشد خدا حتما او را وارد بهشت مى‏كند، و كسى كه بر چهره برادر مؤمنش تبسّم زند خدا برايش حسنه مى‏نويسد، و كسى كه خدا برايش حسنه بنويسد او را عذاب نخواهد كرد.

٢- امام باقر (ع) فرمود : تبسّم مؤمن بر چهره برادرش حسنه است، و پاك كردن گرد و غبار از چهره مؤمن نيز حسنه مى‏باشد، و هيچ عبادتى مانند خوشحال كردن مؤمن نيست.

٣- امام صادق (ع) فرمود : هر كه از چهره برادر مؤمنش گرد و غبار غم بزدايد خدا براى او ده حسنه مى‏نويسد، و كسى كه بر چهره برادرش تبسّم زند براى او حسنه‏اى است.

٨٥- باب استحباب صبر كردن بر اذيّت همسايه و ديگران‏

 ١- عمرو بن عكرمة گويد : به خدمت امام صادق (ع) رسيدم و عرض كردم همسايه‏اى دارم كه مرا اذيّت مى‏كند، امام فرمود : با او مهربان باش گفتم : خدا به او رحم نكند، آن حضرت صورتش را از من برگرداند، من نخواستم با آن وضع از امام جدا شوم، لذا توضيح دادم كه وى به صورتهاى مختلف مرا اذيّت مى‏كند، فرمود : گمان مى‏كنى اگر آشكارا با او دشمنى كنى مى‏توانى از او انتقام بگيرى؟

گفتم او را به اطاعت خود وامى‏دارم، فرمود اين همسايه تو از اشخاصى است كه نسبت به كسانى كه خدا به آنها چيزى بخشيده حسد مى‏ورزد، پس هر گاه نعمتى براى كسى ديد اگر اهل و عيالى داشته باشد آنها را اذيّت مى‏كند و اگر اهل و عيالى ندارد به خدمتگزارش اعتراض مى‏نمايد و اگر خدمتگزار نداشته باشد شبها را به بيدارى و روزها را به جوش و خروش به سر مى‏برد.

٢- عبد صالح (امام موسى كاظم (ع» فرمود : تنها خوشرفتارى با همسايه خوددارى از اذيّت او نيست، بلكه تحمّل اذيت و آزار اوست.

٣- امام صادق (ع) فرمود : مؤمن از يكى از سه چيز خلاصى ندارد و گاهى هر سه در او جمع مى‏شود، يا بعضى از افراد خانه در را به رويش مى‏بندند و بدين وسيله او را اذيّت مى‏كنند، يا همسايه او را اذيّت مى‏كند، يا كسى در راه برآوردن نيازمنديهايش به او آزار مى‏رساند، و اگر مؤمن بر قلّه كوهى باشد خداى عزّ و جلّ شيطانى را مى‏فرستد تا او را اذيّت كند و در عين حال او را با ايمانش مأنوس مى‏كند كه از هيچ كس وحشت نداشته باشد.

٤- امام جعفر صادق (ع) فرمود : در عالم نبوده و نمى‏باشد و نخواهد بود مؤمنى مگر اين كه داراى همسايه‏اى باشد كه او را اذيّت كند و اگر مؤمن در جزيره‏اى از جزيره‏هاى دريا باشد خدا كسى را مى‏فرستد كه او را اذيّت نمايد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : در گذشته و در آينده و زمانى كه شما در آن به سر مى‏بريد مؤمنى نبوده و نمى‏باشد مگر اين كه داراى همسايه‏اى است كه او را اذيّت مى‏كند.

٦- معاويّة بن عمّار گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : مؤمنى نبوده و تا روز قيامت نخواهد بود مگر اين كه داراى همسايه‏اى باشد كه به او آزار رساند.

٧- امام محمّد باقر (ع) فرمود : مردى به نزد پيامبر (ص) آمد و شكايت كرد كه همسايه‏اش او را اذيّت مى‏كند، رسول خدا (ص) به او فرمود : صبر كن، مجدّدا آمد و از همسايه‏اش شكايت كرد، باز هم پيغمبر فرمود : صبر كن ...

٨- امام صادق (ع) فرمود : خوشرفتارى با همسايه روزى را زياد مى‏كند.

٩- امام جعفر صادق (ع) فرمود : اگر مؤمن در قلّه كوهى ساكن باشد خدا كسى را براى آزار او مى‏فرستد تا از اين طريق پاداشى از جانب خدا به او برسد.

١٠- علىّ بن الحسين (ع) از پدر بزرگوارش امام حسين (ع) نقل كرده است كه پيامبر خدا (ص) فرمود : من و پيامبران قبل از من پيوسته گرفتار كسانى بوديم كه ما را اذيّت مى‏كردند، و اگر مؤمن بر سر كوهى باشد خداى عزّ و جلّ كسى را مى‏رساند كه او را آزار رساند و بدين طريق اجرى به او برسد. و امير المؤمنين (ع) فرمود : از زمانى كه مادر مرا زاد پيوسته مظلوم بودم تا آنجا كه عقيل [برادرم] مبتلا به درد چشم شد و مى‏گفت مرا به دوش نكشيد مگر اين كه على را بر دوش حمل كنيد در صورتى كه چشم من درد نمى‏كرد.

١١- حضرت رضا (ع) از پدرانش نقل فرموده است كه رسول خدا (ص) فرمود : هيچ مؤمنى نبوده و تا روز قيامت نخواهد بود مگر اين كه داراى همسايه‏اى باشد كه او را اذيّت نمايد.

١٢- امام على النّقى (ع) از پدرانش نقل كرده است كه امام صادق (ع) فرمود : هيچ مؤمنى نبوده و تا روز قيامت نخواهد بود مگر اين كه همسايه‏اى خواهد داشت تا او را اذيّت كند. (و نيز) از امام صادق (ع) نقل فرموده است كه هر كس دنيايش گوارا و بدون گرفتارى باشد در دين او شك كنيد. (و نيز امام على النّقى (ع» گويد : امام صادق (ع) فرمود : هر گاه دوستى از تو به امارت و رياستى برسد و يكدهم قبل از رياستش به تو توجّه كند دوست بدى نيست. و امام باقر (ع) فرمود : بپرهيزيد از فراست و زيركى مؤمن، زيرا با نور الهى [حقايق را] مى‏نگرد.

سپس اين آيه را تلاوت فرمود «به تحقيق در اين نشانه‏هاست براى صاحبان فراست»

١٣- امام صادق (ع) از امير المؤمنين (ع) نقل فرموده است : سه چيز از كارهاى نيك است : سخاوتمندى، نيكويى در گفتار، و صبر بر اذيّت و آزار.

## ٨٦- باب وجوب خوددارى از آزار همسايه‏

١- امام صادق (ع) (در حديثى) فرموده است : مردى از انصار به نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض كرد : از شخصى خانه‏اى خريده‏ام و نزديكترين همسايه‏ام كسى است كه اميدى به خير او ندارم و از شرّش در امان نيستم، رسول خدا (ص) به على و سلمان و ابا ذر و يك نفر ديگر كه گمان مى‏كنم مقداد بود دستور داد در مسجد با صداى بلند اعلان كنند : ايمان ندارد كسى كه همسايه‏اش از ظلم او در امان نباشد، آنها به مسجد رفته سه مرتبه با صداى بلند گفتند، سپس پيامبر (ص) با دستش به چهل منزل از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ اشاره كرد.

٢- امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل فرموده است كه در كتاب علىّ (ع) خواندم كه رسول خدا (ص) بين مهاجرين و انصار و كسانى از مردم يثرب [مدينه] كه ملحق به انصار هستند نوشت : همسايه به منزله خود انسان است كه نبايد زيان و گناهى به او برسد، و احترام همسايه نسبت به همسايه مانند احترام نسبت به مادر است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : حضرت فاطمه (س) به نزد پيامبر (ص) آمد تا در باره بعضى امور شكايت كند، پيامبر لوحى به وى داد و فرمود : آنچه را كه در آن نوشته شده است ياد بگير. در آن لوح نوشته شده بود : هر كس به خدا و روز قيامت ايمان دارد همسايه‏اش را اذيّت نكند، هر كه به خدا و روز قيامت ايمان دارد مهمانش را احترام كند، و هر كس به خدا و روز قيامت ايمان دارد يا بايد سخن خير بگويد يا سكوت كند.

٤- ابو حمزه گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : مؤمن كسى است كه همسايه‏اش از بوائق او در امان باشد، پرسيدم «بوائق» چيست فرمود : ظلم و ستم او.

٥- امام صادق (ع) از پدرانش، از حضرت علىّ (ع) نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : هر كس همسايه‏اش را اذيّت كند خدا بوى بهشت را بر او حرام كرده و جايگاهش دوزخ است، و بد جايگاهى است، و هر كس حقّ همسايه‏اش را ضايع كند از ما نيست، جبرئيل پيوسته مرا نسبت به همسايه سفارش مى‏كرد به طورى كه گمان كردم همسايه ارث مى‏برد، و پيوسته مرا نسبت به بردگان سفارش مى‏كرد تا اين كه گمان كردم زمانى براى آن در نظر گرفته شده كه چون آن زمان فرا رسد آزاد شوند، و نيز مرا به مسواك كردن سفارش مى‏كرد تا آنجا كه گمان كردم واجب است، و به اندازه‏اى مرا به شب‏زنده‏دارى سفارش مى‏كرد كه گمان بردم نيكان امّت من هرگز نمى‏خوابند. ٦- امام رضا (ع) فرمود : از صفات مؤمن اين است كه وقتى نيكى كند خوشحال مى‏شود، و زمانى كه دست به كار بدى بزند استغفار مى‏كند، و مسلمان [حقيقى] كسى است كه ساير مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، و آن‏

كه همسايه‏اش از ظلم او در امان نباشد از ما نيست.

٧- امام جعفر صادق (ع) فرمود : هر كه از اذيّت و آزار همسايه‏اش خوددارى كند خدا در روز قيامت از لغزش وى صرف نظر مى‏كند، و كسى كه شكم و فرجش را پاك نگه دارد بهشت را براى او زينت مى‏كنند، و هر كس بنده مؤمنى را آزاد كند خدا در بهشت برايش خانه‏اى بنا مى‏كند.

٨٧- باب استحباب خوشرفتارى با همسايه‏ ١- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : خوشرفتارى با همسايه خانه‏ها را آباد و مرگ را به تأخير مى‏اندازد.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خوشرفتارى با همسايه روزى را زياد مى‏كند.

٣- ابو مسعود گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : خوشرفتارى با همسايه باعث زيادى عمر و آبادى سرزمين گردد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : خوشرفتارى با همسايه خانه‏ها را آباد و عمرها را زياد مى‏كند.

٥- ابو ربيع شامى گويد : امام صادق (ع) در حالى كه خانه‏اش پر از جمعيّت بود فرمود : آگاه باشيد از ما نيست كسى كه با همسايه‏اش خوشرفتارى نكند.

٨٨- باب استحباب طعام دادن به همسايگان و وجوب آن در صورت ضرورت‏ ١- امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : كسى كه شب را سير بخوابد و همسايه‏اش گرسنه باشد به من ايمان نياورده است.

و نيز فرمود : اگر در منطقه‏اى يك نفر شبى را گرسنه بخوابد خدا در روز قيامت به اهل آن منطقه نظر نمى‏كند.

٢- كاهلى [يكى از اصحاب امام صادق (ع)] گويد : از آن حضرت شنيدم كه مى‏فرمود : زمانى كه بنيامين از نزد يعقوب رفت، يعقوب ندا كرد خدايا به من رحم نمى‏كنى؟ بينايى مرا گرفتى، و دو فرزندم [يوسف و بنيامين] را بردى، خدا به يعقوب وحى كرد : اگر روح آن دو را گرفته بودم برايت زنده‏شان مى‏كرد تا به سوى تو بازگردند، امّا به ياد آور گوسفندى را كه كشتى و بريان نمودى و خوردى و همسايه تو روزه‏دار بود و از آن گوسفند هيچ به او ندادى.

٣- در روايت ديگرى فرموده است : پس از آن هر روز صبح كسى از طرف حضرت يعقوب تا فاصله يك فرسخ از خانه آن حضرت ندا مى‏داد هر كس صبحانه يا نهار مى‏خواهد به خانه يعقوب بيايد، و چون شب مى‏شد اعلان مى‏كرد هر كه شام مى‏خواهد به نزد يعقوب بيايد.

٨٩- باب كراهت همسايگى با اشخاص بد ١- امام محمّد باقر (ع) فرمود : از بلاهايى كه پشت انسان را مى‏شكند

همسايه بد است كه اگر خوبى ببيند آن را پنهان مى‏كند و اگر كار بدى مشاهده نمايد آن را پخش مى‏كند.

٢- امام جعفر صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : به خدا پناه مى‏برم از همسايه بدى كه در خانه‏اى زندگى مى‏كند با چشمانش تو را زير نظر دارد و با دلش به تو توجّه دارد، اگر تو را در خوشى ببيند ناراحت شود و اگر در بدى مشاهده كند خوشحال گردد.

٣- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل فرموده است كه : پيامبر (ص) در وصيّتش به على (ع) فرمود : يا على چهار چيز كمر شكن است : ١- پيشوايى كه مردم امرش را اطاعت كنند امّا خود نافرمانى خدا كند. ٢- زنى كه شوهر در عفّت و پاكدامنى او بكوشد ولى به شوهرش خيانت كند. ٣- فقرى كه صاحب آن دستگير و ياورى نيابد. ٤- همسايه بدى كه در خانه‏اى ساكن باشد.

٩٠- باب استحباب رعايت حدّ همسايگى كه از هر طرف چهل خانه است‏ ١- امام باقر (ع) فرمود : حدّ همسايگى چهل خانه است از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ.

٢- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : هر چهل خانه از روبرو، و پشت سر و سمت راست و سمت چپ همسايه است.

٣- معاوية بن عمّار گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : فدايت شوم‏

حدود همسايگى چقدر است؟ فرمود : از هر طرف چهل خانه.

٤- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه امير المؤمنين (ع) فرمود :

حريم مسجد چهل ذراع [تقريبا ٢٠ متر] و حريم همسايگى چهل خانه از چهار جانب است.

٩١- استحباب مدارا كردن با همسفر ١- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : از جمله حقوق مسافر بر همراهانش اين است كه اگر مريض شود سه روز براى او توقّف كنند.

٢- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : دو نفر كه با يك ديگر معاشرت مى‏كنند آن كه نسبت به دوستش بيشتر مدارا مى‏كند اجرش بيشتر و در نزد خدا گرامى‏تر است.

٣- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : هر گاه در سفر يكى از همراهان شما مريض شود سه روز بخاطر او توقّف كنيد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : رساندن سخن به گوش شخص ناشنوا در حدّى كه باعث ملال و خستگى نگردد صدقه پسنديده‏اى است.

٩٢- باب استحباب بدرقه همسفر هنگام جدا شدن هر چند ذمّى باشد

١- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه امير المؤمنين (ع) با مردى ذمّى همسفر شد، ذمّى به آن حضرت گفت : قصد كجا دارى؟ حضرت فرمود :

مى‏خواهم به كوفه بروم، چون ذمّى جدا شد و به راه خود رفت امير المؤمنين (ع) نيز با او رفت تا اين كه ذمى پرسيد چرا مسير خود را به جانب من تغيير داديد؟

حضرت گفتند : اين نشانه كمال حسن رفاقت است كه انسان هنگام جدا شدن چند قدمى همراهش را بدرقه كند، اين دستور پيامبر ماست. در دنباله همين مطلب آمده است كه آن ذمى به همين جهت اسلام آورد.

٩٣- باب استحباب نامه نوشتن در سفر و وجوب پاسخ دادن به نامه‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : پاسخ دادن به نامه مانند جواب دادن به سلام واجب است.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : پيوند بين دوستان، در حضر به ديدن يك ديگر رفتن و در سفر نامه نوشتن به يك ديگر است.

٣- در كتاب الاخوان از امام صادق (ع) نقل شده است : پيوند بين دوستان، به ديدن يك ديگر رفتن، و در سفر، نامه نوشتن است.

٩٤- باب استحباب شروع نامه با بسم اللّه و نوشتن آن به بهترين خط ١- امام صادق (ع) فرمود : در نوشتن [نامه] «بسم اللّه الرحمن الرحيم» را فراموش مكن اگر چه بعد از آن شعر باشد.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود :

«بسم اللّه الرّحمن الرّحيم» را (در اوّل نامه) با نيكوترين خط بنويس، و حرف «ب» را كشيده ننويس مگر زمانى كه «سين» را با دندانه نوشته باشى.

٣- علىّ بن موسى الرّضا (ع) از پدرانش در حديثى نقل فرموده است كه از امير المؤمنين (ع) سؤال شد چرا تبع، تبع ناميده شده؟ امام فرمود : او جوانى كاتب بود كه براى ملك قبل از خود نامه مى‏نوشت، و در اوّل نامه‏ها مى‏نوشت به نام خدايى كه رعد و باد را آفريد، ملك به او گفت : در آغاز نامه بنويس بنام فرشته رعد، جوان گفت جز به نام خداى خويش آغاز نمى‏كنم، سپس فرمانهاى تو را مى‏نويسم، خدا بدين جهت از او سپاسگزارى كرد و حكومت آن سرزمين را به او داد، و مردم از او اطاعت كردند، بدين سبب تبّع ناميده شد.

٩٥- باب چگونگى نوشتن عنوان نامه‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : [در مكاتبات] بعد از

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم‏

بلافاصله ننويس «براى فلانى» ولى اشكال ندارد كه بر پشت پاكت بنويسى «براى فلانى».

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : داخل نامه ننويس : «براى ابى فلان» بلكه بنويس «به سوى ابى فلان» و بر پشت نامه بنويس «براى فلان».

٩٦- باب استحباب آغاز نامه به نام كسى كه نامه برايش فرستاده مى‏شود ١- امام صادق (ع) فرمود : اشكال ندارد كه شخص نام دوستش را در آغاز نامه قبل از اسم خود بنويسد.

٢- سماعه گويد : از امام صادق (ع) در باره كسى كه نام شخص را در آغاز نامه بنويسد پرسيدم، فرمود : اشكال ندارد، اين فضيلتى است كه شخص به وسيله آن به دوستش احترام مى‏گذارد.

٩٧- باب استحباب نوشتن «ان شاء اللّه» در نامه هر جا كه مناسب باشد ١- مرازم بن حكيم گويد : امام صادق (ع) دستور داد براى كارى نامه بنويسند، نامه را نوشتند و به نظر آن حضرت رساندند و در آن كلمه «ان شاء اللّه» نبود، امام فرمود : چگونه اميد داريد اين نامه به نتيجه برسددر صورتى كه «ان شاء اللّه» در آن نيست؟ دقّت كنيد هر جا لازم است بنويسيد.

٩٨- باب استحباب خشك كردن خطهاى نامه‏ ١- احمد بن محمّد بن ابى نصر گويد : ابو الحسن علىّ بن موسى الرضا (ع) روى نامه [ براى خشك شدن] خاك مى‏پاشيد، و مى‏فرمود : اشكال ندارد.

٢- علىّ بن عطيّه [از اصحاب امام موسى كاظم (ع)] گويد : نامه‏هايى را از امام كاظم (ع) ديده است كه خاك بر آن پاشيده بوده است.

٣- احمد بن محمّد بن ابى نصر گويد : امام رضا (ع) روى نامه خاك مى‏پاشيد.

٤- امام رضا (ع) از پدرانش نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود :

براى حاجات خود صبح زود از خانه بيرون رويد تا آن حاجتها انجام شود، و روى نامه خاك بپاشيد [براى خشك شدن نامه و مخدوش نشدن خطوط آن] كه در برآوردن حاجت مؤثر است، و خير را در نزد خوشرويان جستجو كنيد.

٩٩- باب عدم جواز سوزاندن كاغذهايى كه در آن آيات قرآن يا نام خدا باشد ١- عبد الملك بن عتبه گويد : از ابو الحسن اوّل امام موسى كاظم (ع) در باره‏

كاغذهايى كه جمع مى‏شود و در آن نام خدا هست پرسيدم كه آيا مى‏شود آنها را سوزاند؟

امام فرمود : نه، اوّل آنها را با آب بشوييد سپس بسوزانيد.

٢- عبد اللّه بن سنان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : كاغذها را نسوزانيد بلكه خطوط آنها را محو و سپس پاره كنيد.

٣- زراره گويد : از امام صادق (ع) در باره نامى از نامهاى خدا كه به وسيله آب دهان محو شود سؤال شد، امام فرمود : با پاكترين چيزى كه به آن دسترسى داريد از بين ببريد.

٤- محمّد بن اسحاق بن عمّار گويد : از ابو الحسن، موسى بن جعفر (ع) در باره نامه‏هايى كه در آن نام خداى عزّ و جلّ نوشته شده است سؤال شد، امام فرمود :

آنها را بشوييد.

٥- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : آيات قرآن و نام خدا را با پاكترين چيزى كه دسترسى داريد محو كنيد، (و نيز فرمود) پيامبر مسلمانان را از سوزاندن و از بين بردن آنها با لگدمال كردن يا قلم كشيدن روى آنها نهى فرموده است.

٦- جعفر بن محمد (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيامبر (ص) [مسلمانان را] از محو كردن يا نوشتن آيات قرآن با آب دهان نهى فرموده است.

٧- حسن بن علىّ وشّاء گويد : عبّاس بن جعفر بن اشعث از من خواست كه از امام رضا (ع) در باره سوختن نامه‏هايش بعد از اين كه آنها را مى‏خواند از ترس اين كه به دست ديگران نيفتد سؤال كنم، وشّاء گويد : قبل از اين كه بپرسم حضرت نامه‏اى به من نوشت و فرمود : به دوست خود بگو : من وقتى كه نامه‏هايش را مى‏خوانم آنها را مى‏سوزانم. (شيخ حرّ عاملى فرمايد : اين حمل بر جواز يا

ضرورت است، يا به نامه‏هائى مربوط مى‏شود كه [آيات] قرآن يا نام خدا در آن نيست) ٨- علىّ بن جعفر گويد : از برادرم امام موسى كاظم (ع) در باره سوزاندن كاغذى كه در آن چيزى نوشته باشد سؤال كردم، امام فرمود : اگر بترسى كه در آن چيزى باشد [و به دست دشمن بيفتد] سوزاندنش اشكال ندارد.

١٠٠- استحباب تقسيم وقت بين دوستان به طور مساوى‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : رسول خدا (ص) وقتش را بين دوستانش تقسيم مى‏كرد، و به اين و آن به يك چشم نگاه مى‏كرد، و نيز فرمود : پيامبر (ص) هرگز پاهايش را در مقابل يارانش دراز نمى‏كرد، و وقتى مصافحه مى‏نمود دستش را از دست طرف نمى‏كشيد تا او دست پيامبر را رها نمايد، چون اصحاب اين مطلب را دانستند وقتى كه به آن حضرت دست مى‏دادند آنها دستشان را مى‏كشيدند.

٢- امام جعفر صادق (ع) فرمود : از زمانى كه خدا پيامبر (ص) را مبعوث كرد تا آخر عمر در حال تكيه كردن غذا نخورد، و هرگز پيش همنشين خويش پا روى پا نمى‏انداخت، و در موقع مصافحه هرگز دستش را پس نمى‏كشيد تا طرف دستش را پس بكشد، و هيچ وقت سائل را رد نمى‏كرد اگر چيزى داشت به او مى‏داد و اگر نمى‏داشت مى‏فرمود : خدا مى‏دهد.

٣- امام باقر (ع) فرمود : وقتى كه شخص با دوستش مصافحه مى‏كند آن كه دست دادن را ادامه مى‏دهد اجرش بيشتر است و گناهان آنها آمرزيده مى‏شود تا حدّى كه هيچ گناهى باقى نمى‏ماند.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هرگز رسول خدا با كسى مصافحه نكرد كه دستش را از دست آن شخص بكشد تا اين كه شخص دستش را از دست پيامبر (ص) مى‏كشيد.

١٠١- باب استحباب سؤال كردن از نام و نام خانوادگى و نسب و حال دوست و همنشين‏

١- علىّ بن الحسين (ع) نقل كرده است كه رسول خدا (ص) روزى به دوستانش فرمود : مى‏دانيد ناتوانى چيست؟ گفتند : خدا و رسولش داناترند، فرمود :

سه چيز نشانه ناتوانى است : اوّل اين كه كسى دوستش را دعوت كند، غذايى تهيّه نمايد امّا آن دوست خلف وعده كند و نيايد، دوّم اين كه : يكى دوست يا همنشين كسى باشد و علاقمند باشد بداند او كيست و از كجاست، امّا از وى جدا شود و سؤال نكند، سوّم : در باره زنهاست كه كسى به زن خود نزديك شود و از وى لذت برد امّا زن بهره‏اش را از همسرش نبرد. عبد الله پسر عمر و عاص عرض كرد : چه بايد كرد؟ فرمود : يك ديگر را تحريك نمايند تا هر دو لذّت ببرند.

٢- علىّ بن الحسين (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : ناتوانترين افراد كسى است كه شخصى را ملاقات كند و از رفتار او خوشش آيد امّا از نام و نسب و محلّ زندگى او نپرسد.

٣- امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : اگر كسى از شما برادر

مسلمانش را دوست دارد از نام او و نام پدر و نام قبيله و خاندانش سؤال كند، اين از حقوق واجب و صدق و صفاى در دوستى است، و الّا شناختى نادرست مى‏باشد.

٤- امام جعفر صادق (ع) از پدرش نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : سه چيز جور و ستم است : ١- شخصى با كسى معاشرت كند و از نام و نام خانوادگى او نپرسد. ٢- كسى او را براى صرف غذا دعوت كند و او نپذيرد يا دعوت را بپذيرد ولى غذا نخورد ٣- قبل از اين كه با همسرش شوخى و بازى كند جماع نمايد.

١٠٢- باب كراهت از بين رفتن شرم و حيا بين دوستان‏

١- امام جعفر صادق (ع) فرمود : به برادر مسلمانت كاملا اطمينان مكن، زيرا به زمين خوردن در اثر اطمينان و انس زياد جبران پذير نيست.

٢- سماعه گويد : از ابو الحسن امام موسى (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : از بين تو و برادر مسلمانت احترام برداشته نشود، احترام يك ديگر را نگه داريد زيرا رعايت نكردن احترام حيا را از بين مى‏برد.

٣- امام جعفر صادق (ع) فرمود : دوستى داراى شرايطى است هر كس آن شرايط را رعايت نكند او را دوست كامل به حساب نياورد، و هر كس هيچ كدام از آن شرايط را ندارد دوستش مخوان. (آن شرايط عبارتند از) ١- نهان و آشكارش يكى باشد. ٢- خوبى تو را خوبى خود و بدى تو را بدى خود بداند. ٣- دارايى و پست و مقام او را نسبت به تو دگرگون نسازد. ٤- هر چه در توان و قدرت اوست از تو

باز ندارد. ٥- در گرفتاريها تو را رها نكند.

٤- امام صادق (ع) به بعضى از يارانش فرمود : به دوست خود اطمينان كامل نداشته باشيد زيرا به زمين خوردن از راه اطمينان و زياد انس گرفتن جبران پذير نيست.

٥- و نيز امام صادق (ع) به بعضى از دوستانش فرمود : هر كس سه مرتبه از تو خشمگين شود و در باره تو بدى نگويد او را براى خود دوست انتخاب كن.

٦- امام صادق (ع) فرمود : دوستت را از راز خود آگاه مكن مگر تا حدّى كه اگر دشمن تو بر آن راز آگاه شود نتواند به تو زيان رساند، چون ممكن است دوست روزى دشمن گردد.

٧- علىّ بن موسى الرضا (ع) از پدرانش از امير المؤمنين (ع) نقل فرموده است : با دوست خويش در دوستى زياده روى مكن، زيرا شايد روزى دشمن تو شود و با دشمنت در دشمنى ميانه روى كن چون ممكن است روزى دوست تو گردد.

٨- طبرسى در تفسير مجمع البيان در باره قول خداى متعال : «در محفلتان ناپسند وارد مى‏شويد» فرموده است : در آن وجوهى است، يكى اين است كه اعراب وقتى دور هم مى‏نشستند بدون اين كه از يك ديگر شرم كنند از خود باد خارج مى‏كردند.

١٠٣- باب انتخاب دوستانى كه نمازشان را بموقع مى‏خوانند و نسبت به دوستان نيكى مى‏كنند

 ١- امام صادق (ع) فرمود : دوستانتان را به دو خصلت آزمايش كنيد، اگر داراى آن دو خصلت نباشند از آنها دورى گزينيد، دورى گزينيد، دورى گزينيد، آن دو خصلت عبارتند از : خواندن نماز در وقتش، و نيكى به دوستان در سختى و رفاه.

## ١٠٤- باب استحباب خوشخويى با مردم‏

 ١- امام محمّد باقر (ع) فرمود : باايمانترين مردم خوشخوترين آنهاست.

٢- امام صادق (ع) فرمود : چهار چيز در هر كس باشد ايمانش كامل است و اگر از سر تا پا گناه باشد آسيبى به او نرساند، آنها عبارتند از : راستگويى، اداى امانت، شرم، و خوشخويى.

٣- امام صادق از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : براى شخص خوشخو اجرى مانند اجر روزه‏دار شب زنده‏دار است.

٤- امام صادق (ع) فرمود : خوشخويى به صاحبش اجر روزه‏دار شب زنده‏دار را مى‏رساند.

٥- از امام صادق (ع) نقل شده است : نيكى و خوشخويى باعث آبادى‏

خانه‏ها و زيادى عمر مى‏شود. ٦- امام صادق (ع) فرمود : خوشخويى گناهان را ذوب مى‏كند همچنان كه آفتاب يخ را آب مى‏كند.

٧- امام صادق (ع) فرمود : تا مى‏توانى با كسانى معاشرت كن كه نفع تو به آنها برسد، زيرا گاهى بنده در عبادت كوتاهى مى‏كند ولى اخلاقش نيكوست و خدا به سبب حسن خلقش او را به درجه روزه‏دار شب زنده‏دار مى‏رساند.

٨- امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : بيشترين چيزى كه امّت مرا وارد بهشت مى‏كند تقواى الهى و خوشخويى است.

٩- امام جعفر صادق (ع) فرمود : عاقلترين مردم خوشخوترين آنهاست.

١٠- عنبسه عابد گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : مؤمن بعد از انجام واجبات پيش خداى عزّ و جلّ چيزى محبوبتر از اين ندارد كه مردم را از لحاظ خلقش در وسعت گذارد.

١١- بحر (بن كثير) سقّاء گويد : امام صادق (ع) به من فرمود : اى بحر سقّاء خوش خلقى مايه آسانى امور است. سپس حضرت حديثى نقل فرمود كه : پيامبر (ص) خوش خلق بود. ١٢- امام صادق (ع) فرمود : خداى تبارك و تعالى به بعضى از پيامبرانش وحى فرمود : خوى نيكو خطاها را از بين مى‏برد همان طور كه آفتاب يخ را ذوب مى‏كند.

١٣- علىّ بن الحسين (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : در روز قيامت چيزى بهتر از خوشخويى در ميزان اعمال انسان گذاشته نمى‏شود.

١٤- امام صادق (ع) فرمود : خلق و خوى بخششى است كه خدا به مخلوقش عطا مى‏كند، برخى از آن فطرى و برخى مربوط به نيّت وارده مى‏باشد [شخص از

راه اراده و قصد مى‏تواند آن را به دست آورد ،] عرض كردم : كدام بهتر است؟

فرمود : آنچه فطرى است انسان بر آن سرشته شده و جز آن نمى‏تواند انجام دهد و آنچه مربوط به نيّت و اراده مى‏باشد بايد براى تحقّق آن صبر و سختى را تحمّل كند، پس اين بهتر است. ١٥- امام صادق (ع) فرمود : خداى تبارك و تعالى مانند ثواب كسى را كه صبح و شام در راه خدا جهاد كند به بنده خوش خلق مى‏بخشد.

١٦- امام رضا (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيامبر (ص) فرمود : جبرئيل از جانب پروردگار عالم بر من نازل شد و گفت : اى محمّد بر تو باد به خوشخويى، چون باعث خير دنيا و آخرت مى‏شود، آگاه باشيد شبيه‏ترين شما به من خوشخوترين شماست.

١٧- امام رضا (ع) نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : بر شما باد به خوشخويى، زيرا خوشخو ناگزير جايش در بهشت است، و بپرهيزيد از بد خويى چون بدخو ناگزير در آتش است.

١٨- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : خوى بد عمل را فاسد مى‏كند همچنان كه سركه عسل را فاسد مى‏نمايد.

١٩- امام رضا (ع) از پيامبر (ص) نقل فرموده است : بنده به واسطه خوشخويى پاداش روزه‏دار شب زنده‏دار را دريافت مى‏كند.

٢٠- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : در ميزان اعمال هيچ چيز سنگين‏تر از خوشخويى نيست.

٢١- امام رضا (ع) از حضرت علىّ (ع) نقل فرموده است : كاملترين شما از حيث ايمان خوشخوترين شماست.

٢٢- حضرت رضا (ع) از علىّ بن ابى طالب نقل فرموده است : خوشخويى بهترين همنشين است.

٢٣- حضرت رضا (ع) از حضرت على (ع) نقل فرموده است : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترين وسيله براى ورود به بهشت چيست؟ فرمود :

پرهيزگارى و خوشخويى.

٢٤- امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل كرده است كه آن حضرت فرمود :

در روز قيامت نزديكترين شما به من خوشخوترين و مهربانترين شما نسبت به خانواده‏اش مى‏باشد.

٢٥- نيز آن حضرت از پيامبر (ص) نقل فرموده است : بهترين مردم از لحاظ ايمان خوشخوترين آنها، و مهربانترين‏شان به خانواده خويش مى‏باشد، و من مهربانترين شما به خانواده‏ام هستم.

٢٦- امام حسن (ع) فرمود : بهترين خوبيها خوى نيكو است.

٢٧- پيامبر (ص) فرمود : خوشخويى نصف دين است.

٢٨- زياد بن علاقه بن شريك گويد : از رسول خدا (ص) سؤال شد : بهترين چيزى كه به مسلمان عطا شده چيست؟ فرمود : خوش خلقى. ٢٩- امام جعفر صادق (ع) فرمود : خدا اسلام را به عنوان دين شما پسنديد، شما با سخاوت و خوشخويى آن را زينت بخشيد.

٣٠- امّ سلمه به پيامبر (ص) عرض كرد : پدر و مادرم فداى تو، اگر زنى دو

شوهر داشته باشد كه هر دو اهل بهشت باشند، زن در بهشت به كدام يك تعلق خواهد داشت؟ پيامبر فرمود : آن را كه خوشخوتر و براى خانواده‏اش بهتر است انتخاب كند، اى امّ سلمه خوشخويى باعث خير دنيا و آخرت است.

٣١- موسى بن ابراهيم گويد : از ابو الحسن اول [امام موسى كاظم (ع)] شنيدم كه مى‏فرمود : خدا بنده‏اش را به بهترين صورت و بهترين خلق و خوى آفريده است و حيا مى‏كند از اين كه گوشت او را در روز قيامت طعمه آتش قرار دهد. ٣٢- علىّ بن ميمون صائغ گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : هر كس مى‏خواهد رحمت خدا شامل حال او شود و او را در بهشت ساكن گرداند بايد خلقش را نيكو، و عدالت را رعايت كند، و به يتيم رحم، و به ضعيف كمك، و به بندگان خدا تواضع نمايد.

٣٣- در كتاب معانى الاخبار نقل شده كه : لقمان به پسرش گفت : پسر عزيزم با صد نفر دوست باش و با يك نفر دشمن مباش، پسرم هر چه هست خلاق و خلق توست، خلاق تو همان دينت و خلق تو همان خوى و نحوه برخورد تو با مردم است، مردم را با خود دشمن نكن، و اخلاق پسنديده را بياموز، پسرم بنده نيكان باش و فرزند بدان مباش، پسرم امانت را به صاحبانش برگردان تا دنيا و آخرت تو سالم باشد، امين باش تا بى‏نياز گردى.

٣٤- امام جعفر صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرموده است : كاملترين مؤمنين از لحاظ ايمان خوشخوترين آنهاست.

٣٥- پيامبر (ص) فرمود : كاملترين مؤمنين از جهت ايمان خوشخوترين‏

آنهاست، و بهترين شما كسى است كه با همسرش بهترين رفتار را داشته باشد.

٣٦- امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه رسول خدا (ص) فرمود : در روز قيامت اوّلين چيزى كه در ميزان اعمال بنده گذاشته مى‏شود حسن خلق است.

## ١٠٥- باب استحباب انس و الفت با مردم‏

١- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است برترين شما خوشخوترين و بخشنده‏ترين شماست و آنان كه با مردم انس مى‏گيرند، و ديگران با آنان مأنوس مى‏شوند و با مردم رفت و آمد دارند (كنايه از مردم دارى و خوشرويى با مردم است).

٢- امام صادق (ع) فرمود : مؤمن انس پذير است. كسى كه با ديگران انس نگيرد، و ديگران با او مأنوس نشوند خيرى ندارد.

٣- على (ع) فرمود : دلهاى مردم رمنده است هر كه به آنها محبّت كند، به او رو آورند.

## ١٠٦- باب استحباب خوشرفتارى با مردم‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است آيا خبر ندهم شما را از كسى كه فردا (روز قيامت) آتش دوزخ بر او حرام مى‏شود؟ گفتند چرا يا

رسول الله، فرمود : كسى كه خوشخو و خوشرفتار باشد.

٢- ابو البخترى در حديث مرفوعه‏اى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : مؤمنان خوشرفتار، و نرمخويند. همچون شتر رام، اگر مهار شود فرمان بردار است، و اگر بر روى سنگ خوابانده شود مى‏خوابد.

٣- امام صادق (ع) فرمود : از نشانه‏هاى ايمان آگاهى در دين است، و از علايم آگاهى در دين بردبارى، و از نشانه‏هاى بردبارى مدارا نمودن با مردم است، و از نشانه‏هاى مردم داراى نرمخويى، و از نشانه‏هاى نرمخويى آسان‏گيرى و ملايمت است.

٤- امام رضا (ع) از پدرانش نقل مى‏كند، كه على (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : مؤمن نرمخو، خوشرفتار، با سخاوت، و خوش اخلاق است. و كافر خشن، تندخو، بد اخلاق و متكبّر است.

## ١٠٧- باب استحباب خوشرويى و خوش برخوردى

‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : نيكى به ديگران، و خوشرويى محبت مى‏آورد و آدمى را به بهشت داخل مى‏كند بخل و ترشرويى انسان را از خدا دور وارد دوزخ مى‏نمايد.

٢- امام باقر (ع) فرمود : شخصى نزد پيغمبر (ص) آمد و عرض كرد يا رسول الله مرا سفارشى فرماييد. از جمله سفارشات حضرت به آن شخص اين بود :

برادرت را با چهره باز ديدار و ملاقات كن.

٣- يكى از ياران امام صادق (ع) نقل مى‏كند كه به آن حضرت عرض كردم :

ميزان و معيار خوش اخلاقى چيست؟ فرمود : اين كه فروتنى نشان دهى، خوش سخن باشى، و با برادرت با چهره باز برخورد كنى.

٤- حسن بن حسين گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

پيغمبر (ص) خطاب به فرزندان عبد المطلب فرمود : اى فرزندان عبد المطلب، شما هرگز نمى‏توانيد يا اموالتان در زندگى مردم گشايشى حاصل كنيد. پس با چهره باز و خوشرويى با آنها برخورد كنيد (حديث ٥ مانند حديث ٤ است).

٥- امام صادق (ع) فرمود : سه چيز است كه اگر كسى براى خدا يكى از آنها را انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند :

١- انفاق در حال فقر و تنگدستى، ٢- خوشرويى با همه مردم، ٣- رعايت انصاف نسبت به ديگران.

٦- موسى بن جعفر (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : خوشرويى كينه را از بين مى‏برد.

٧- امام جواد (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه حضرت على (ع) فرمود : شما كه نمى‏توانيد با مالتان به مردم كمك كنيد پس با چهره باز و ديدار خوش آنان را خشنود سازيد، زيرا از پيغمبر (ص) شنيدم كه مى‏فرمود : شما كه هرگز نمى‏توانيد در زندگى مردم با اموالتان گشايشى حاصل كنيد، پس با اخلاقتان آنان را خوشنود سازيد.

## ١٠٨- باب وجوب راستگويى‏

١- امام صادق (ع) فرمود : مردم را به نيكى دعوت كنيد به غير زبانتان (يعنى با عمل و كردارتان) تا اين كه آنان كوشش در عبادت، و راستگويى و پرهيزكارى را از شما ببينند.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كه زبانش راست باشد عملش پاك است.

٣- ابو بصير گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : بنده خدا راست مى‏گويد تا اين كه نزد خداوند جزء راستگويان محسوب گردد، و دروغ مى‏گويد تا اين كه نزد خدا از دروغگويان نوشته شود، پس هر گاه راست گويد خداى عزّ و جلّ فرمايد : اين بنده راست گفت و نيكوكار است، و هنگامى كه دروغ بگويد خداوند مى‏فرمايد : اين بنده دروغ گفت، و بدكار است.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هر كه زبانش راست باشد عملش پاك است، و هر كه نيّتش خوب باشد روزى‏اش زياد شود، و هر كه به خانواده‏اش نيكى كند عمرش طولانى گردد.

٥- عمرو بن ابى مقدام گويد : نخستين بار كه خدمت امام باقر (ع) رسيدم آن حضرت فرمود : پيش از سخن گفتن راستگويى بياموزيد.

٦- امام صادق (ع) فرمود : اى فضيل نخستين كسى كه راستگو را تصديق‏

مى‏كند خداى عزّ و جلّ است، كه مى‏داند او راستگو است. و خود شخص نيز خويشتن را تصديق مى‏كند، زيرا مى‏داند كه صادق است. ٧- ربيع بن سعد گويد : كه امام باقر (ع) به من فرمود : اى ربيع شخص راست مى‏گويد، تا آن جا كه خداوند او را صدّيق (بسيار راستگو) مى‏نويسد ٨- پيغمبر (ص) فرمود : فرداى قيامت آن كه از همه شما به من نزديكتر، و شفاعتش بر من واجبتر است، كسى است كه در سخنانش راستگوتر و در ردّ امانت درستكارتر و خوش اخلاق‏تر، و به مردم نزديكتر باشد.

٩- در حديث مرفوعه‏اى امام صادق (ع) : از پيغمبر (ص) روايت كرده كه فرمود : اى على تو را به چند خصلت سفارش مى‏كنم، خداوندا على را در داشتن اين خصال يارى ده، نخستين آنها راستگويى است، هرگز از دهانت دروغى خارج نشود.

## ١٠٩- باب استحباب صدق وعده، گرچه يك سال طول بكشد

 ١- امام صادق (ع) فرمود : اسماعيل (ع) را صادق الوعد گفتند براى اين كه به شخصى در محلّى وعده داد، و يك سال برايش منتظر ماند، در نتيجه خداوند او را صادق الوعد ناميد، و پس از يك سال آن شخص پيش اسماعيل آمد، اسماعيل به او گفت من پيوسته منتظر تو بودم.

٢- امام صادق (ع) فرمود پيغمبر (ص) فرموده است كه كسى كه به خدا و روز جزا ايمان دارد بايد به وعده‏اى كه مى‏دهد وفا كند.

٣- هشام بن سالم گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : وعده دادن مؤمن به برادر دينى نذرى است كه كفّاره ندارد. كسى كه خلف وعده كند خلف وعده با خدا را شروع كرده و خود را مورد خشم او قرار داده است. و همين است معناى آيه شريفه، كه مى‏فرمايد : «اى كسانى كه به زبان ايمان آورده‏ايد، چرا به زبان چيزى مى‏گوييد كه عمل نمى‏كنيد، دشمنى بزرگى است در نزد خدا اين كه بگوييد آنچه را عمل نكنيد .

٤- سليمان جعفرى گويد : امام رضا (ع) فرمود : آيا مى‏دانى كه چرا اسماعيل (ع) صادق الوعد ناميده شد عرض كردم نه، حضرت فرمود : اسماعيل به شخصى وعده داد. و يك سال به انتظارش نشست.

٥- عبد اللّه بن سنان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

پيغمبر (ص) كنار تخته سنگى به مردى وعده داد، فرمود : من اين جا منتظر تو هستم تا برگردى، امام مى‏فرمود تابش آفتاب بر حضرت رسول شديد شد، يارانش عرض كردند : يا رسول اللّه چه خوب است كه به مكانى سايه‏دار تشريف ببريد، فرمود :

من در همين جا به آن شخص وعده داده‏ام و اگر نيايد در روز رستاخيز بايد پاسخگو باشد.

## ١١٠- باب مستحب بودن حيا

 ١- امام صادق (ع) يا امام باقر (ع) فرمود : حيا و ايمان هر دو به يك رشته‏

بسته شده‏اند، هر گاه يكى از آنها برود ديگرى نيز در پى آن مى‏رود.

٢- امام صادق (ع) فرمود : حيا بخشى از ايمان، و ايمان وسيله رفتن به بهشت است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : كسى كه حيا ندارد، ايمان ندارد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : حيا، و پاكدامنى، و كند زبانى (كم گويى) نه كند دلى، از نشانه‏هاى ايمان است.

٥- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه چهار خصلت داشته باشد، اگر از سر تا پا غرق گناه باشد، خداوند گناهانش را مبدّل به حسنات گرداند. ١- راستگويى، ٢- داشتن حيا، ٣- خوش خلقى، ٤- سپاسگزارى. ٦- علىّ (ع) فرمود : جامه حيا هر كه را بپوشاند مردم عيب او را نمى‏بينند.

٧- پيغمبر (ص) فرمود : فخر در هر چيزى كه باشد از مقام و منزلت صاحبش مى‏كاهد، و حيا در هر چيزى كه باشد زينت بخش صاحبش است.

٨- از كلمات قصار پيغمبر (ص) است : حيا همه‏اش خير و نيكى است.

٩- از جمله سفارشهاى على (ع) به فرزندش محمّد حنفيّه است :

جامه حيا هر كه را بپوشاند، عيبش از نظرها پنهان مى‏ماند.

١٠- پيغمبر (ص) فرمود : حيا و شرم همه‏اش خير و نيكى است. يعنى حيا ديندار و بى‏دين را از كارهاى زشت باز مى‏دارد، شرم و حيا جامع همه زيباييها است.

١١- پيغمبر (ص) فرمود : حيا و ايمان هر دو بسته به يك رشته‏اند، اگر يكى از بين برود، ديگرى نيز از بين خواهد رفت.

١٢- پيغمبر (ص) فرمود : اگر خداوند حيا را از بنده‏اش بگيرد در آن صورت بنده دشمن خدا و مورد نفرت قرار مى‏گيرد، پس كسى كه حيا از او برداشته شود، رحمت خدا از او سلب و رشته اسلام نيز از او گسسته مى‏شود، و چنين بنده مبدّل به شيطانى مى‏گردد كه دور از رحمت خداست.

## ١١١- باب جايز نبودن شرم و حيا داشتن از پرسش كردن در باره احكام دين‏

١- امام صادق (ع) فرمود : هر كه در پرسيدن از چيزى خجالت كشد، در علمش سستى پديد آيد.

٢- در حديث مرفوعه‏اى هست كه پيغمبر (ص) فرمود :

حيا دو گونه است، ١. حياى عقل ٢. حياى حماقت، حياى عقل دانش و حياى حماقت نادانى است.

## ١١٢- باب استحباب عفو و گذشت‏

١- ابن فضال گويد : از امام موسى بن جعفر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

هيچ گاه دو گروه با هم ملاقات نكردند (به جنگ يك ديگر برنخاستند)، مگر اين كه هر كدام گذشتش بيشتر بود، پيروز شد.

٢- پيغمبر (ص) فرمود :

بر شما باد به گذشت و عفو، زيرا گذشت بر عزّت بنده مى‏افزايد، پس همديگر را عفو كنيد. تا خداوند شما را عزيز گرداند.

٣- امام باقر (ع) فرمود : آن زن يهودى را كه گوشت گوسفندى زهر آلود كرده بود تا پيامبر بخورد به نزد آن حضرت آوردند، فرمود : انگيزه تو از اين كار چه بود؟ زن پاسخ داد با خود گفتم اگر پيغمبر باشد زهر به او ضررى نمى‏رساند و اگر پادشاه باشد مردم را از دستش راحت مى‏كنم- راوى گويد : پيغمبر (ص) او را بخشيد.

٤- امام باقر (ع) فرمود : پشيمانى بعد از عفو برتر و آسانتر است از پشيمانى بعد از كيفر.

٥- از كلمات قصار رسول اللّه (ص) است : گذشت سلطان حكومت او را بيشتر دوام مى‏بخشد.

٦- امام رضا (ع) در توضيح آيه فَاصْفَحِ الصّفْحَ الْجَمِيلَ (با خوى خوش آنان را به حقّ دعوت كن» فرمود : عفو كردن بدون نكوهش و سرزنش.

(حديث ٧ مانند حديث ٦ مى‏باشد).

٨- على (ع) فرمود : چون بر دشمنت پيروز شدى گذشت از او را شكرانه پيروزى‏ات قرار بده.

٩- على (ع) فرمود : سزاوارترين مردم به گذشت كسى است كه بر كيفر توانمندتر باشد.

١٠- امام باقر (ع) در حديثى از پدرانش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) فرمود چون روز رستاخيز شود منادى اعلان مى‏كند طورى كه همه مردم مى‏شنوند، وى مى‏گويد : صاحبان فضيلت كجايند؟ گروهى از مردم برمى‏خيزند، آنگاه فرشتگان از آنان استقبال مى‏كنند و مى‏پرسند، فضيلت و برترى شما چيست كه به سبب آن شما را خواستند؟ آنان مى‏گويند، در دنيا ما را نادان خواندند تحمّل كرديم، به ما بدى نمودند عفو كرديم، آنگاه از طرف خدا خطاب شود بندگانم راست گويند، راهشان را باز كنيد تا بدون حساب به بهشت درآيند.

## ١١٣- باب استحباب عفو از ستمگر، صله رحم، احسان و نيكى ...

١- امام صادق (ع) فرمود : پيغمبر (ص) در خطبه‏اى فرموده است. آيا بهترين اخلاق دنيا و آخرت را به شما خبر ندهم، عفو از كسى كه به تو ستم كرده پيوستن با كسى كه از تو بريده، نيكى با كسى كه به تو بدى كرده، عطا و بخشش به كسى كه تو را محروم ساخته است.

٢- ابو حمزه ثمالى گويد از علىّ بن حسين (ع) شنيدم كه فرمود : چون روز رستاخيز شود خداوند اوّلين و آخرين را در يك سرزمين گردآورد منادى فرياد كشد صاحبان فضيلت كجايند؟ گروهى از مردم برمى‏خيزند، فرشتگان آنها را ملاقات مى‏كنند و مى‏پرسند فضيلت شما چه بوده است؟ پاسخ مى‏دهند، به كسى كه از ما مى‏بريد مى‏پيوستيم، و به كسى كه ما را محروم مى‏ساخت بخشش مى‏نموديم، و كسى كه به ما ستم روا مى‏داشت درمى‏گذشتيم، به آنان گفته مى‏شود : راست گفتيد وارد بهشت شويد.

٣- امام صادق (ع) فرمود : سه چيز از صفات خوب دنيا و آخرت است. عفو از كسى كه به تو ستم روا داشته، پيوستن به كسى كه از تو بريده، خويشتن دارى زمانى كه با تو نادانى كنند.

٤- امام باقر (ع) فرمود : سه چيز است كه خدا به وسيله آنها بر عزّت مسلمان مى‏افزايد، عفو كسى كه به او ستم كرده است، و بخشش بر كسى كه وى را محروم ساخته است، پيوستن با كسى كه از او بريده است.

٥- پيغمبر (ص) فرمود : آيا شما را به بهترين اخلاق دنيا و آخرت راهنمايى نكنم؟ پيوستن به كسى كه از تو بريده، بخشيدن كسى كه محرومت ساخته گذشتن از كسى كه به تو ستم كرده است.

٦- على بن موسى الرضا (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) فرمود : شما را به صفات خوب سفارش مى‏كنم، چون خداوند مرا براى آن مبعوث نموده است. از جمله صفات خوب آن است. كه انسان عفو كند كسى را كه به او ستم روا داشته، و ببخشد كسى را كه وى را محروم نموده، و بپيوندد با كسى كه از او بريده، و ديدن كند از كسى كه به ديدن وى نيامده است.

٧- على (ع) در وصيّت به فرزندش محمد حنفيّه فرمود : بريدن برادرت از تو از پيوستن تو با او، و بدى كردنش از نيكى تو نبايد افزونتر باشد.

٨- زراره گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : ما خاندانى هستيم كه جوانمردى ما گذشت از كسى است كه به ما ستم كرده است. ٩- علىّ بن جعفر بن محمد گويد : هنگامى كه محمد بن اسماعيل مى‏خواست به عراق مسافرت كند از عمويش امام موسى كاظم (ع) اجازه خواست حضرت اجازه فرمود : محمد برخاست و گفت اى عمّ بزرگوار دوست دارم مرا نصيحت فرمايى، حضرت فرمود : سفارش مى‏كنم ترا به اين كه در ريختن خون من از خدا پروا كنى، محمد گفت خدا لعنت كند كسى را كه در ريختن خون تو كوشش نمايد، سپس گفت اى عمّ بزرگوار مرا نصيحت بفرما، حضرت مجددا فرمود : سفارشت مى‏كنم به اين كه در ريختن خون من از خدا پروا داشته باشى، راوى گويد : آنگاه حضرت كيسه پولى را كه در آن صد و پنجاه دينار بود به وى داد، محمد آن را گرفت، سپس حضرت كيسه ديگرى را كه صد و پنجاه دينار داشت به او عطا فرمود. محمد آن را نيز گرفت، براى سوّمين بار كيسه ديگرى را كه صد و پنجاه دينار داشت به او عطا فرمود، سپس هزار و پانصد درهم را كه نزد محمد بود نيز به او بخشيد. راوى گويد : عرض كردم پول زيادى به او بخشيدى، حضرت فرمود : اينها مطمئن‏ترين دليل و حجّت من باشد بر او وقتى كه او از من قطع رحم كند و من نسبت به او صله رحم كنم. آنگاه راوى مى‏گويد : محمد پيش هارون الرشيد از عمويش موسى بن جعفر (ع) سعايت كرد كه وى ادعاى خلافت دارد، برايش خراج مى‏رسد، هارون دستور داد صد هزار درهم به محمد بدهند و او در همان شب درگذشت. كلينى عين همين روايت را نقل كرده با اين تفاوت گفته است در آن كيسه صد دينار و در آخر روايت گفته است كه در كيسه سه هزار درهم بوده است.

## ١١٤- باب استحباب فروخوردن خشم‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : چه خوب جرعه‏اى است خشم براى كسى كه بر آن صبر كند، زيرا پاداش بزرگ در برابر بلاى بزرگ است، چون خداوند هر گروهى را كه دوست دارد گرفتارشان مى‏كند.

٢- امام سجّاد (ع) فرمود : دوست ندارم كه به جاى نرمخويى و فروتنى شتران سرخ مويى داشته باشم، و هيچ جرعه‏اى نياشاميدم كه برايم محبوبتر باشد از جرعه‏

خشمى كه طرف را به آن كيفر ندهم. [يعنى چنين صفت خوبى را با مال دنيا معاوضه نمى‏كنم و هرگز راضى نمى‏شوم كه تندخو باشم و بهترين چهار پايان و زيور دنيا داشته باشم

٣- امام باقر (ع) فرموده كه پدرم به من فرموده : هيچ چيزى بهتر از فرو خوردن خشمى كه عاقبتش صبر و شكيبايى است روشنى بخش چشم پدرت نيست، و داشتن شتران سرخ مو با ذلّت نفس مرا شاد نمى‏كند.

٤- پيغمبر (ص) فرمود :

محبوبترين راه بنده به سوى خداى عزّ و جل نوشيدن دو جرعه است جرعه خشمى كه با خويشتن دارى از آن جلوگيرى كنى ٢- جرعه مصيبتى كه با شكيبايى خود برگردانى.

٥- امام صادق (ع) فرمود : هيچ بنده‏اى خشمى فرو نخورد مگر اين كه خداوند در دنيا و آخرت بر عزّت او بيفزايد، چون خداى عزّ و جل در قرآن فرموده :

«آنان كه خشمشان را فرو مى‏خورند و مردم را عفو مى‏كنند، خداوند نيكوكاران را دوست مى‏دارد خداوند در عوض فرو خوردن خشم اين پاداش به وى عطا مى‏فرمايد، (او را دوست بدارد).»

٦- امام صادق (ع) فرمود : بنده خدا هيچ جرعه‏اى ننوشد كه در نزد خدا محبوبتر باشد از جرعه خشمى كه وقتى در دلش به گردش درآمد با صبر و خويشتن دارى آن را بنوشد. «منظور از گردش جرعه در دل، هيجان و جوششى است كه براى شخص خشمگين دست مى‏دهد و در كيفر كردن و بخشيدن مردّد است».

٧- برقى در كتاب محاسن از وشّاء مثل روايت فوق را نقل كرده جز اين كه در اوّل آن چنين آمده است : هيچ قطره‏اى نزد خداوند محبوبتر نيست از قطره اشكى كه بنده‏اى در سياهى شب فقط از ترس خدا فرو مى‏ريزد.

٨- امام صادق (ع) مى‏فرمود : هر كس خشمى را فرو خورد كه قدرت دارد آن را اعمال كند خداوند روز قيامت قلب او را از رضاى خود پر مى‏كند.

٩- امام باقر (ع) فرمود : هر كه خشمى را فرو خورد كه بتواند آن را به كار برد خداوند در روز قيامت دل او را از آرامش و ايمان پر مى‏كند.

١٠- از فرمايشات رسول اللّه (ص) است : هر كه خشمش را فرو خورد خدا پاداشش دهد، و هر كه بر مصيبتى صبر نمايد خداوند عوضش دهد.

١١- در وصاياى پيغمبر (ص) به على (ع) آمده است. كه آن حضرت فرمود :

يا على ترا سفارشى مى‏كنم آن را به خاطر بسپار و تا وقتى كه وصيّت مرا عمل كنى در خير هستى، يا على هر كه خشمى را فروخورد كه قادر بر اعمال آن هست، خداوند پاداشى از آرامش و ايمان به او عطا فرمايد كه مزه‏اش را دريابد.

١٢- امام صادق (ع) از اجدادش نقل مى‏كند. كه در حديث مناهى رسول اللّه (ص) آمده است : آن حضرت فرمود :

هر كه خشمى را فروخورد كه قادر بر اعمال آن است و خويشتن‏دارى كند.

كه گفتنش روا نيست خداوند اجر شهيد به او عطا فرمايد.

١٣- ربيع بن عبد الرحمن گويد : به خدا سوگند موسى بن جعفر (ع) از فراست‏

و هوشيارى برخوردار بود و كسانى را كه بر عليه او ايستادگى و رهبرى امام بعد از او را انكار مى‏كنند مى‏شناخت با اين حال خشمش را نسبت به آنها فرو مى‏خورد و آنچه را كه در باره آنها مى‏دانست بر آنان اظهار نمى‏كرد، بنا بر اين كاظم ناميده شد.

١٤- پيغمبر (ص) در آخر يكى از خطبه‏هايش فرمود : هر كه خشمش را فرو خورد و از برادر مسلمانش گذشت كند، خداوند اجر شهيد به او عطا فرمايد.

١٥- امام صادق (ع) فرمود : هر كه داراى سه خصلت باشد خداوند برايش حور العين تزويج مى‏كند هر طور كه دلش بخواهد، آن سه خصلت عبارتند از : ١- فروخوردن خشم، ٢- صبر بر شمشيرها در راه خدا، ٣- كسى كه بر مال حرام دست يابد ولى براى خدا از آن درگذرد.

## ١١٥- باب استحباب فروخوردن خشم از دشمنان دين در زمان حكومتشان‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : فروخوردن خشم از دشمن زمان حكومت و اقتدار آنان تقيه و احتياط است براى كسى كه دورانديشى كند، و در معرض بلاى دنيا در نيايد، و خصومت و دشنام دادن دشمنان در زمان اقتدارشان بدون رعايت تقيّه ترك كردن دستور خداى عزّ و جل است، پس با مردم مدارا كنيد. تا كردار شما نزد آنان بزرگ جلوه‏گر شود.- و از شما به نيكى ياد كنند- و با آنان عداوت و دشمنى نورزيد، كه برگردنتان سوارشان كنيد و خوار و زبون گرديد.

## ١١٦- باب استحباب صبر در برابر حسودان و مانند آن‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : در برابر دشمنان نعمت (حسودان) صبر پيشه كن.

زيرا كسى را كه نسبت به تو خدا را نافرمانى كرده هرگز نتوانى بهتر از فرمانبردارى خدا نسبت به او جبران كنى.

٢- پيغمبر (ص) فرمود : خداوند در مورد چهار بلا از مؤمن پيمان گرفته كه سخت ‏ترين آنها بر مؤمن اين است كه مؤمنى ظاهرا با او هم عقيده است ولى بر او رشك برد، يا اين كه منافقى در صدد كشف نقطه ضعفهاى او باشد يا شيطان گمراهش كند، يا كافرى به جنگ با او برخيزد، براى مؤمن با اينها بقايى نيست.

(يعنى با اين گرفتاريها مؤمن چقدر مى‏تواند تحمل داشته باشد) ٣- داود بن سرحان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : چهار چيز است كه مؤمن از آن چهار چيز يا يكى از آنها بر كنار نيست، مؤمنى كه مؤمن ديگر بر او رشك برد و اين از همه گرفتاريها سخت‏تر است، منافقى كه مؤمن را دنبال كند، تا نقطه ضعفى از او پيدا كند، يا دشمنى كه با او در ستيز باشد، يا شيطانى كه او را گمراه نمايد.

توضيح اين كه حديث ٤ مانند حديث يك است و از امام موسى كاظم (ع) نقل شده، و حديث ٥ نيز مانند حديث يك است، به اضافه جملاتى در ذيل حديث به اين شرح كه امام (ع) خطاب به زيد شحّام مى‏فرمايد : اى زيد خداوند اسلام را انتخاب فرموده، پس همنشينى و مصاحبت او را با خوشرويى و سخاوت نيكو بداريد.

## ١١٧- باب استحباب سكوت، مگر در امور خير

 ١- امام رضا (ع) فرمود : دانش، سكوت، و بردبارى از نشانه‏هاى دانايى است. همانا سكوت يكى از درهاى حكمت است، محققا سكوت محبّت مى‏آورد و راهنماى هر امر خيرى است.

٢- امام رضا (ع) فرمود : سكوت و بردبارى از علايم دانايى است.

٣- ابو حمزه گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : همانا پيروان ما بى‏زبانند. (كم گوى گزيده گو هستند)

٤- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) به مردى كه خدمتش آمده بود فرمود : نمى‏خواهى ترا به امرى راهنمايى كنم كه خدا به وسيله آن ترا به بهشت برد، عرض كرد چرا، يا رسول اللّه، حضرت فرمود : از آنچه كه خدا به تو عطا فرموده بده، گفت : اگر خودم از آن كه به او دهم نيازمندتر باشم چه كنم؟ فرمود :

ستمديده را يارى كن، گفت : اگر خودم ناتوانتر از او باشم چه كنم؟ فرمود :

كارى براى نادان بكن. يعنى او را راهنمايى كن. گفت اگر خودم نادانتر از او بودم چه كنم؟ فرمود : زبانت را جز از خير خاموش دار، آيا شادمان نيستى كه يكى از اين خصلت‏ها را داشته باشى كه ترا به بهشت ببرد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : لقمان حكيم به پسرش گفت : پسر جان اگر گمان مى‏كنى كه سخن گفتن نقره است، بدان كه خاموشى طلاست.

٦- وشّاء گويد : از امام رضا (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : هر گاه مردى از بنى اسرائيل مى‏خواست عبادت نمايد. ده سال قبل از آن سكوت اختيار مى‏كرد.

(يعنى سخن بيهوده نمى‏گفت)

٧- امام صادق (ع) در نصايحش به ياران خود فرمود : از اين كه زبانتان به ذكر سخن دروغ و ناحق و بهتان، و گناه و دشمنى مشغول باشد بپرهيزيد. زيرا اگر زبانتان را از آنچه كه خدا زشت دانسته و نهى فرموده است نگه داريد، اين كار برايتان بهتر خواهد بود از اين كه زبانتان به ذكر سخنان زشت مشغول باشد، چون چيرگى زبان به پليديهايى كه خدا نهى كرده است دليل پستى شخص در نزد خدا و دشمنى با پروردگار است، و هم چنين نوعى كرى و كورى است كه خداوند در روز قيامت نصيبش گرداند.

٨- در حديث مرفوعه‏اى. پيغمبر (ص) فرمود : زبانت را نگهدار، زيرا نگهدارى زبان صدقه‏اى است كه به خود بخشيده‏اى، سپس فرمود : هيچ بنده‏اى حقيقت ايمان را نمى‏شناسد، تا اين كه زبانش را حفظ كند (يعنى آنچه را كه سود دنيا و آخرت دارد بگويد و زبان را از بقيه باز دارد.

٩- امام صادق (ع) فرمود : بنده مؤمن تا زمانى كه خاموش است از نيكوكاران نوشته مى‏شود، و چون لب به سخن گشايد، نيكوكار يا بدكار نوشته شود (- يعنى نيكى و بدى او بسته به كلامش است-)

١٠- امام صادق (ع) فرمود : سخن گفتن در راه حقّ بهتر است از سكوت بر باطل.

١١- امام صادق (ع) فرمود : سكوت گنجى وسيع است كه براى بردبار زينت، و براى نادان پرده و پوشش است.

١٢- امام صادق (ع) فرمود : با هيچ چيز همانند سكوت، و رفتن به زيارت خانه خدا نمى‏توان خدا را عبادت كرد.

١٣- در حديث مرفوعه‏اى پيغمبر (ص) فرمود : زمانى براى مردم پيش مى‏آيد، كه در آن زمان سلامتى داراى ده جزء است، نه جزء آن در كناره‏گيرى از مردم، و جزء ديگرش در خاموشى است. و در خصال از محمد بن حسن از صفّار از عباس بن معروف نظير همين روايت نقل شده است.

١٤- حديث ١٤ مانند حديث شماره يك است از امام رضا (ع)

١٥- امام صادق (ع) فرمود : خواب، راحتى بدن، سخن گفتن، راحتى روح، و سكوت، راحتى براى عقل است.

١٦- علىّ بن حسين (ع) فرمود : گفتار نيك ثروت را زياد و روزى را افزون مى‏كند، و اجل را به تأخير مى‏اندازد، و محبت خاندان را جلب، و انسان را داخل بهشت مى‏كند.

١٧- امام صادق (ع) به نقل از اجدادش فرمود : حضرت داود (ع) به سليمان (ع) گفت : «پسرم، بر تو باد به سكوت طولانى، زيرا يك بار پشيمانى بر سكوت دراز مدت، بهتر از پشيمانى متعدّد بر گفتار زياد است، فرزندم، اگر سخن گفتن نقره است سزاوار است كه خاموشى طلا باشد.»

١٨- علىّ (ع) فرمود : خاموشى از اندرز دادن خيرى ندارد. چنان كه در سخن گفتن از روى نادانى بهره‏اى نيست.

١٩- على (ع) فرمود : سكوت زياد، شكوه و بزرگى مى‏آورد.

٢٠- على (ع) فرمود : هر كه گفتارش زياد شود، لغزشش بيشتر است، و هر كه لغزشش بيشتر باشد، از حياى او كاسته شود، و هر كه حيايش كم شود، پارسايى‏اش كاهش يابد، و هر كه پارسايى‏اش كم گردد، دلش مى‏ميرد، هر كه دلش بميرد، در آتش داخل مى‏شود.

٢١- على (ع) فرمود : تا سخن نگفته‏اى گفتارت گروگان توست، و چون سخن گفتى كلامت را در موضعش قرار دادى، (چه خوب يا بد) زبانت را نگهدار چنان كه طلا و سكّه‏ات را نگاه مى‏دارى، اى بسا سخنى نعمتى را از تو بازگيرد.

## ١١٨- باب استحباب سخن گفتن در جايى كه سكوت روا نيست‏

١- پيغمبر (ص) در نصيحتش به ابو ذر فرمود : اى ابا ذر! كسى كه در ميان جمعى غافل و بى‏خبر ياد خدا مى‏كند، همانند كسى است كه در ميان گروهى كه از جنگ مى‏گريزند به نبرد ادامه مى‏دهد.

اى ابا ذر، همنشين خوب بهتر از تنهايى، و تنهايى بهتر از همنشين بد است.

گفتن سخن خير بهتر از خاموشى، و خاموشى بهتر از گفتار شرّ است.

اى ابا ذر، سخنان زايد را ترك كن، و سخن به مقدارى كه نيازت را برآورد ترا بس است.

اى ابا ذر، در دروغگويى شخص همين بس كه هر چه را بشنود نقل كند.

اى ابا ذر، هيچ چيز براى حبس كردن طولانى در زندان سزاوارتر از زبان نيست.

اى ابا ذر، خدا نزد زبان هر گوينده حاضر است، پس شخص بايد از خدا پروا داشته باشد، و بداند كه چه مى‏گويد.

٢- در احتجاج طبرسى است كه از علىّ بن حسين (ع) سؤال شد، سكوت بهتر است يا سخن گفتن، فرمود، براى هر يك از آنها آفتابى است، اگر سالم از آفت باشند سخن گفتن بهتر از خاموشى است، عرض شد يا ابن رسول اللّه چگونه است آن؟ فرمود : براى اين كه خداى عزّ و جلّ هيچ يك از پيغمبران و اوصيا را براى سكوت مبعوث نفرموده، بلكه براى سخن گفتن فرستاده است. و استحقاق بهشت با سكوت امكان‏پذير نيست، و دوستى خدا با سكوت ميسّر نمى‏شود، دورى از آتش غضب پروردگار با سكوت ممكن نيست، بلكه همه اينها با سخن گفتن و تكلّم به دست مى‏آيد، من نمى‏توانم ماه را با خورشيد يكسان بدانم. راوى گويد :

يا ابن رسول اللّه شما برترى سكوت بر كلام را بيان فرمودى، ولى فضيلت كلام را بر سكوت توصيف نفرمودى.

## ١١٩- باب وجوب نگهدارى زبان از آنچه كه گفتنش روا نيست‏

١- امام سجّاد (ع) فرمود : هر روز صبح زبان آدمى تمام اعضاى بدنش را زير نظر گرفته، و مى‏گويد : چگونه هستيد؟ شب را چگونه به صبح رسانديد؟ پاسخ مى‏دهند اگر تو ما را رها كنى خوب هستيم، و مى‏گويند، خدا را، خدا را نسبت به ما ياد بياور، سوگندش دهند و گويند ما به وسيله تو پاداش و كيفر مى‏بينيم.

٢- ابو على جوانى گويد : امام صادق (ع) را ديدم كه انگشت بر لبهاى مباركش گذاشته و به غلامش سالم مى‏فرمايد : اى سالم زبانت را نگهدار تا سلامت بمانى، و مردم را بر دوش ما سوار مكن (از فضايل ما آنچه خلاف تقيّه است مگو تا بر ما نشورند) ٣- شخصى به امام موسى بن جعفر (ع) عرض كرد : يا ابن رسول اللّه مرا نصيحت فرماييد، فرمود : زبانت را نگهدار تا عزيز شوى، اختيارت را به دست مردم نده، تا خوار و زبون نگردى.

٤- امام صادق (ع) در مورد آيه شريفه «مگر كسانى را نديدى كه به آنها گفته شد دستهاى خود را نگه داريد.» فرمود : مراد از كُفّوا أَيْدِيَكُمْ، يعنى زبانتان را نگه داريد.

٥- امام صادق (ع) به مردى كه زياد حرف مى‏زد، فرمود : سخن را كوچك‏

و خوار مى‏شمارى همانا خدا هيچ پيغمبرى را همراه با طلا و نقره مبعوث نفرموده بلكه آنها را با كلام به سوى مردم فرستاده، خداوند خودش را نيز به وسيله كلام و براهين و ادلّه به مردم معرفى كرده است. ٦- در حديث مرفوعه‏اى پيغمبر (ص) فرمود : نجات مؤمن در نگه داشتن زبانش باشد.

٧- ابو بصير گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : ابو ذر رحمه الله عليه مى‏گفت : اى آن كه دانش مى‏طلبى همانا اين زبان كليد خير و شر است، پس چنان كه بر طلا و نقره‏ات (براى محفوظ ماندن) مهر مى‏زنى، بر زبانت نيز مهر بزن.

٨- در حديث مرفوعه آمده است كه مردى خدمت پيغمبر (ص) آمد و عرض كرد :

يا رسول اللّه مرا نصيحتى فرما، فرمود : زبانت را نگه‏دار، عرض كرد : يا رسول اللّه مرا نصيحتى فرما، فرمود : زبانت را نگه‏دار، عرض كرد : يا رسول اللّه به من نصيحتى فرما، فرمود زبانت را نگه‏دار، واى بر تو، آيا مردم را بجز نتيجه گفتار زبانشان به رو در آتش اندازند؟

٩- امام صادق (ع) فرمود : در حكمت آل داود است (كتاب زبور) كه بر عاقل لازم است به وضع زمانش آشنا باشد، سرگرم كار خود بوده، و زبانش را نگه دارد.

١٠- امام صادق (ع) فرمود : روزى نيست جز آن كه هر عضوى از اعضاى بدن در برابر زبان فروتنى كرده و مى‏گويند : ترا بخدا مبادا به وسيله تو ما عذاب ببينيم.

١١- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است، اگر در چيزى نحسى و شومى باشد، آن شومى در زبان است.

١٢- علىّ (ع) فرمود : زبان درنده‏اى گزنده است اگر به خود واگذار شود مى‏گزد.

١٣- على (ع) فرمود : چون خرد به مرتبه كمال رسد گفتار كاهش مى‏يابد.

١٤- امام صادق (ع) فرمود : در حكمت آل داود (كتاب زبور) است كه براى خردمند سزاوار است سرگرم كار خود باشد، زبانش را نگه دارد، و وضع اهل زمانش را بشناسد.

١٥- على (ع) در وصيّت به فرزندش محمد حنفيّه فرمود : خداى عزّ و جلّ چيزى نيكوتر از سخن و زشت‏ تر از آن نيافريده است، به سبب سخن چهره‏ها سياه و سفيد مى‏شوند، آگاه باش تا وقتى كه سخن نگفته‏اى كلامت در اختيار توست، و چون سخن گفتى آن را در جايش قرار دادى، «خوب يا بد» همچنان كه طلا و نقره‏ات را نگاه مى‏دارى، زبانت را نيز نگه‏دار، زيرا زبان سگ گزنده است اگر آزادش گذارى مى‏گزد اى بسا سخنى نعمتى را بربايد. هر كه افسار گسيخته باشد به سوى زشتيها و پليديها كشيده مى‏شود، آنگاه از روزگار رهايى ندارد. مگر با مذمّت مردم و دشمنى با خدا.

١٦- على (ع) فرمود : هيچ چيزى براى اين كه مدتى دراز زندانى شود سزاوارتر از زبان نيست.

١٧- امام رضا (ع) از پدرش نقل كرده است كه امام صادق (ع) فرمود : نجات مؤمن در نگهدارى زبانش است، و نيز على (ع) فرمود : هر كه زبانش را نگه دارد،

خداوند عيبهاى او را مى‏پوشاند.

١٨- سليمان بن مهران گويد : بر امام صادق (ع) وارد شدم، عده‏اى از شيعيان در خدمتش بودند، شنيدم كه مى‏فرمود : اى گروه شيعيان زينت ما باشيد، و سبب ننگ ما نشويد، به مردم سخنان خوب بگوييد، زبانتان را حفظ كنيد، و آن را از گفتن سخنان زشت و بى‏فايده بازداريد.

١٩- پيغمبر (ص) فرمود : در غير ذكر خدا زياد سخن نگوييد زيرا سخن گفتن زياد در غير ذكر خدا قساوت قلب مى‏آورد، و دورترين مردم از خدا كسانى هستند كه قساوت قلب دارند.

٢٠- امام صادق (ع) به يارانش فرمود : كلامى را از من بشنويد كه از پول پس‏انداز شده برايتان بهتر است، و آن عبارت است از اين كه هيچ كدام از شما سخنى را كه سودمند نيست نگوييد، و سخنى را كه سود دارد زيادى‏اش را ترك كنيد، تا اين كه براى گفتنش موقعيت مناسبى يافت شود، اى بسا گوينده‏اى كه با گفتار بى‏مورد خويشتن را به اشتباه انداخته، هيچ يك از شما نبايد با بردبار، و احمق مجادله كند، زيرا هر كه با بردبار مجادله نمايد محكوم مى‏شود، و هر كه با سفيه مجادله كند خوار و زبون شود، برادرانتان را در غيابشان بهتر از آنچه كه مى‏خواهيد آنان شما را در غياب ياد نمايند ياد كنيد، اعمالتان را مانند كسى انجام دهيد كه از پاداش كار نيك و عذاب گناهان آگاه است.

٢١- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه علىّ (ع) فرمود : سه چيز باعث نجات است ١- نگهدارى زبان، ٢- گريه بر گناهان، ٣- توسعه دادن زندگى اهل و عيال.

٢٢- فضيل بن يسار گويد : امام باقر (ع) فرمود : اى فضيل، به دوستان ما سلام برسان و به آنان بگو كه من چنين مى‏گويم : من از آنان به هيچ چيز مثل تقوا براى خدا بى‏نياز نمى‏شوم، زبانهايتان را حفظ كنيد، دستهايتان را «از كارهاى بد» بازداريد، نماز خواندن، و صبر كردن پيشه نماييد، زيرا خداوند با صابران است.

٢٣- امام صادق (ع) از اجدادش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) فرمود :

بر زبان هر گوينده نگهبانى مراقب است، شخص بايد از خدا پروا داشته باشد، و بنگرد كه چه مى‏گويد.

٢٤- امام صادق (ع) از جدّش نقل فرمايد : از نشانه‏هاى كمال اسلام شخص، ترك سخن بيهوده است.

## ١٢٠- باب كراهت گفتار زياد در غير ذكر خدا

١- امام صادق (ع) فرمود : حضرت عيسى (ع) مى‏گفت در غير ذكر خدا زياد سخن نگوييد، زيرا آنان كه در غير ذكر خدا زياد سخن گويند، قساوت قلب دارند امّا خودشان نمى‏دانند.

٢- امام صادق (ع) فرموده كه پيغمبر (ص) فرمود : هر كه گفته‏هاى خود را جزء اعمالش نشمارد لغزشهايش زياد شود، و عذابش فرا رسد.

٣- جعفر بن ابراهيم گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه موقعيّت گفتارش را در كردار خود بنگرد، از سخنش كاسته شود، مگر در باره آنچه كه براى او سودمند باشد.

٤- در نامه امام صادق (ع) به يارانش آمده است : از خدا پروا كنيد، زبانتان را نگه داريد مگر از خير و نيكى، تا اين كه فرمود : بر شما باد به سكوت مگر در آنچه كه براى آخرتتان نفعى داشته باشد، و خداوند پاداشتان دهد، و كلمه لا اله الا اللّه و سبحان اللّه را بيشتر بگوييد، خدا را زياد حمد و ثنا گفته و تضرع و زارى نماييد، و به خيرى كه نزد خداوند است و مقدار و كنهش براى كسى بجز خدا معلوم نيست رغبت نشان دهيد و با آن كلمات (اذكار ياد شده) زبانتان را از گفتار باطلى كه خدا نهى فرموده و گوينده‏اش اگر توبه نكرده بميرد در آتش هميشگى معذّب مى‏شود، نگه‏داريد.

٥- امير المؤمنين (ع) از جايى مى‏گذشت؛ شخصى را ديد كه حرفهاى لغو و بيهوده مى‏زند؛ حضرت ايستاد، سپس فرمود : اى مرد تو براى خدا نامه‏اى را بر محافظانت ديكته مى‏كنى. آنچه كه براى تو اهميّت دارد بگو و آنچه كه مهمّ نيست رها كن.

٦- على (ع) فرمود : همه نيكيها در سه خصلت جمع شده، ١- فكر كردن ٢- خاموشى ٣- كلام، هر انديشه‏اى كه در او پندآموزى نباشد بيجا و مهمل است. و هر كلامى كه در آن ياد خدا نباشد بيهوده، و هر سكوتى كه در آن انديشيدن نباشد غفلت و نادانى است. پس خوشا به حال كسى كه نگاهش عبرت، سكوتش تفكّر، و كلامش ياد خدا باشد، و بر گناهانش اشك ريزد، و مردم از شرّ او آسوده باشند.

٧- جعفر بن ابراهيم گويد از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : هر كه موقعيّت گفتارش را با عقلش تميز دهد سخنش در چيزهايى كه سودى ندارد كاسته مى‏شود.

٨- پيغمبر (ص) فرمود : از مجادله با فتنه‏گران بپرهيزيد زيرا هر كه گرفتار فتنه شود، پذيرش عذرش مدّت زمانى لازم دارد، هنگامى كه مدتش به سر رسيد، فتنه‏اش وى را در آتش مى‏سوزاند.

٩- ابو اراكه گويد : از على (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خداوند را بندگانى است كه دلهايشان را خوف خدا شكسته است. با اين كه فصيح، و عاقل و نجيبند از سخن گفتن خوددارى مى‏كنند، با انجام كارهاى خوب در نزديك شدن به خدا بر هم پيشى گيرند، و كار بسيارى را كه براى خدا انجام مى‏دهند زياد نمى‏شمارند و به كار اندكى كه براى او انجام مى‏دهند راضى نمى‏شوند نفس خود را شرور مى‏بينند در صورتى كه زيركترين نيكانند.

١٠- على (ع) به نقل از پيغمبر (ص) فرمود : صاحبان سخن بر سه گونه‏اند رابح، سالم، شاجب. رابح كسى است كه ذكر خدا گويد، سالم كسى است كه مى‏گويد، خدا را دوست دارم، و اما شاجب كسى است كه به مردم دروغ گويد و آنان را مسخره كند.

١١- امام صادق (ع) فرمود : از پدرم شنيدم كه مى‏فرمود : ترك كردن امورى كه براى شخص سودى ندارد از نشانه نيكويى اسلام اوست.

١٢١- باب استحباب مدارا كردن با مردم‏ ١- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است، خداوند مرا به‏

سازگارى با مردم دستور داد همان طور كه به انجام واجبات امر فرمود.

٢- امام باقر (ع) فرمود : در تورات نوشته شده است : از جمله سخنان خدا با موسى بن عمران (ع) اين بود : اى موسى اسرار مرا در باطن خويش نهفته دار، ولى در ظاهرت مدارا كردن با دشمن خود و من را از جانب من آشكار كن، و با اظهار اسرار من در نزد مردم باعث ناسزاگويى آنان به من نشوى، و در دشنام دادن به من شريك دشمن خود و دشمن من گردى.

٣- حسين بن حسن گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

جبرئيل (ع) بر پيغمبر (ص) نازل شد و گفت : اى محمّد خداوند به تو سلام مى‏رساند، و مى‏گويد : با خلق من مدارا كن.

٤- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است سه خصلت است كه هر كس نداشته باشد هيچ يك از اعمالش كامل نيست، تقوايى كه وى را از نافرمانى خدا باز دارد، اخلاقى كه با آن با مردم مدارا كند، حلمى كه جهالت شخصى نادان را با آن ردّ نمايد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : پيغمبر (ص) فرموده است : مدارا كردن با مردم نصف ايمان، و لطف كردن به آنها نصف زندگى است. سپس امام (ع) فرمود : با نيكان به طور پنهانى و با بدان آشكارا معاشرت داشته باشيد، و به بدان رغبت زياد نشان ندهيد كه بر شما ستم كنند، زيرا بزودى روزگارى برايتان پيش آيد كه در آن روزگار مردم متديّن رهايى ندارند مگر كسى كه وى را ابله پندارند، و خودش نيز تحمل كند كه به او نسبت ابله و بى‏عقلى بدهند.

٦- حذيفة بن منصور گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : گروهى از قريش مدارا كردنشان با مردم كم شد تا از قريش رانده شدند، به خدا قسم از نظر خانوادگى عيبى نداشتند، و گروه ديگر از غير قريش سازگارى‏شان با مردم بهتر شد به خاندان عالى پيوستند. سپس فرمود : كسى كه دست نيكى خود را از مردم دريغ دارد، فقط دستى از آنها بازداشته، در صورتى كه مردم دستهاى زياد از او باز مى‏دارند. ٧- امام صادق (ع) خطاب به اسحاق بن عمّار فرمود : اى اسحاق، منافق را با زبانت اصلاح كن، دوستى خويش را با مؤمن خالص گردان، و اگر فرد يهودى همنشين تو شد، حقّ همنشينى وى را نيكو بدار.

٨- على (ع) در وصيت خود به فرزندش محمد حنفيّه فرمود : به همه مردم نيكى كن آن چنان كه مى‏خواهى به تو نيكى كنند، آنچه را كه براى خودت مى‏پسندى براى آنان نيز بپسند، و آنچه كه براى خويشتن نمى‏پسندى براى ديگران نيز مپسند، اخلاقت را با مردم نيكو كن تا در غيابت به تو محبّت ورزند، و اگر مردى برايت اشك ريزند، و إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ گويند، و از كسانى مباش كه در مرگش بگويند : الحمد للّه رب العالمين، بدان كه مدارا كردن با مردم پس از ايمان به خداى عزّ و جل سرآمد عقل است، كسى كه با همنشينانش خوب معاشرت نكند، خيرى در او نيست. و آنان كه ناچارند با وى معاشرت نمايند، خداوند براى رهايى از شرّ او راه نجاتى قرار مى‏دهد.- آنگاه فرمود : - من تمام زندگى و معاشرت مردم با يك ديگر را به منزله پيمانه پر مى‏پندارم كه دو جزء آن جلب محبّت و نيكى كردن، و يك جزء ديگرش در غفلت به سر بردن است. ٩- در حديث مرفوعه‏اى آمده است. كه على (ع) به فرزندانش فرمود : فرزندانم از دشمنى با مردم بپرهيزيد، زيرا آنها از دو صنف خارج نيستند، عاقلى كه با شما مجادله كند، و نادانى كه با شما به جهالت رفتار نمايد. و كلام به منزله مرد است، و پاسخش زن، هنگامى كه زن و مرد به هم پيوندند ناچار ثمره‏اى خواهد داشت، سپس اين شعر را خواند.

هر كه از پاسخ بپرهيزد آبرويش سلامت ماند.

و كسى كه با مردم مدارا كند كار خوبى كرده است\* كسى كه مردم را بزرگ شمارد مردم نيز او را بزرگ دانند\* و هر كه مردم را تحقير نمايد هرگز مردم بزرگش نشمارند ١٠- سفيان بن عيينه گويد به زهرى گفتم : با على بن حسين (ع) ملاقات كردى؟ گفت آرى. و تا حال با كسى برتر از او ملاقات نكرده‏ام. من براى او دوستى در نهان و دشمنى آشكارا نمى‏شناسم گفتند چگونه؟ گفت چون كسى را نديدم كه آن حضرت را دوست دارد، ولى از شدّت معرفت به فضلش به او رشك نبرد، و كسى را نديدم كه با آن حضرت دشمن باشد ولى از شدّت مداراى او با وى مدارا نكند.

## ١٢٢- باب وجوب ادا كردن حقوق واجب و مستحبّ مؤمن‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : خدا به چيزى بهتر از اداى حقّ مؤمن عبادت نشود.

٢- امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمى‏كند، او را خوار نمى‏دارد، به وى خيانت نمى‏كند، سزاوار است كه مسلمانان در برقرارى‏

پيوند با يك ديگر بكوشند، و در كمك كردن بر مهربانى دو جانبه و مواسات با نيازمندان با يك ديگر سعى كنند. آن چنان باشيد كه خدا دستور داده «رُحَماءُ بَيْنَهُمْ» با همديگر مهربان باشيد، و نسبت به امور ديگران كه نتوانسته‏ايد به يارى آنان بشتابيد. اندوهگين باشيد، مانند انصار كه در زمان رسول اللّه (ص) غمخوار يك ديگر و مهاجرين بودند.

٣- امام صادق (ع) فرمود : پيغمبر (ص) فرموده است : شش خصلت است كه در هر كس باشد در برابر خدا و نزديك او باشد. ابن ابى يعفور گفت : قربانت گردم آنها كدامند؟ فرمود : مسلمان آنچه را كه براى عزيزترين افراد خانواده‏اش دوست مى‏دارد، براى برادر مسلمانش نيز دوست بدارد، و آنچه را كه براى آنان نمى‏پسندد، براى برادر مسلمان نيز نپسندد، و با او دوستى صميمانه داشته باشد، تا اين كه فرمود : وقتى در دوستى به اين حدّ برسد آنچه كه در دل دارد برايش توضيح دهد، و با شادى او شاد و با اندوه وى غمناك شود، و اگر توانايى انجام كارى را براى او دارد انجام دهد، و گر نه برايش دعا كند، تا اين كه گفت :

پيغمبر (ص) فرمود : خدا را جانب راست عرش بندگانى در برابرش دارد كه رخسارشان سفيدتر از برف و روشنتر از آفتاب است، شخصى مى‏پرسد آنها كيستند؟ گفته مى‏شود، آنها كسانى هستند كه براى عظمت خدا همديگر را دوست داشتند. ٤- امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان، و چشم، و آينه و راهنماى اوست، نسبت به او خيانت نمى‏كند، نيرنگ نمى‏زند، و ستم روا نمى‏دارد، به او دروغ نمى‏گويد، و غيبتش نمى‏كند.

٥- امام باقر (ع) فرمود : از جمله حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش اين است كه در وقت گرسنگى او را سير كند، عورتش را بپوشاند، از گرفتاريها نجاتش دهد، قرضش را ادا نمايد، و چون بميرد نسبت به خانواده و فرزندانش از طرف او جانشينى كند، (يعنى نسبت به آنها محبّت نمايد)

٦- امام صادق (ع) فرمود : مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنماى اوست، نسبت به او خيانت نمى‏كند، ستم روا نمى‏دارد، و گولش نمى‏زند، و اگر وعده داد خلف وعده نمى‏كند.

٧- معلىّ بن خنيس گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : حقّ مسلمان بر مسلمان چيست؟ فرمود : براى او هفت حقّ واجب است كه همه آنها بر عهده برادرش است و اگر برخى از آنها را ضايع كند از دوستى و اطاعت خدا خارج مى‏شود، و براى او (در اطاعت و بندگى خدا) بهره‏اى نيست، عرض كردم : فدايت شوم.

آنها كدامند؟ فرمود : اى معلّى، ترا دوست دارم، و مى‏ترسم كه نتوانى حفظ و مراعات كنى، و بدانى ولى عمل نكنى، گفتم «لا قُوّةَ إِلّا بِاللّهِ» نيرويى جز از خدا نيست، فرمود : آسانترين حقوق اين است كه آنچه را براى خودت دوست مى‏دارى براى او هم دوست داشته باش، و آنچه براى خود نمى‏پسندى براى او نيز نپسندى. و حقّ دوّم : اين كه از غضب او دورى و از رضايتش پيروى كنى و فرمانبردار امر او باشى.

سوم : اين كه با جان، مال، زبان، و دست و قدمت او را يارى كنى.

چهارم : اين كه چشم، و راهنما و آينه او باشى.

پنجم : اين كه تو سير نباشى و او گرسنه، تو سيراب نباشى و او تشنه، تو پوشيده نباشى و او برهنه.

ششم : اين كه اگر خدمتگزار دارى و برادرت ندارد، بر تو واجب است خدمتگزارت را بفرستى تا لباسهاى او را بشويد، و غذايش را آماده كند، و بسترش را

مرتّب نمايد. هفتم : اين كه سوگندش را تصديق كنى، دعوتش را بپذيرى، در وقت بيمارى از او عيادت كنى، و بر جنازه‏اش حاضر شوى، و چون بدانى حاجتى دارد در انجام حاجتش پيشدستى كنى تا او را مجبور نكنى كه از تو حاجت بخواهد بلكه خودت پيشدستى كنى چون اينها را انجام دادى دوستى خود را به دوستى او و دوستى او را به دوستى خود پيوند داده‏اى.

٨- امام صادق (ع) فرمود : از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان اين است كه او سير نباشد و برادرش گرسنه، و او سيراب و برادرش تشنه و او پوشيده و برادرش برهنه. چه بزرگ است حق مسلمان بر برادر مسلمانش و فرمود : آنچه براى خود مى‏پسندى براى برادر مسلمانت نيز بپسند، اگر نيازمند شدى از او يارى بخواه، و اگر وى از تو چيزى خواست به او عطا كن، نسبت به خيرى نبايد از او دلگير شوى، و نه او از تو ملول گردد، تو پشتيبان او باش و او پشتيبان تو باشد، و چون غايب شود در غيبتش او را نگهدار، و چون حاضر شود از او ديدن كن و تجليل و اكرامش نما، زيرا او از تو و تو از او هستى، اگر تو را نكوهش كرد از او جدا نشوى تا كينه از دلش بزدايى، اگر خيرى به او رسيد خدا را شكر كن، و اگر گرفتارى برايش پيش آمد كمكش كن، و اگر فريبش دادند او را يارى كن، هر گاه مردى به برادرش «افّ» (واى بر تو) بگويد. دوستى بين آنها قطع مى‏شود، و چون بگويد تو دشمن منى، يكى از آن دو كافر مى‏شود، و چون برادرش را متّهم كند، ايمان در قلبش همانند نمك در آب ذوب مى‏شود.

٩- امام صادق (ع) فرمود : از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان اين است. كه چون او را ببيند سلامش كند، و چون بيمار شود عيادت نمايد، چون غايب گردد خيرخواهش باشد، چون عطسه نمايد دعايش كند (يرحمك اللّه) بگويد اگر دعوتش كرد قبول نمايد و چون بميرد او را تشييع كند.

١٠- ابو ميمون حارثى گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : حقّ مؤمن بر مؤمن چيست؟ فرمود : از جمله حقّ مؤمن بر مؤمن، دوستى قلبى و مواسات مالى است، و اين كه به جاى او از خانواده‏اش سرپرستى كند و اين كه در برابر ظالم وى را يارى نمايد، و اگر در بين مسلمانان «از غنيمت و يا بخشش» نصيبى دارد و او غايب است سهمش را براى او دريافت كند، و چون بميرد به زيارت قبرش رود، و به او ستم روا ندارد، فريبش ندهد، خيانت نكند، خوارش نسازد، تكذيبش ننمايد، و به او «افّ» (واى بر تو) نگويد. و چون به او «افّ» گويد دوستى ميان آنها نباشد، و چون بگويد تو دشمن منى، يكى از آنها كافر مى‏شود، و اگر او را متّهم كند، ايمان در قلبش آب مى‏شود همانند نمك كه در آب حلّ مى‏شود.

١١- معلى بن خنيس مى‏گويد : از امام صادق (ع) در مورد حقّ مؤمن پرسيدم، فرمود : هفتاد حقّ است، فقط هفت حقّ را به تو مى‏گويم، زيرا به تو مهربانم، و مى‏ترسم نتوانى تحمّل كنى، عرض كردم : چرا؟ ان شاء اللّه، فرمود : از جمله حقوق مؤمن، اين كه تو سير نباشى و او گرسنه، و پوشيده نباشى و او برهنه، و براى او راهنما باشى، و به منزله پيراهنى كه عيوب او را مى‏پوشاند، زبان گوياى او باشى، آنچه كه براى خودت دوست دارى براى او نيز بخواهى و اگر خدمتگزار دارى، براى مرتّب نمودن فرش و بسترش پيش او بفرستى، و در رفع نياز او شب و روز كوشش نمايى، وقتى كه اين كارها را انجام دادى، دوستى خودت را به محبّت ما رسانيده‏اى و دوستى ما را به دوستى خدا پيوند دادى.

١٢- على (ع) در وصيتش به محمد بن حنفيّه فرمود : هرگز حقّ برادرت را به خاطر اعتمادى كه ميان شما هست ضايع مكن، زيرا كسى كه حقش را ضايع‏ كردى برادرت نيست.

١٣- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : مؤمن براى خدا در ذمّه مؤمن هفت حق واجب دارد، محترم داشتن او در غيابش، دوستى با او از ژرفاى دل، و مواسات با او در مال خود، و اين كه غيبت او را حرام بداند، و هنگام بيمارى عيادتش كند، جنازه‏اش را تشييع كند، و پس از مرگ جز خوبى او را نگويد.

١٤- ابراهيم بن عباس گويد : هرگز امام رضا (ع) را نديدم كسى را با سخنى آزار دهد، و حرف كسى را پيش از تمام شدن سخنش قطع كند، و در صورت توانايى حاجت كسى را رد نمى‏نمود و در حضور همنشينانش هرگز پاى خود را دراز نمى‏كرد و به چيزى تكيه نمى‏داد، هيچ وقت نديدم كه به خدمه و غلامانش ناسزا گويد، هيچ گاه نديدم كه وى تنش را بخاراند و بلند بخندد، بلكه خنده‏اش تبسّم بود.

١٥- داود بن حفص گويد : در حضور امام صادق (ع) بوديم : چون عطسه فرمود، اراده كرديم كه او را دعا كنيم (يرحمك اللّه بگوئيم)، خودش فرمود : چرا «يرحمك اللّه» نگفتيد؟ همانا از جمله حق مؤمن بر برادرش چهار خصلت است، چون عطسه كرد او را دعا كند «يرحمك اللّه» گويد، اگر دعوت كرد بپذيرد، و اگر بيمار شد عيادتش كند، و چون بميرد جنازه‏اش را تشييع نمايد.

١٦- ابان بن تغلب گويد : با امام صادق (ع) طواف مى‏كردم، يكى از دوستانم را ديدم، و از من خواست همراه او بروم كه حاجتى دارد. او به من اشاره كرد و امام صادق (ع) او را ديد، و به من فرمود : اى ابان آن شخص ترا مى‏خواهد؟ گفتم : آرى، فرمود : او نيز عقيده ترا دارد، «يعنى شيعه است» گفتم :

آرى، فرمود : طوافت را قطع كن و با او برو، عرض كردم : اگر طواف واجب هم باشد، فرمود : بلى. ابان گويد : با دوستم رفتم. پس از آن به خدمت حضرت رسيدم، و از حقّ مؤمن پرسيدم، فرمود : اين موضوع را كنار بگذار و از من مخواه سپس همواره تكرار كردم و به اصرار نمودم، تا فرمود : اى ابان نيمى از مالت را به او مى‏دهى، سپس به من نگريست، و چون ديد چه حالى به من دست داده است فرمود : اى ابان آيا نمى‏دانى كه خداوند از ايثارگران ياد نموده است؟ گفتم : چرا؟ فرمود : چون تو نيمى از مالت را به او دهى وى را بر خود ترجيح نداده‏اى زمانى او را بر خود ترجيح داده‏اى كه از نصف ديگر هم به او بدهى.

١٧- امام صادق (ع) فرمود : چه زشت است براى مرد كه برادرش حقّ او را بشناسد- و رعايت نمايد- ولى او حقّ برادرش را نشناسد.

١٨- در حديث مرفوعه‏اى، پيغمبر (ص) فرمود : مؤمن آينه برادر مؤمنش است، پليديها را از او دور مى‏كند.

١٩- امام باقر (ع) فرمود : برادر مسلمانت را دوست بدار، آنچه براى خودت دوست دارى براى او نيز بخواه، و آنچه براى خود نمى‏پسندى براى او نيز مپسند، چون نيازمند شدى از او بخواه، و اگر او از تو چيزى درخواست كرد به او بده، هيچ خيرى را از او پنهان مدار كه او نيز خيرى را از تو نهفته ندارد، پشتيبان او باش تا او نيز پشتيبان تو باشد، و چون غايب شد در غيبتش حقّ را رعايت كن، و اگر حاضر شود با او ديدار نموده و تجليل و احترامش كن، زيرا تو از او و او از توست، و اگر بر تو نكوهش كرد، از او جدا نشوى تا اين كه از كينه دلش كاسته شود، اگر خيرى به او برسد، خدا را سپاسگزارى كن. چون گرفتار شد كمكش كن و حقّش را نيز به گردن گير.

٢٠- امام صادق (ع) فرمود : هر كه حقّ مؤمن را رعايت نكند، خداوند روز رستاخيز او را صد سال روى پا نگه مى‏دارد تا از عرقش سيلى در بيابان جارى گردد، سپس از طرف خداى عزّ و جل منادى فرياد زند، اين همان ستمگرى است كه حقّ خدا را نزد خود حبس نموده، سپس فرمود : پس از چهل سال توبيخ دستور داده مى‏شود كه او را به سوى آتش دوزخ ببرند.

٢١- على (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : پسنديده است كه هر مسلمان شش كار را در حق برادرش انجام دهد :

١- وقتى كه او را ديد سلام كند. ٢- چون مريض شد عيادتش نمايد. ٣- وقتى عطسه كرد دعايش كند (يرحمك اللّه) بگويد. ٤- پس از مرگ بر جنازه‏اش حاضر شود. ٥- اگر او را دعوت كرد اجابت نمايد. ٦- آنچه كه براى خود مى‏پسندد براى او نيز بپسندد، و آنچه كه براى خودش دوست ندارد براى او نيز روا ندارد.

٢٢- محمّد بن مسلم گويد : شخصى از جبل عامل پيش من آمد و با او به خدمت امام صادق (ع) رسيديم در وقت خداحافظى از امام تقاضا كرد كه او را نصيحت فرمايد، حضرت فرمود : سفارش مى‏كنم ترا به تقواى الهى و نيكى به برادر مسلمانت، دوست بدار براى برادرت آنچه را كه براى خودت دوست مى‏دارى، و آنچه كه براى خود نمى‏پسندى براى او نيز مپسند، اگر از تو چيزى خواست به او بده، و اگر چيزى را از تو منع كرد تو از او بخواه، نسبت به خيرى از او دلگير مباش، تا او نيز ترا ملول نسازد، يار و ياور او باش، تا او نيز ياور تو باشد، اگر بر تو خشمگين شد از او دورى مجوى تا كينه از دلش بيرون كنى، اگر غايب شد در غيابش حقّ او را رعايت، و چون حاضر شد كمكش كن و بازويش را بگير،

و در حقّش مساعدت نموده و اكرامش كن، زيرا او از تو و تو از او مى‏باشى.

٢٣- على (ع) فرمود : شش خصلت است كه در هر كس باشد در نزد خدا مقرّب و داراى منزلت است، خداوند مسلمانى را دوست دارد كه آنچه را براى خودش دوست دارد براى برادرش نيز دوست بدارد، و هر چه كه بر خود نمى‏پسندد بر او نيز نپسندد، دوستانه او را نصيحت كند. فضيلت و برترى مرا بشناسد، و از من پيروى كند، و نتيجه كار مرا در نظر داشته باشد.

٢٤- على (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر مسلمانى بر ذمّه برادر مسلمانش سى حق دارد، ذمّه‏اش از آنها برى نمى‏شود مگر اين كه آن حقوق را ادا كند يا برادرش از او درگذرد، (آن حقوق عبارتند) از لغزش او چشم بپوشد، به اشك چشمش شفقت آرد، عيبش را بپوشاند، لغزشش را ناديده بگيرد، عذرش را بپذيرد، اگر كسى غيبت او را كرد از او دفاع كند، همواره خير خواهش باشد، دوستى و محبّت او را حفظ كند، عهد و پيمانش را مراعات نمايد در موقع بيمارى عيادتش كند، در تشييع جنازه‏اش حاضر شود، دعوتش را بپذيرد، هديه‏اش را قبول كند، و آن را جبران نمايد، نعمتش را سپاسگزار باشد، با بهترين وجه او را يارى دهد، زن و بچه او را محافظت كند، حاجتش را روا كند، در انجام خواسته‏اش كوشش نمايد، موقع عطسه كردن «يرحمك اللّه» بگويد، راهنماى گمشده‏اش باشد، و به سلامش پاسخ دهد، كلامش را خوب تلقى كند، بخشش او را ارج نهد، سوگندهايش را تصديق نمايد، دوست او را دوست داشته باشد و با وى دشمنى نكند، اگر ظالم و يا مظلوم واقع شد او را يارى كند، امّا يارى نمودن در حال ستمگرى او را از ستم كردن باز دارد، و اما يارى دادن در حال مظلوميت در باز پس گرفتن حقّش به او كمك نمايد، گرفتارش نكند، خوارش ندارد، آنچه كه از خير براى خودش مى‏خواهد براى او نيز بخواهد، و آنچه كه از بديها براى خودش نمى‏پسندد براى او نيز نپسندد، سپس فرمود : از پيغمبر (ص) شنيدم كه مى‏فرمود : هر يك از شما اگر چيزى از حقوق برادرش را به جا نياورد، روز قيامت از او مطالبه و بر نفع و يا ضرر او حكم خواهد شد. ٢٥- امام صادق (ع) از اجدادش نقل كرده كه پيغمبر (ص) آنها را بر انجام هفت چيز دستور داده و از انجام هفت چيز نهى فرموده است : آنها را به عيادت بيماران، تشييع جنازه، تصديق و امضاى سوگند، دعا براى عطسه‏كننده، يارى مظلوم، آشكار كردن سلام، و اجابت دعوت امر فرموده است.

١٢٣- باب تأكيد استحباب رعايت حقّ عالم‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : كه على (ع) مى‏فرمود : از حقوق دانشمند است كه بيش از حد از او سؤال نكنى براى پاسخ گرفتن از او از جامه‏اش نگيرى، چون بر او وارد شدى و گروهى در نزد او بودند به همه آنها سلام كن و بر او جداگانه سلام كن و در برابر او بنشين نه در پشت سرش، با دست و چشمت به او اشاره مكن، در مخالفت با گفتارش زياد نگو كه فلانى اين طور گفته و فلانى اين جور، و از بسيار نشستن با او خسته مشو، زيرا دانشمند مانند درخت خرماست، منتظر باش تا در موقعش از وجود او بهره‏مند گردى، چون اجر عالم بيشتر است از كسانى كه روزها روزه دارند و شبها به عبادت بر پا ايستند و در راه خدا جهاد كنند.

٢- على (ع) فرمود : از جمله حقوق عالم است كه زياد از او سؤال نكنى و در پاسخ بر او پيشى نگيرى، و چون رو گرداند اصرار نورزى، چون خسته شد براى‏

پاسخ گرفتن از جامه‏اش نگيرى، با دست و چشم به او اشاره نكنى، در مجلس با او در گوشى صحبت نكنى، از عيوب او جستجو نكنى و نگويى كه فلانى بر خلاف گفتار شما اين طور گفته، راز او را آشكار نكنى، پيش او از كسى غيبت ننمايى، در غياب و حضور احترام او را نگه دارى، چون به مجلس وارد شدى به همه سلام كن و به وى جداگانه سلام كن. موقع نشستن در پيش رويش بنشين. اگر نيازمند شد در برآوردن حاجتش از ديگران سبقت بگير و از بسيار نشستن با او خسته مشو، زيرا دانشمند همانند درخت خرماست منتظر باش تا بموقع از ميوه دانش او بهره‏مند گردى، عالم به منزله كسى است كه روز روزه‏دار باشد و شب به عبادت قيام نمايد و در راه خدا جهاد كند و چون عالمى بميرد، در اسلام شكافى پديد آيد كه تا روز قيامت مسدود نمى‏گردد، و دانشجوى علوم دينى را هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرّب عالم بالا بدرقه مى‏كنند.

## ١٢٤- باب استحباب لطف و محبّت و به ديدار همديگر رفتن‏

١- شعيب عقرقوفى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه به يارانش مى‏فرمود :

از خدا پروا كنيد، برادرانى خوشرفتار باشيد، در راه خدا با يك ديگر دوستى ورزيد، و با يك ديگر مهر ورزيده و رابطه داشته باشيد، به ملاقات يك ديگر برويد، و در باره امر (ولايت) ما با هم مذاكره كنيد و آن را زنده داريد.

٢- امام صادق (ع) فرمود : شايسته است مسلمانان در پيوستن به همديگر، و يارى بر مهرورزيدن به هم، و مواسات با نيازمندان، و رأفت نسبت به يك ديگر كوشا باشند، تا چنان باشند كه خداى عز و جل فرموده «رُحَماءُ بَيْنَهُمْ» مؤمنان‏

با يك ديگر مهر ورزند و نسبت به امرى كه مربوط به آنهاست و از بين رفته اندوهگين باشند، همان گونه كه گروه انصار در زمان رسول اللّه (ص) بودند.

٣- امام صادق (ع) فرمود : با يك ديگر پيوند خوشرفتارى و محبّت داشته باشيد، و برادرانى نيكو كار باشيد آن چنان كه خداى عزّ و جلّ به شما امر فرموده است.

٤- عبد اللّه بن يحيى كاهلى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

با يك ديگر پيوند خوشرفتارى و مهربانى و عطوفت داشته باشيد.

٥- امام باقر (ع) فرمود : خداوند بيامرزد كسى را كه بين دو دوست ما الفت برقرار كند، اى گروه مؤمنان به يك ديگر مهر و محبّت ورزيد.

٦- على (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : همانا خداى عزّ و جلّ مهربان است. و هر مهربانى را دوست مى‏دارد.

## ١٢٥- باب استحباب پذيرش عذر

 ١- امام صادق (ع) از اجدادش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) در وصيّتش به على (ع) فرموده : يا على هر كه عذر عذرخواهى را نپذيرد چه راست يا دروغ، به شفاعت من نمى‏رسد.

٢- علىّ (ع) در وصيّتش به محمّد بن حنفيه فرمود : در اثر شكّ و گمان پيوندت را از برادر خود قطع نكن، و بدون رضايت وى از او قطع رابطه مكن، شايد عذرى دارد و تو وى را سرزنش مى‏كنى، هر كه پوزش خواست عذرش را بپذير، چه راست يا دروغ، تا به شفاعت نايل گردى،

٣- على بن حسين (ع) به فرزندش فرمود : اگر كسى در سمت راست تو بايستد و ترا دشنام دهد آنگاه به سمت چپ تو آيد و عذرخواهى كند عذرش را بپذير.

## ١٢٦- باب استحباب سلام كردن و مصافحه در وقت ملاقات ..

١- ابو عبيده گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : چون دو مؤمن به هم برسند و دست بدهند خدا به آنها توجه كرده و گناهان از چهره آنها بريزد تا از يك ديگر جدا شوند.

٢- امام باقر (ع) فرمود : چون دو نفر مؤمن به هم برسند و مصافحه كنند، خداوند به آنها رو كند و گناهانشان مانند برگ درخت بريزد.

٣- زراره گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : مؤمن به وصف درنمى‏آيد، زيرا مؤمن وقتى كه با برادرش ديدار و مصافحه كند، خداوند همواره به آنها توجّه كند، و گناهان از رخسارشان مانند برگ درخت بريزد.

٤- رفاعه گويد : از امام باقر (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : مصافحه كردن مؤمن از مصافحه ملائكه برتر است.

٥- امام صادق (ع) فرمود : مصافحه كنيد، زيرا مصافحه كينه را از بين مى‏برد.

٦- امام باقر (ع) فرمود : چون دو مؤمن به هم رسند و مصافحه نمايند، خدا دستش را در ميان دست آنها گذارد، و با آن كه محبتش نسبت به رفيقش زيادتر است مصافحه كند.

حديث ٧ مانند حديث ٦ است و در ذيل حديث ٧ (چنين آمده است) : چون خداوند به آنان توجّه كند. گناهانشان مانند برگ درخت بريزد.

٨- امام باقر (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : چون يكى از شما برادر خود را ملاقات كند، بايد به او سلام كند و مصافحه نمايد، زيرا خداى عز و جل بدين عمل فرشتگان را گرامى داشته است، پس شما نيز عمل فرشتگان را انجام دهيد.

٩- امام باقر (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : چون با يك ديگر ملاقات كرديد با سلام و مصافحه ملاقات كنيد، و چون از يك ديگر جدا شويد با طلب آمرزش جدا شويد.

١٠- امام صادق (ع) فرمود : پيغمبر (ص) با حذيفه ملاقات و دست مباركش را براى مصافحه دراز كرد حذيفه دستش را عقب كشيد، پيغمبر (ص) فرمود : اى حذيفه من دستم را به سوى تو دراز كردم و تو دست خود را عقب كشيدى؟ حذيفه عرض كرد : يا رسول اللّه به دست مباركت رغبت دارم ولى من جنب بودم و دوست ندارم دستم با جنابت به دست شما برسد. حضرت فرمود : مگر نميدانى كه چون دو مسلمان با هم ملاقات و مصافحه كنند گناهانشان مانند برگ درخت مى‏ريزد.

١١- امام صادق (ع) در حديثى فرمود : قدر و منزلت مؤمن اندازه ندارد، چون مؤمن هر گاه برادرش را ملاقات و با او مصافحه كند خداوند به آنان توجّه نمايد و گناهان از چهره‏شان فرو مى‏ريزد، همچنان كه باد شديد برگ را از درخت مى‏ريزد، تا اين كه از هم جدا شوند.

١٢- امام صادق (ع) فرمود : پاداش شما در مصافحه كردن همانند پاداش جهادگران است.

١٣- امام باقر (ع) فرمود : چون دو مؤمن با هم مصافحه كنند، از هم جدا مى‏شوند بى‏آنكه گناهى برايشان باقى بماند.

١٤- امام صادق (ع) فرمود : در گفتگوى ابراهيم (ع) با شخصى چنين آمده است، كه ابراهيم برخاست و با او معانقه كرد. وقتى خداوند پيغمبر (ص) را مبعوث فرمود، مصافحه را مستحبّ گردانيد.

١٥- امام باقر (ع) فرمود : نخستين دو نفرى كه در روى زمين با هم مصافحه كردند ذو القرنين و ابراهيم خليل بود، ابراهيم خليل ذو القرنين را استقبال و با وى مصافحه نمود، و نخستين درخت در روى زمين درخت خرما بود.

(متن حديث ١٦- با حديث ٩ يكى است به حديث ٩ مراجعه شود.)

١٧- مالك بن اعين جهنى گويد كه امام صادق (ع) به من فرمود : به خدا سوگند شما پيروان ما هستيد، تا آن جا كه فرمود : كسى نمى‏تواند حق مؤمن را توصيف كند و حقوق واجب برادرش را ادا نمايد. اى مالك، به خدا قسم وقتى كه مؤمنان با يك ديگر ملاقات و مصافحه كنند، خداوند همواره به آنان نظر محبّت و آمرزش دارد، و پيش از آن كه از هم جدا شوند گناهان از چهره‏ها و اعضايشان مى‏ريزد پس چه كسى مى‏تواند خدا و مؤمنى را كه در پيشگاه خدا چنين مقامى دارد توصيف نمايد؟

١٨- امام صادق (ع) فرمود : مصافحه مؤمن هزار حسنه دارد.

## ١٢٧- باب استحباب مصافحه و حدود و چگونگى آن‏

 ١- هشام بن سالم گويد : از امام صادق (ع) حدّ مصافحه را پرسيدم : فرمود :

به اندازه گردش دور درخت خرماست (يعنى اگر به اندازه گردش دور درخت خرما از يك ديگر جدا شوند مستحب است كه با يك ديگر مصافحه كنند).

٢- ابو عبيده گويد : من در يك كجاوه با امام صادق (ع) بودم، اوّل من سوار مركب مى‏شدم سپس آن حضرت، وقتى كه قرار مى‏گرفتيم، حضرت به من سلام مى‏كرد و مانند مردى كه رفيق خود را بتازگى نديده، احوال پرسى و مصافحه مى‏كرد، و در وقت پياده شدن او پيش از من پياده مى‏شد و چون بر زمين قرار مى‏گرفتيم، سلام مى‏كرد. و همانند كسى كه رفيقش را بتازگى نديده احوال پرسى مى‏نمود. عرض كردم يا ابن رسول اللّه شما كارى مى‏كنيد كه هيچ كس از مردم نزد ما نمى‏كند، و اگر يك بار هم انجام دهد زياد است، فرمود : مگر ثواب مصافحه را نمى‏دانى؟ چون دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمايند، گناهانشان همواره مانند برگ درخت فرو مى‏ريزد، و خداوند به آنها توجّه مى‏كند تا از يك ديگر جدا شوند.

٣- ابو عبيده حذّاء گويد : از مدينه تا مكّه در يك طرف كجاوه همراه امام صادق (ع) بودم، حضرت در بين راه پياده شد و كارش را انجام داد و برگشت فرمود : دستت را بده، دستم را دراز كردم، حضرت چنان فشرد كه در انگشتانم فشار را احساس كردم، سپس فرمود : اى ابا عبيده، هر مسلمانى كه برادر مسلمانش را ملاقات و با وى مصافحه كند و انگشتان خود را با انگشتان او درهم كند گناهانشان همانند برگ درختان در فصل زمستان بريزد.

٤- ابو حمزه گويد : هم كجاوه امام باقر (ع) بودم، چون بار به زمين گذاشتيم، حضرت كمى راه رفت و سپس آمد و دست مرا گرفت و به گرمى فشرد. عرض كردم فدايت شوم، مگر در كجاوه همراه شما نبودم، فرمود : مگر نمى‏دانى كه چون مؤمن گردشى كند و سپس به برادرش دست دهد، خداوند همواره به آنان نظر مرحمت و توجّه نمايد، و به گناهان فرمايد از آنها فرو ريزيد. اى ابا حمزه، سپس گناهان مانند برگ درخت فرو ريزد، و آنها پاك و بى‏گناه از يك ديگر جدا شوند.

٥- امام باقر (ع) فرمود : براى مؤمنان سزاوار است كه چون يكى از آنها از رفيقش به فاصله درختى نهان و غايب شد و سپس به هم رسيدند مصافحه كنند.

٦- امام صادق (ع) فرمود : مسلمانان همراه رسول اللّه به جنگ مى‏رفتند، و از جايى كه پر از درخت بود عبور كردند، چون به فضاى آزاد رسيدند، به يك ديگر نگريستند و مصافحه كردند.

٧- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) در حديث مناهى، از مصافحه با ذمّى نهى فرموده است.

٨- در حديث اربعمائة علىّ (ع) فرمود : چون با برادرانتان ديدار نماييد، مصافحه كنيد، و خوشرويى نشان دهيد، از يك ديگر كه جدا مى‏شويد گناهى برايتان باقى نمى‏ماند. حتى با دشمنت مصافحه كن گر چه او نخواهد، زيرا مصافحه از كارهايى است كه خدا بندگانش را به آن دستور داده، و مى‏فرمايد :

«اى رسول ما، تو آزار و بديهاى امّت را به وجه احسن پاسخ بده» .

## ١٢٨- باب آداب استقبال و بدرقه مسافر

١- امام حسن عسكرى (ع) فرمود : چون جعفر بن ابى طالب از حبشه برگشت پيغمبر (ص) به سويش شتافت و به اندازه دوازده قدم از او استقبال فرمود، او را در آغوش گرفت و پيشانى‏اش را بوسيد و با ديدن او اشك شادى ريخت.

٢- پيغمبر (ص) فرمود : از جمله حقوق مهمان بر صاحب خانه اين است كه وى را تا در منزل همراهى و بدرقه كند.

٣- اسحق بن عمّار گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم كسى براى تعظيم ديگرى از جايش برمى‏خيزد، فرمود : مكروه است مگر براى مردى كه به خاطر دينش برپا خيزد.

٤- طبرسى در مكارم الاخلاق ذكر نموده كه مردى در مسجد بر پيغمبر (ص) وارد شد و او تنها نشسته بود، حضرت كنار رفت (برايش جا باز كرد) و فرمود : از جمله حقّ مسلمان بر مسلمان اين است كه چون قصد نشستن كند كنار رود (او را جاى دهد) ٥- در روايت هست كه پيغمبر (ص) فرمود : هر كه دوست داشته باشد كه مردم به احترامش بر پا خيزند جايگاهش پر از آتش مى‏شود.

٦- حضرت [صادق (ع)] فرموده : مانند عجمها براى يك ديگر بر پا نخيزيد، ولى براى احترام از جا تكان خوردن عيب ندارد. (جا دادن به او)

## ١٢٩- باب حكم كرنش بر بزرگان از قبيل بوسيدن فرش، بر پا خاستن و جلوى آنها دويدن و غيره‏

 ١- صفوان بن يحيى گويد كه ابو قره رفيق جاثليق از من تقاضا كرد كه او را پيش حضرت رضا (ع) ببرم، از امام (ع) اجازه خواستم، فرمود : او را پيش من بيار، و چون ابو قرّه بر آن حضرت وارد شد فرشش را بوسيد و گفت : وظيفه دينى ما اين است كه نسبت به بزرگان زمانمان اين گونه تعظيم نماييم.

٢- سيد رضى در نهج البلاغه گويد : در مسير حضرت على (ع) به شام كدخدايان و بزرگان انبار (اسم محلى است) با آن حضرت ديدار كردند و به احترامش پياده شدند (و در پيش ركابش) دويدند، فرمود : اين چه كارى بود كه شما كرديد؟ گفتند اين از آداب ماست كه بدين وسيله فرماندهانمان را تعظيم مى‏كنيم، فرمود : سوگند به خدا حكمرانان شما از اين كار سودى نمى‏برند، و شما هم با اين كار به زحمت مى‏افتيد و در آخرت هم باعث مشقّت شماست، چه زيان آور است رنجى كه كيفر به دنبالش باشد، و چه سودمند است رها كردن كارى آنگاه كه ايمنى از آتش را به دنبال داشته باشد.

## ١٣٠- باب تحريم گماشتن دربان براى منع ورود شيعه‏

١- ابو حمزه گويد : به امام باقر (ع) عرض كردم فدايت شوم : چه مى‏فرمايى‏

در مورد مسلمانى كه براى ديدن يا حاجتى نزد مسلمانى برود و او در خانه باشد و اجازه ورود بخواهد، او اجازه ندهد و از خانه هم بيرون نيايد؟ فرمود، اى ابا حمزه، هر مسلمانى كه براى ديدار يا درخواست حاجتى نزد مسلمانى برود كه در خانه است و اجازه ورود بخواهد و او بيرون نيايد، پيوسته به لعنت خدا گرفتار باشد تا همديگر را ملاقات نمايند، عرض كردم : فدايت شوم، در لعنت خداست تا يك ديگر را ديدار كنند؟ فرمود : آرى اى ابا حمزه.

٢- اسحاق بن عمّار گويد : خدمت امام صادق (ع) رسيدم، حضرت با ترشرويى به من نگاه كرد، عرض كردم (يا ابن رسول اللّه) چه چيز حالت شما را نسبت به من دگرگون نموده است؟ فرمود : آنچه كه رفتار ترا نسبت به برادرانت دگرگون ساخته، اى اسحاق به من خبر رسيده كه در خانه‏ات دربان گذاشته‏اى تا فقراى شيعه را راه ندهند، عرض كردم : فدايت شوم من از شهرت ترسيدم، فرمود :

آيا از بلا نترسيدى؟ آيا نميدانى چون دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمايند خداى عزّ و جل بر آنها رحمت فرو مى‏فرستد كه نود و نه درصد رحمت براى كسى است كه محبّتش به رفيقش بيشتر باشد و اگر محبتشان يكسان باشد رحمت خدا پرده‏اى برايشان فرو كشد، و چون به مذاكره نشينند، برخى از فرشتگان محافظ آنها به بعضى ديگر مى‏گويند : از اينها دور شويم شايد رازى داشته باشند كه خدا بر آنها پرده كشيده است، عرض كردم : مگر خداى عزّ و جل نمى‏فرمايد «به گفتارى لب نگشايد جز آن كه نزد او فرشته‏اى مراقب و آماده باشد (٣» فرمود : اى اسحاق اگر محافظان نشنوند، خداوند عالم به رازها مى‏شنود و مى‏بيند.

٣- مفضّل بن عمر گويد : امام صادق (ع) فرمود : هر مؤمنى كه بين او و مؤمن‏

ديگر حجابى باشد، خداوند ميان او و بهشت هفتاد هزار ديوار بلند مى‏كشد كه فاصله بين دو ديوار هزار سال راه باشد.

٤- محمد بن سنان گويد : در خدمت امام رضا (ع) بودم حديثى طولانى ذكر فرمود كه مضمونش اين بود؛ سه نفر از بنى اسرائيل مؤمنى را از وارد شدن بر خود منع كردند و به او اجازه ملاقات ندادند، ولى بعدا با او همراه شدند «چهار نفرى به باغى مى‏رفتند» پس آتشى از آسمان فرود آمد آن سه نفر را سوزاند و مؤمن زنده ماند.

٥- امام رضا (ع) فرمود : مؤمن به منزله برادر مؤمن است كه از يك پدر و مادر باشند هر كه برادرش را متّهم كند ملعون است، و هر كه به او نيرنگ زند ملعون است. و هر كه خير خواه برادرش نباشد ملعون است، و هر كه بين خود و برادرش مانعى ايجاد نمايد و غيبت او كند ملعون است ملعون، ملعون.

## ١٣١- باب استحباب معانقه با مؤمن و همراهى و مذاكره با او

 ١- امام باقر و امام صادق (ع) فرمودند : هر مؤمنى كه براى ديدن برادرش بيرون رود و حقّ او را بشناسد، در برابر هر قدمى كه بردارد خدا حسنه‏اى به او دهد گناهى را از وى بزدايد، و يك درجه او را بالا برد، و چون در خانه‏اش را بكوبد، درهاى آسمان برايش باز شود، و چون با هم ديدار و مصافحه و معانقه نمايند، خداوند به آنان توجّه فرمايد و به وجود آنان نزد فرشتگانش فخر كند، و فرمايد : دو بنده‏ام را بنگريد براى من يك ديگر ملاقات نمودند و با هم دوستى كردند، و بر من سزاست كه پس از اين ديدار و زيارت ديگر آنها را با آتش عذاب نكنم.

٢- امام صادق (ع) فرمود : چون دو مؤمن با يك ديگر معانقه كنند، رحمت خدا آنها را فراگيرد و چون يك ديگر را در آغوش كشند و از آن كار جز رضاى خدا نخواهند و غرض دنيوى نداشته باشند به آنها گفته شود شما آمرزيده شديد عمل را از سر بگيريد (يعنى گناهان سابق شما از بين رفت) و چون براى مذاكره با هم روبرو شوند، برخى از فرشتگان به برخى ديگر گويند. از اينها دور شويد، شايد رازى دارند كه خدا براى آنها پوشيده نگه داشته است.

٣- اسحاق بن عمّار گويد : كه امام صادق (ع) به او فرمود : اى اسحاق از ديدار برادرانت خسته نشو، زيرا هر گاه مؤمن به ديدار برادر مؤمنش برود و به او خوش آمد بگويد خداوند تا روز قيامت براى او مرحبا مى‏نويسد، و چون با او مصافحه كند خداوند براى آنان صد رحمت مى‏فرستد، نود و نه در صد رحمت براى كسى است كه رفيقش را بيشتر دوست دارد، سپس پروردگار به آنان توّجه كند و به آن كه محبّتش نسبت به رفيقش بيشتر باشد بيشتر توجّه نمايد، و چون با هم معانقه كنند رحمت خداوند آنها را فرا گيرد.

## ١٣٢- باب استحباب استفاده رساندن برادران به همديگر در راه خدا

 ١- محمد بن زيد گويد : از امام رضا (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : هر كه در راه خدا به برادرش نفعى برساند در بهشت خانه‏اى به دست مى‏آورد.

٢- امام صادق (ع) به نقل از اجدادش فرمود كه پيغمبر (ص) فرمود : مسلمان از هيچ چيزى بعد از اسلام همانند بهره رساندن به برادر دينى در راه خدا بهره‏مند نمى‏شود آنگاه امام به فضل بن عبد الملك فرمود : اى فضل فقراى شيعيان ما را تحقير نكنيد، زيرا فقير در روز قيامت همانند ربيعه و مضرّ شفاعت مى‏كند، سپس فرمود : اى فضل اين كه مؤمن را مؤمن گفته‏اند براى اين است كه او به خدا ايمان آورده و امان خدا را دريافت داشته، آنگاه فرمود : آيا نشنيده‏اى كه خداوند در باره دشمنانتان مى‏فرمايد : چون در روز قيامت شفاعت كردن يكى از شماها را براى دوستش ببينند، مى‏گويند : «براى ما شفاعت‏كننده و دوستى نزديك و صميمى نيست» .

١٣٣- باب استحباب بوسيدن مؤمنان يك ديگر را، و محل بوسه‏

١- امام موسى كاظم (ع) فرمود : هر كه به خاطر خويشاوندى خويشاوندش را ببوسد عيبى ندارد و جاى بوسيدن برادر «نسبى يا ايمانى» گونه اوست و جاى بوسيدن امام پيشانى او.

٢- امام صادق (ع) فرمود : بوسيدن دهان كسى سزاوار نيست مگر دهان زن، و بچه كوچك.

٣- امام صادق (ع) فرمود : دست و سر كسى نبايد بوسيده شود مگر پيغمبر (ص) يا كسى كه منسوب به پيغمبر (ص) باشد (ائمه (ع)، سادات و علما) ٤- على بن مزيد گويد : خدمت امام صادق (ع) رسيدم و دستش را گرفتم و بوسيدم، حضرت فرمود : به هوش باش كه اين كار جز نسبت به پيغمبر (ص) يا وصىّ پيغمبر شايسته نيست.

٥- يونس بن يعقوب گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم دستت را بده تا ببوسم. حضرت دستش را به من داد، پس عرض كردم قربانت گردم سر مباركت را، حضرت جلو آورد بوسيدم، سپس عرض كردم قربانت گردم پاى مباركت را، حضرت سه بار فرمود : سوگند دهم ترا كه از بوسيدن پا بگذرى و سه بار فرمود : آيا چيزى باقى مانده است. (يعنى بعد از بوسيدن دست و سر عضو ديگرى شايسته بوسيدن نيست)

٦- امام صادق (ع) فرمود : شما شيعيان داراى نورى هستيد كه در جهان با آن شناخته مى‏شويد تا آن جا كه هر گاه يكى از شما برادرش را ملاقات كند جاى نور را در پيشانى او مى‏بوسد.

٧- ابراهيم بن ادريس از پدرش نقل مى‏كند كه پس از رحلت امام حسن عسكرى (ع)، صاحب الزمان (ع) را جوانى نورسته ديدم و دستها و سر مباركش را بوسيدم.

٨- در نامه برادر علىّ بن جعفر است كه از امام موسى كاظم (ع) پرسيدم آيا براى مرد سزاوار است كه مردى يا زنى را ببوسد؟ فرمود : در بوسيدن برادر، پسر، خواهر، دختر و مانند اينها باكى نيست.

## ١٣٤- باب كراهت كرنش براى مردم حتّى امام‏

 ١- امام موسى كاظم (ع) فرمود : مردى براى آن حضرت در حالى كه بر پا ايستاده بود قصه‏اى طولانى نقل كرد، و از طرف مرد كافرى به او سلام رسانيد، سپس گفت سرورم، اگر اجازه فرماييد تعظيمتان كنم و بنشينم، فرمود : براى نشستن اجازه‏ات مى‏دهم ولى براى كرنش نه، آن مرد نشست و گفت سلام ترا به رفيقم برسانم يا نه؟ فرمود : خداوند ان شاء اللّه رفيقت را هدايت كند و اگر او بر دين ما باشد سلام ما بر او باد.

## ١٣٥- باب كراهت مجادله و دشمنى با مردم‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود كه حضرت علىّ (ع) فرموده است : از مجادله و ستيزه‏جويى بپرهيزيد زيرا آنها دلهاى برادران را بيمار كنند و سبب نفاق شوند.

٢- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه خدا را با سه خصلت ملاقات كند (و با اين سه خصلت از دنيا برود) از هر درى كه بخواهد وارد بهشت شود.

١- كسى كه اخلاق نيكو داشته باشد، ٢- در حضور و غياب مردم از خدا بترسد. ٣- مجادله را ترك نمايد گر چه حق با او باشد.

٣- پيغمبر (ص) فرمود : كسى كه خدا را هدف مجادلاتش قرار دهد به تحوّل بيشتر نزديك مى‏شود (از رأيى به رأى ديگر منتقل گردد)

٤- امام صادق (ع) فرمود : با اشخاص بردبار، و نادان مجادله مكن، زيرا حليم ترا دشمن دارد، و سفيه آزارت رساند.

٥- امام صادق (ع) فرمود : از دشمنى با يك ديگر بپرهيزيد زيرا خصومت دل را مشغول كند و موجب نفاق شود و كينه‏ها پديد آورد.

٦- امام زين العابدين (ع) فرمود : واى بر كسانى كه فاسقند و هميشه رياكار، واى بر مردمى كه به آسانى تن به گناه دهند و پيوسته دشمن همديگرند، واى بر مردمى كه گناهكارند و گفتارشان بيشتر در غير ذات پروردگار است.

٧- امام صادق (ع) از اجدادش نقل مى‏كند كه پيغمبر (ص) فرموده است. من خانه‏اى در بالاترين نقطه بهشت و خانه‏اى در وسط آن و خانه‏اى در باغهاى بهشت را ضمانت مى‏كنم براى كسى كه مجادله نكند، گرچه حق با او باشد. (و در روايت ديگر چنين آمده).

٨- براى كسى كه دروغ نگويد گرچه به شوخى، و براى كسى كه خلقش نيكو باشد.

٩- على (ع) فرمود : هر كه آبروى خويش را دوست دارد بايد مجادله و ستيزه‏جويى را رها كند.

## ١٣٦- باب استحباب اجتناب از كينه و عداوت و دشمنى و بغض و ...

 ١- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر وقت كه جبرئيل پيش من مى‏آمد. مى‏گفت اى محمّد از بغض و دشمنى با مردم بپرهيز.

٢- وليد بن صبيح گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : پيغمبر (ص) فرموده است : جبرئيل در هيچ چيزى به اندازه پرهيز از دشمنى با مردم به من سفارش نكرده است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : جبرئيل به پيغمبر (ص) گفت : از مشاجره و ستيزه كردن با مردم بپرهيز.

٤- امام صادق (ع) فرمود : از خصومت با مردم بپرهيزيد زيرا خصومت موجب آزار و غرامت است و عيب نهفته را آشكار سازد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : هر كه تخم عداوت بكارد كاشته خود را درو مى‏كند.

٦- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر وقت كه جبرئيل پيش من مى‏آمد مرا موعظه مى‏كرد، و آخرين سخنش با من اين بود كه از خصومت با مردم بپرهيز، زيرا خصومت عيب نهفته را آشكار مى‏كند و عزّت را از بين مى‏برد.

٧- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : آگاه باشيد در عداوت كردن با يك ديگر تراشيدن و از ريشه بركندن است، مقصودم تراشيدن و بركندن مو نيست، امّا ستردن و بركندن دين است.

٨- امام باقر (ع) به نقل از پدرانش مى‏گويد كه پيغمبر (ص) فرمود : هر كه زياد غصّه خورد بيمار گردد، و هر كه بد اخلاق باشد خودش در عذاب است، و هر كه با مردم مشاجره كند جوانمرديش ساقط مى‏شود، سپس فرمود : همواره جبرئيل مرا از ستيزه كردن با مردم نهى مى‏كرد همچنان كه از شراب خوارى و بت‏پرستى بازمى‏داشت.

٩- امام رضا (ع) به نقل از پدرانش فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است از خصومت با مردم دورى كنيد، زيرا خصومت عيوب نهفته را آشكار مى‏سازد و عزّت را از بين مى‏برد.

## ١٣٧- باب تحريم مكر، حسد، خيانت و نيرنگ‏

١- امام رضا (ع) از اجدادش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) فرموده است هر كه مسلمان باشد مكر و حيله نمى‏كند، از جبرئيل شنيدم كه مى‏گفت مكر و فريب سبب ورود در آتشند سپس فرمود : كسى كه مسلمانى را فريب دهد و به او خيانت ورزد از ما نيست. آنگاه فرمود : جبرئيل از طرف خدا بر من نازل شد و گفت : اى محمد بر تو باد به خوش خويى زيرا بدخويى خير دنيا و آخرت را از بين مى‏برد، آگاه باشيد شبيه‏ترين شما به من خوش‏خلقترين شماست.

٢- علىّ (ع) فرمود : مكر و فريب سبب ورود در آتشند.

٣- امام صادق (ع) از پدرانش نقل كرده است كه پيغمبر (ص) فرمود هر كه با مسلمانى مكر نمايد از ما نيست.

٤- على (ع) فرمود : اگر مكر و نيرنگ سبب ورود در آتش نبودند من مكر انديش‏ ترين مردم بودم.

٥- زاذان گويد : از على (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : اگر اين فرمايش را از پيغمبر (ص) نشنيده بودم كه مى‏فرمود مكر، نيرنگ، خيانت، سبب ورود در آتشند، مكر من از تمام اعراب بيشتر بود.

٦- عبد الرحمن بن ابى نجران گويد : از امام باقر (ع) در باره معناى آيه‏

وَ لا تَتَمَنّوْا ما فَضّلَ اللّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلى‏ بَعْضٍ پرسيدم، آرزو مبريد بر آنچه كه خداوند فزونى نهاد برخى از شما را بر بعضى ديگر، فرمود : هرگز كسى آرزوى تصاحب زن يا دختر شخص ديگر را نبايد داشته باشد، ولى آرزوى داشتن مانند آنها عيبى ندارد.

آداب معاشرت از ديدگاه معصومان عليهم السلام ١٨٦ ١٤١ - باب جواز دروغ در اصلاح بين مردم و عدم جواز راستگويى در فساد

## ١٣٨- باب تحريم دروغ‏

 ١- امام باقر (ع) فرمود : نخستين كسى كه دروغگو را تكذيب مى‏كند خداى عزّ و جلّ است، سپس دو فرشته‏اى كه با خود شخص همراهند، سپس خود شخص نيز مى‏داند كه دروغگوست.

٢- عمر بن يزيد گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : دروغگو با برهانهاى روشن هلاك مى‏گردد، و پيروانش به وسيله شبهات، (يعنى شبهاتى كه به وسيله دروغ او به وجود آمده است) ٣- امام باقر (ع) فرمود : خداوند براى پليديها قفلهايى قرار داده و شراب را كليد آنها قرار داده، و دروغ بدتر از شراب است.

٤- امام باقر (ع) فرمود : دروغ ويرانگر ايمان است.

٥- امام صادق (ع) فرمود : كه عيسى بن مريم چنين گفته است، هر كه دروغش زياد شود، آبرويش برود.

٦- على (ع) فرمود : براى مرد مسلمان سزاوار است كه از دوستى و رفاقت‏

دروغگو پرهيز كند، زيرا او آن قدر دروغ گويد كه اگر راست هم بگويد كسى آن را باور نكند. ٧- زراره گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : از جمله چيزهايى كه خداوند به وسيله آن به دروغگويان كمك كرده است فراموشى است (يعنى دروغگو فراموشكار است) ٨- ابو اسحاق خراسانى گويد علىّ (ع) مى‏فرمود : از دروغ بپرهيزيد، چون هر شخص اميدوار، جوينده است، و هر بيمناكى گريزان «از واقعيّت» است.

٩- عبد الرحمن بن حجّاج گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : آيا دروغگو كسى است كه در مورد موضوعى دروغ بگويد؟ فرمود : نه، زيرا كسى نيست كه اين عمل از او سر نزند، ولى مقصود آن شخصى است كه به دروغگويى عادت كرده است.

١٠- ابو بصير گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : همانا بنده خدا دروغ گويد تا آن جا كه از دروغگويان به شمار آيد، وقتى كه دروغ گفت خداى عزّ و جل مى‏فرمايد : دروغ گفت و از حق دور شد.

١١- امام رضا (ع) فرمود : از پيغمبر (ص) سؤال شد. ممكن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود : آرى، عرض شد آيا بخيل مى‏شود؟ فرمود : آرى. عرض شد ممكن است دروغگو باشد؟ فرمود : نه ١٢- از كلمات رسول اللّه (ص) است. كه بدترين نوع ریا دروغ گفتن است.

١٣- على (ع) مى‏فرمود : راستگو باشيد، زيرا خداوند با راستگويان است، و از دروغ اجتناب كنيد، زيرا دروغ انسان را از ايمان دور مى‏كند، و بدانيد كه راستگو بر ساحل نجات و بزرگوارى قرار دارد، و دروغگو در پرتگاه ذلّت و هلاكت است، سخن نيك بگوييد تا به آن شناخته شويد، عمل خير انجام دهيد تا از اهل خير باشيد، امانت كسى را كه شما را امين دانسته به او برگردانيد، و به خويشاوندانى كه از شما بريده‏اند بپيونديد، و اگر كسى شما را از چيزى محروم ساخته است با فضل و احسان به سويش برگرديد.

١٤- امام باقر (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : شيطان داراى سه وسيله است، سرمه، عسل، و داروى بينى، سرمه‏اش چرت است، عسلش دروغ است، داروى بينى يا انفيه‏اش تكبّر است.

١٥- عبد اللّه بن عجلان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : بنده خدا چون راست گويد، نخستين كسى كه او را تصديق كند خداست و خودش هم مى‏داند كه راستگوست. و هر گاه دروغ گويد اوّلين كسى كه او را تكذيب كند خداست، و خود شخص هم مى‏داند كه دروغگوست.

## ١٣٩- باب تحريم دروغ بستن بر خدا، و پيغمبر و ائمه عليهم السلام‏

 ١- ابو نعمان گويد : امام باقر (ع) مى‏فرمود : اى ابو نعمان. بر ما دروغى مبند

تا دين خود را به باد دهى، مبادا بخواهى كه سر باشى «در جلو قرار بگيرى» تا دم شوى «عقب بمانى» و ما را وسيله روزى خوردنت از مردم قرار نده كه فقير مى‏شوى، زيرا ترا آزاد نمى‏گذارند و حتما از تو پرسش مى‏كنند، اگر راست بگويى تصديقت مى‏كنيم، و اگر دروغ بگويى تكذيبت مى‏كنيم. ٢- در حديثى مرفوع روايت شده كه در محضر امام صادق (ع) گفته شد كه بافنده از رحمت خدا دور است؟، حضرت فرمود : همانا اين آن بافنده‏اى است كه بر خدا و پيغمبرش دروغ ببافد.

٣- امام صادق (ع) فرمود : دروغ بستن بر خدا و پيغمبر (ص) از گناهان كبيره است.

٤- امام صادق (ع) در گفتگويى با مرد شامى فرمود : اى برادر شامى، سخن ما را گوش كن، و بر ما دروغ مبند، زيرا هر كه در مورد چيزى بر ما دروغ بندد، بر پيغمبر (ص) دروغ بسته، و هر كه بر پيغمبر (ص) دروغ ببندد، به خدا دروغ بسته و هر كه به خدا نسبت دروغ بدهد خداى عزّ و جل وى را عذاب مى‏كند.

٥- امام صادق (ع) از اجدادش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) در وصيتش به على (ع) فرمود : اى على هر كه به من نسبت دروغ بدهد، حتما جايگاهش پر از آتش خواهد شد.

٦- امام صادق (ع) فرمود : دروغ بستن بر خدا و پيغمبر خدا و اوصياى پيغمبر (ص) از گناهان كبيره است. سپس امام فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كس چيزى را كه من نگفته‏ام به من نسبت دهد نشيمنگاهش پر از آتش خواهد شد.

## ١٤٠- باب تحريم دروغ، بزرگ و كوچك، شوخى و جدى و غيره

‏ ١- امام باقر (ع) فرمود كه پدرم على بن الحسين (ع) به فرزندانش مى‏فرمود : از دروغ گفتن بپرهيزيد، چه بزرگ و چه كوچك، شوخى و يا جدّى باشد، زيرا شخص وقتى كه در چيز كوچك دروغ بگويد به بزرگش نيز جرأت پيدا مى‏كند، مگر نمى‏دانيد كه پيغمبر (ص) فرمود : بنده خدا همواره راست گويد تا خداوند او را راستگو نويسد و پيوسته دروغ بگويد تا پروردگار او را دروغگو نويسد. ٢- على (ع) فرمود : هيچ بنده‏اى طعم ايمان را نچشد مگر اين كه دروغ را ترك كند چه شوخى باشد و چه جدّى. ٣- على (ع) فرمود : دروغ چه شوخى باشد چه جدى شايسته نيست و سزاوار نيست كه يكى از شما به بچه‏اش وعده‏اى بدهد كه بعدا بدان وفا نمى‏كند. زيرا دروغ به فساد مى‏كشاند، و فساد به سوى آتش، و مادامى كه يكى از شما دروغ گويد، تا بگويند دروغ گفت و معصيت كرد، و مادامى كه يكى از شما دروغ گويد تا به اندازه سر سوزن جاى راستگويى نماند، «در اين صورت» در نزد خداوند هم كذّاب ناميده مى‏شود. ٤- ابو ذر گويد : كه پيغمبر (ص) در مقام نصيحت به او فرمودند : اى ابا ذر، هر كه بر زبان و عورتش تسلط داشته باشد، وارد بهشت شود، عرض كردم يا رسول اللّه آيا به گفتار زبانمان مؤاخذه مى‏شويم؟ فرمود : آيا مردم به غير از نتايج زبانشان به سبب چيز ديگرى هم به رو به آتش افكنده مى‏شود. پيوسته در امانى تا سخن نگفته‏اى و چون سخن گفتى آن حرف به سود يا زيان تو نوشته مى‏شود.

اى ابا ذر، اگر شخصى سخنى بگويد كه موجب رضاى خداست، روز قيامت بهشت برايش منظور گردد. و اگر در مجلسى سخن لغوى بگويد تا ديگران را با آن بخنداند، به جهنمى كه بين آسمان و زمين است افكنده مى‏شود.

اى ابا ذر، واى بر كسى كه در سخنانش دروغ بگويد تا گروهى را بخنداند، و سه بار فرمود واى بر او.

اى ابا ذر، هر كه سكوت اختيار كرد نجات يافت، بر تو باد به سكوت هرگز دروغى از دهانت خارج نشود، عرض كردم : يا رسول اللّه، شخصى كه عمدا دروغ گفته توبه‏اش چيست؟ فرمود : اداى نماز پنجگانه و طلب آمرزش از خدا گناه آن را مى‏شويد.

## ١٤١- باب جواز دروغ در اصلاح بين مردم و عدم جواز راستگويى در فساد

 ١- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : در سفارشهاى پيغمبر (ص) به على (ع) هست : يا على، خداوند دروغ را براى اصلاح بين مردم دوست مى‏دارد و راستگويى را كه سبب فساد شود نمى‏پسندد، تا آن جا كه فرمود : يا على در سه مورد دروغ گفتن نيكوست، ١- حيله كردن در جنگ، ٢- وعده دادن به همسر خود، ٣- اصلاح بين مردم.

٢- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) فرمود : در سه جا دروغ گفتن نيكوست، ١- حيله در جنگ، ٢- وعده دادن به همسر خويش، ٣- اصلاح بين مردم. و در سه مورد راست گفتن زشت است، ١- در سخن چينى بين مردم، ٢- آگاه كردن شخص از جريان خانواده‏اش به آنچه كه دوست ندارد، ٣- تكذيب كردن شخصى را در خبرى كه مى‏دهد، فرمود : همنشينى با سه گروه دل را مى‏ميراند، ١- همنشينى با فرومايگان، ٢- گفتگو با زنان، ٣- همنشينى با ثروتمندان.

٣- امام صادق (ع) فرمود : اصلاح‏كننده «بين دو نفر يا دو جمعيت» دروغگو نيست.

٤- حسن صيقل گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : از امام باقر (ع) در باره قول حضرت يوسف (ع) كه فرمود : «اى كاروان شما دزد هستيد» براى ما روايت شده كه آن حضرت فرموده است : به خدا قسم آنها دزدى نكردند و يوسف هم دروغ نگفت، و همچنين در باره آنچه كه ابراهيم (ع) فرمود «بلكه بزرگشان اين كار را كرده بپرسيد از آنها اگر حرف مى‏زنند» فرموده است سوگند به خدا آنها آن كار را نكرده‏اند و ابراهيم هم دروغ نگفت؟ امام صادق (ع) فرمود : اى صيقل نظرتان در اين مورد چيست؟ عرض كردم جز تسليم به رأى شما ما نظر ديگرى نداريم، راوى گويد : پس آن حضرت فرمود : خداوند دو چيز را دوست و دو چيز را دشمن دارد خراميدن «با غرور راه رفتن» در بين دو صف (از لشكر اسلام و كفر را) دوست دارد و دروغ را در اصلاح بين مردم مى‏پسندد، و خراميدن در راهها و كوچه‏ها، و دروغ را در غير اصلاح مردم دشمن دارد، بنا بر اين ابراهيم (ع) كه فرمود : «بلكه اين كار را بزرگشان كرده» قصد اصلاح داشت، و براى راهنمايى بر اين كه آنها چنين كارى نمى‏توانند انجام دهند، و يوسف هم قصد اصلاح داشت.

٥- عيسى بن حسان گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : گوينده هر دروغى روزى مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

١- شخصى كه در جنگ حيله كند گناهى بر او نيست، ٢- كسى كه قصد اصلاح بين دو نفر را دارد و به يكى از آنها غير آنچه كه به ديگرى گفته بگويد و با اين دروغ اراده اصلاح بين آنها را داشته باشد، ٣- كسى كه به همسرش وعده‏اى بدهد كه بعدا قصد انجام آن را نداشته باشد.

٦- امام صادق (ع) فرمود : سخن بر سه گونه است، راست، دروغ، و اصلاح بين مردم «راوى گويد» عرض شد قربانت گردم، منظور از اصلاح بين مردم چيست؟ فرمود : از كسى در باره شخص ديگر سخنى مى‏شنوى كه اگر آن سخن به او برسد رنجيده مى‏شود، پس تو او را ديدار كرده و بر خلاف آنچه كه شنيده‏اى بگويى از فلانى در باره خوبى تو چنين و چنان شنيدم.

٧- امام صادق عليه السلام فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : شخص مصلح دروغگو نيست، سپس اين آيه را خواند أَيّتُهَا الْعِيرُ إِنّكُمْ لَسارِقُونَ آنگاه فرمود : قسم به خدا آنان سرقت نكردند و يوسف هم دروغ نگفت، آنگاه اين آيه را خواند بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ كانُوا يَنْطِقُونَ سپس فرمود : سوگند به خدا آنها آن كار را نكرده بودند و ابراهيم هم دروغ نگفت.

٨- امام صادق (ع) فرمود : در مورد شخصى كه از او اجازه ورود خواستند و او به كنيزش گفته كه بگو اين جا نيست، فرمود : عيب ندارد اين دروغ نيست.

٩- در حديثى امام صادق (ع) فرمود : به اصحابم چنين چنان ابلاغ كن، و به ايشان چنين و چنان ابلاغ كن راوى گويد عرض كردم، نمى‏توانم اين جملات را عينا حفظ كنم، آنچه كه ياد گرفته‏ام مى‏گويم، و بهتر از آن نمى‏توانم حفظ كنم، فرمود : اشكال ندارد زيرا مصلح دروغگو نيست.

١٠- امام رضا (ع) فرمود : همانا مرد به برادر دينى‏اش سخن راستى بگويد تا وى را برنجاند، چنين شخص نزد پروردگار كذاب به شمار آيد، و همانا مرد به برادر دينى خود دروغ بگويد و قصدش از دروغ، سود رساندن به او باشد، وى نزد خدا راستگو به شمار آيد.

١١- على (ع) فرمود : نشانه ايمان است كه راستگويى را در جايى كه به تو ضرر دارد بر دروغى كه برايت سود دارد ترجيح بدهى، و بيش از علمت سخن نگويى، و در سخن گفتن در باره ديگران از خدا پروا داشته باشى.

## ١٤٢- باب در احكام گمان‏

١- عبد الاعلى مولى آل سام گويد : امام صادق (ع) برايم حديثى بيان فرمود :

من به او عرض كردم : فدايت شوم، آيا هم اكنون براى من چنين و چنان نپنداشتى؟ فرمود : نه، و اين سخن بر من گران آمد، عرض كردم آرى به خدا سوگند پنداشتى، فرمود : نه، به خدا قسم نپنداشتم، راوى گويد باز اين حرف بر من گران آمد، عرض كردم : چرا به خدا سوگند آن را گفتى، فرمود : آرى آن را گفتم مگر نمى‏دانى در قرآن مجيد هر گمانى دروغ به شمار آمده است.

١٤٣- باب تحريم دو رو و دو زبان بودن‏

١- امام صادق (ع) فرمود : هر كه با مسلمانان با دو رو و دو زبان برخورد كند، روز قيامت برانگيخته مى‏شود در حالى كه در يك سر دو زبان آتشين دارد، و در روايت ديگر چنين نقل شده است كه هر كه با مردم حضورا با چهره‏اى و غيابا با چهره ديگر برخورد كند. روز قيامت ....

٢- امام باقر (ع) فرمود : چه بد بنده‏اى است آن بنده‏اى كه داراى دو رو و دو زبان است برادر همكيش خود را در حضور ستايش و در غيابش از وى غيبت كند، اگر ثروتى يا موقعيّتى نصيب برادرش شود به او حسد برد، و چون گرفتار شود يارى‏اش نكند.

٣- در عقاب الاعمال به روايت فوق چنين اضافه : شده چه بد بنده‏اى است بنده‏اى كه عيبجو و خرده‏گير باشد، روبرو با چهره‏اى و پشت سر با چهره ديگر باشد.

٤- عبد الرحمن بن حمّاد در حديثى «كه آن را به معصوم رسانده» گويد :

كه خداوند متعال به عيسى بن مريم (ع) فرمود : اى عيسى زبان و قلبت در نهان و آشكار يكى باشد، همانا ترا از نفس خودت بر حذر مى‏دارم، و اين آگاهى براى تو كافى است كه در يك دهن دو زبان نشايد. و در يك غلاف دو شمشير نگنجد، و در يك سينه دو دل نباشد. و ذهن انسان نيز چنين است. «دو اعتقاد مخالف در يك ذهن جاى نگيرد» ٥- على (ع) فرمود : پيغمبر (ص) فرموده است كسى كه دوروست، روز قيامت مى‏آيد در حالى كه يك زبانش از پشت سرش بيرون آمده است و زبان ديگر از پيش رويش و آتشى از آن دو برآيد كه بدنش را بسوزاند، آنگاه گفته مى‏شود اين همان است كه در دنيا داراى دو رو و دو زبان بود و با اين وضع در روز رستاخيز معرفى مى‏شود.

٦- پيغمبر (ص) فرمود : بدترين مردم در روز قيامت نزد خداوند كسى است كه در دنيا دو رو باشد.

٧- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه در دنيا دو رو باشد، در قيامت داراى دو زبان از آتش خواهد بود.

٨- پيغمبر (ص) در خطبه‏اى فرمود : هر كه در دنيا داراى دو رو و دو زبان باشد، روز قيامت دو چهره و دو زبان از آتش خواهد داشت.

٩- عبد اللّه بن ابى يعفور گويد : از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‏فرمود : هر كه با مردم با چهره‏اى ديدار نمايد و با چهره ديگر از آنها عيب‏جويى كند، روز قيامت مى‏آيد با حالتى كه در سرش دو زبان از آتش دارد.

١٠- على (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه برادر مؤمنش را در رو برو بستايد و پشت سر از وى غيبت كند، پيمان برادرى بين آنها گسسته مى‏شود.

## ١٤٤- باب تحريم قهر كردن از مؤمن و استحباب سبقت در آشتى كردن‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : بيش از سه روز قهر و جدايى جايز نيست.

٢- امام صادق (ع) فرمود : در قهر هيچ گونه خيرى نيست.

٣- مفضّل در ضمن سفارشى گويد : از امام صادق (ع) شنيدم مى‏فرمود : چون دو نفر از يك ديگر با قهر جدا شوند يكى از آنها سزاوار برائت و لعنت است، و چه بسا هر دو سزاوار آن باشند، معتب «يكى از دوستان مخصوص آن حضرت» گفت :

قربانت گردم آن كه ستمگر باشد سزايش همين است، امّا تقصير مظلوم چيست؟

فرمود : چون او هم برادرش را به آشتى دعوت نكرده، و حرفهاى او را ناديده نگرفته است. از پدرم شنيدم كه مى‏فرمود : چون دو نفر با هم ستيز كنند و يكى بر ديگرى غالب آيد، بايد مظلوم به نزد رفيق ظالم خود رود و به او بگويد : اى برادر من ستمگر هستم، تا قهر و جدايى بين آنها از ميان برود، همانا خداوند حكيم و عادل است و داد مظلوم را از ظالم مى‏ستاند.

٤- ابو بصير گويد : از امام صادق (ع) در باره مردى كه با خويشاوندى خود به خاطر اين كه مذهب حقّ را نمى‏شناسد «شيعه نيست» قطع رابطه كند سؤال كردم فرمود : سزاوار نيست كه خويشاوندى را قطع كند.

٥- داود بن كثير گويد : شنيدم امام صادق (ع) مى‏فرمود كه پدرم فرمود :

پيغمبر (ص) فرموده است : هر گاه دو نفر مسلمان از همديگر با قهر جدا شوند و سه روز در آن حال بمانند و آشتى نكنند، هر دو از اسلام خارج شوند و بين آنان دوستى دينى نمى‏ماند، پس هر كدام از آنها براى آشتى و سخن گفتن بر ديگرى سبقت جويد، در روز رستاخيز جلوتر از ديگرى به بهشت خواهد رفت. ٦- امام صادق (ع) فرمود : مادام كه دو مسلمان با هم قهر هستند شيطان خشنود است، و چون آشتى كنند، زانوهاى شيطان بلرزد و بندهايش از هم گسيخته شود، و فرياد زند واى بر او «خود شيطان» از آنچه كه بدو از هلاكت رسد.

٧- پيغمبر (ص) فرمود : براى هيچ مسلمانى جايز نيست كه بيش از سه روز از برادر دينى خود قهر كند.

٨- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) در حديث مناهى مسلمانان را از قهر و جدايى نهى فرموده است، پس اگر كسى ناچار از جدايى باشد، بيش از سه روز نبايد از برادرش دورى جويد، و هر كه بيش از سه روز از برادر دينى‏اش جدا شود، آتش براى او سزاوارتر است.

٩- پيغمبر (ص) فرمود : براى مسلمان جايز نيست كه بيش از سه روز از برادر دينى‏اش قهر كند و از وى جدا شود.

١٠- امام باقر (ع) فرمود : هر گاه دو نفر مؤمن از هم قهر كنند و بيش از سه روز از يك ديگر جدا شوند، من در روز سوم از آنها بيزارم، عرض شد، اين سزاى ظالم است، جرم مظلوم چيست؟ فرمود : چرا مظلوم نزد ظالم نرفت تا بگويد من ستمكارم تا آشتى كنند.

١١- پيغمبر (ص) فرمود : براى هيچ مسلمانى جايز نيست كه از برادر همكيش خود قهر كند و بيش از سه روز از وى دورى گزيند، و هر كدام از آنان كه براى آشتى پيشقدم باشد در رفتن به بهشت مقدمتر است.

١٢- ابو ذر گويد كه پيغمبر (ص) در نصيحتى به او فرمود : اى ابا ذر، از جدايى و قهر با برادر دينى خود بپرهيز، زيرا هيچ عملى با قهر پذيرفته نيست. اى ابا ذر، من ترا از جدايى منع مى‏كنم و اگر ناچار شدى، نبايد جدايى‏ات سه روز كامل باشد پس هر كه در خلال سه روز جدايى از برادرش بميرد، آتش براى او سزاوارتر است.

## ١٤٥- باب تحريم آزار رساندن به مؤمن‏

١- هشام بن سالم گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خداى عزّ و جل فرمايد : آن كه بنده مؤمن مرا بيازارد به من اعلان جنگ دهد. و هر كه بنده مؤمن مرا اكرام نمايد از خشم و غضب من آسوده خاطر باشد.

٢- مفضّل بن عمر گويد كه امام صادق (ع) فرمود : چون روز قيامت شود، منادى از جانب خدا فرياد زند، آنان كه از دوستان من روگردانده بودند كجايند؟

گروهى بر مى‏خيزند كه رخسارشان گوشت ندارد، پس گفته شود، اينها كسانى هستند كه به مؤمنين آزار رسانده، و با آنان دشمنى كرده و عناد ورزيده‏اند و در امور دينى آنها را با تندى سرزنش كردند، سپس دستور داده شود كه آنها را به دوزخ ببرند.

٣- روايت فوق با سند ديگر چنين بيان شده : به خدا سوگند اينها كسانى بودند كه در گفتارشان با مؤمنين يكى بوده ولى حقوق آنان را منع كردند، و اسرار مؤمنين‏

را فاش نمودند.

## ١٤٦- باب تحريم اهانت به مؤمن و خوار داشتن او

 ١- امام باقر (ع) فرمود : چون پيغمبر (ص) را به معراج بردند، عرض كرد پروردگارا رتبه و منزلت مؤمن در پيش تو چگونه است؟ فرمود : اى محمد، هر كه به يكى از دوستان من اهانت كند، آشكارا به جنگ من برخاسته و من به يارى دوستانم از همه شتابانترم.

٢- معلّى بن خنيس گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خداوند تبارك و تعالى فرمايد : هر كه به يكى از دوستان من اهانت نمايد در جنگ با من كمين كرده است، و من با سرعت تمام دوستانم را يارى مى‏كنم.

٣- امام صادق (ع) فرموده است كه پيغمبر (ص) فرمود : خداى عز و جل فرموده است : هر كه به يكى از دوستان من اهانت كند محققا در جنگ با من كمين كرده است.

٤- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) در حديث مناهى فرموده است : هر كه به فقير مسلمانى بى‏اعتنايى كند، به حقوق الهى بى‏اعتنايى كرده و خداوند روز قيامت به او بى‏اعتنايى مى‏كند، مگر اين كه توبه كرده باشد.

٥- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه به فقير مسلمانى اكرام كند، روز قيامت خداوند از او راضى خواهد بود. آگاه باشيد هر كه برادر مسلمانش را اكرام كند خداى عز و جل او را گرامى مى‏دارد.

٦- امام صادق عليه السلام از پدرانش نقل مى‏كند : كه پيغمبر (ص) فرمود :

هر كه مؤمنى را به خاطر فقر و تنگدستى‏اش خوار شمارد و يا او را تحقير كند، خداوند روز قيامت وى را رسوا و مفتضح مى‏كند.

(حديث ٧ مانند حديث ٦ مى‏باشد)

٨- ابو بصير گويد امام صادق (ع) فرمود : هرگز مؤمن فقيرى را حقير و ناچيز نشماريد، زيرا هر كه مؤمنى را كوچك يا سبك و پست شمارد، خداوند او را كوچك شمارد و همواره نسبت به او خشمناك باشد، تا اين كه از كوچك شمردن مؤمنان دست بردارد و به آنها احترام كند، و يا اين كه توبه كند، و فرمود :

هر كه مؤمنى را به سبب تنگدستى و فقرش پست شمارد و تحقير كند، روز قيامت خداوند او را در برابر خلايق رسوا مى‏كند.

٩- ابراهيم بن عمر يمانى گويد : امام صادق (ع) فرمود : هر كه توانايى كمك بر برادر دينى خود داشته باشد، ولى دست از يارى او كشيده و خوارش كند، خداوند او را در دنيا و آخرت خوار گرداند،

١٠- پيغمبر (ص) در يكى از خطبه‏هايش فرمود : هر كه مسلمان فقيرى را به خاطر فقرش خوار و پست شمارد، خدا را كوچك شمرده است، و همواره مورد خشم و غضب خداوند است تا اين كه او را راضى كند، و هر كه فقير مسلمانى را گرامى بدارد، روز قيامت خداوند را شاد و خندان ديدار مى‏كند. سپس فرمود : هر كه بر فقيرى ستم كند يا بر او تعدّى نمايد، يا او را حقير شمارد، خدا در روز قيامت وى را به شكل آدمكى به اندازه مورچه محشور گرداند تا اين كه داخل آتش دوزخ شود.

١١- پيغمبر (ص) از قول جبرئيل نقل فرمود كه خداوند فرموده است : هر كه به يكى از دوستان من اهانت كند، آشكارا به جنگ من برخاسته است.

١٢- پيغمبر (ص) فرمود : اى بسا فرد ژوليده موى و غبار آلود كه جامه‏هاى كهنه بر تن دارد و در خانه‏ها خاك‏نشين است. هر گاه مرا به خدا سوگند دهد، به او نيكى مى‏كنم و خواهش او را انجام مى‏دهم.

## ١٤٧- باب تحريم ذليل شمردن و تحقير مؤمن‏

١- معلى بن خنيس گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : خداى عزّ و جل فرموده است : آن كه بنده مؤمن مرا ذليل شمارد به من اعلان جنگ نموده است، و هر كه بنده مؤمن مرا اكرام كند، از خشم و غضب من آسوده خاطر خواهد بود.

٢- امام صادق (ع) مى‏فرمايد : كه پيغمبر (ص) فرموده است : چون پروردگارم مرا به معراج برد از پشت پرده حجاب به من وحى فرمود و بدون واسطه با من سخن گفت و فرمود : اى محمد هر كه يكى از دوستان مرا خوار نمايد، در جنگ با من كمين كرده است، و هر كه با من جنگ كند، با او بجنگم، گفتم :

خدايا اين دوست تو كيست؟ زيرا مى‏دانم هر كه با تو بجنگد با او مى‏جنگى خداوند به من فرمود : اين دوست من كسى است كه براى تو و وصى تو و فرزندانت به ولايت و دوستى از او پيمان گرفته‏ام.

٣- امام صادق (ع) مى‏فرمايد كه پيغمبر (ص) فرمود : خداى عز و جل فرموده است : هر كه بنده مؤمن مرا خوار نمايد آشكارا به جنگ با من برخاسته است.

٤- امام صادق (ع) مى‏فرمايد : هر كه مؤمنى را به خاطر تنگدستى و فقرش پست و كوچك بشمارد، خداوند روز قيامت او را در برابر مردم رسوا و مفتضح گرداند.

٥- امام صادق (ع) فرمود : هر كه مؤمنى را خوار شمارد چه مستمند باشد يا غير مستمند. خداى عز و جل پيوسته وى را خوار دارد و بر او خشمناك است تا آنگاه كه از تحقير كردن آن مؤمن بازگردد «و به او احترام نمايد».

٦- امام صادق (ع) مى‏فرمايد : كه پيغمبر (ص) فرمود : خداى عزّ و جل فرموده است : آن كه بنده مؤمن مرا خوار دارد به من اعلان جنگ داده است.

٧- امام رضا (ع) از پدرانش نقل مى‏كند كه علىّ (ع) فرمود : براى هيچ مسلمانى شايسته نيست كه مسلمانى را به وحشت اندازد.

٨- امام صادق (ع) مى‏فرمايد : كه پيغمبر (ص) فرمود : خداى عز و جل فرموده است : با كسى كه بنده مؤمن مرا به ذلّت كشاند در ستيزم و به يارى دوستانم از همه چيز شتابانترم.

## ١٤٨- باب تحريم سبك شمردن مؤمن‏

١- ابو هارون گويد : در حضور امام صادق (ع) بودم، خطاب به گروهى كه حاضر بودند فرمود : شما چرا ما را سبك مى‏شماريد؟ مردى از اهل خراسان برخاست و گفت پناه مى‏بريم به خدا از اين كه شما و يا چيزى از اوامر شما را سبك بشماريم. حضرت فرمود : آرى تو يكى از آنهايى هستى كه مرا سبك شمردى، آن شخص گفت به خدا پناه مى‏برم از اين كه شما را كوچك بشمارم، فرمود : واى بر تو آيا حرف فلانى را نشنيدى؟ وقتى كه نزديك جحفه بوديم و او خسته بود و از تو درخواست كرد كه به اندازه يك ميل راه او را با خود ببرى، به خدا سوگند سرت را به سوى او نگرداندى و او را سبك شمردى، هر كه مؤمنى را سبك شمارد، ما را سبك شمرده و حرمت خدا را ضايع نموده است.

## ١٤٩- باب تحريم قطع صله ارحام‏

 ١- امام باقر (ع) فرمود : كه على (ع) فرموده : وقتى كه مردم پيوند خويشاوندى را قطع كنند ثروت در دست اشرار قرار مى‏گيرد.

٢- على (ع) فرمود : از جمله گناهانى كه سبب مرگ زودرس مى‏شود، قطع رحم است.

٣- عنبسة بن عابد گويد : شخص پيش امام صادق (ع) آمد و از خويشاوندانش‏

شكايت كرد، حضرت به او فرمود : خشمت را فرونشان و اين كار را بكن (هميشه خشمت را فرونشان) عرض كرد : آنها هر چه مى‏خواهند مى‏كنند، فرمود : آيا تو هم مى‏خواهى مثل آنها باشى؟ تا خداوند به شما توجه نكند.

٤- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است. «از خويشاوندت» قطع رحم نكن اگر چه از تو بريده باشد،

## ١٥٠- باب تحريم جمع آورى موارد لغزشهاى مؤمن براى عيب گرفتن از او

 ١- امام صادق (ع) فرمود : دورترين بنده از درگاه خداوند كسى است كه در حال دوستى و برادرى با ديگرى لغزشهاى وى را به خاطر بسپارد تا روزى او را براى آن لغزشها سرزنش كند.

٢- امام باقر (ع) فرمود چيزى كه بيش از همه بنده را به كيفر وادارد اين است كه شخص با ديگرى پيمان برادرى در دين بسته باشد ولى لغزشها و خطاهاى او را شمارش كند تا روزى وى را در مورد آنها نكوهش كند.

٣- اسحاق بن عمّار گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

پيغمبر (ص) فرموده است : اى گروهى كه به زبان ايمان آورده ولى ايمان به دلتان نرسيده است مسلمانان را مذمّت نكنيد، و در جستجوى عيوب آنها نباشيد زيرا هر كه در جستجوى عيوب مسلمانان باشد خداوند به دنبال عيبهاى اوست.

و خداوند چنين فردى را رسوا گرداند گر چه در خانه‏اش باشد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : پست ‏ترين چيزى كه شخص به سبب آن از ايمان خارج مى‏شود آن است كه مرد با همكيش خود دوستى كند و لغزشها و خطاهاى او را بشمارد تا روزى او را در مورد آنها نكوهش نمايد.

## ١٥١- باب نهى از عيبجويى و سرزنش مؤمن‏

١- امام صادق (ع) فرمود : هر كه مؤمنى را به خاطر گناهى سرزنش كند نمى‏ميرد تا اين كه خودش مرتكب همان گناه شود.

٢- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه عمل زشتى را فاش كند، مانند كسى است كه آن را آغاز كرده و انجام داده است و هر كه مؤمنى را به سبب چيزى سرزنش كند، نمى‏ميرد تا اين كه خودش مرتكب آن شود.

٣- امام صادق (ع) فرمود : هر كه مؤمنى را ملامت كند در دنيا و آخرت مورد نكوهش خدا قرار مى‏گيرد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هر كه به منظور عيبجويى به ديدن برادرش برود، خدا در دنيا و آخرت او را نكوهش كند.

٥- امام صادق (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه عمل زشتى را فاش كند، مانند كسى است كه آن را آغاز كرده و انجام داده است و هر كه مسلمانى را به گناهى ملامت كند، نمى‏ميرد مگر اين كه خودش مرتكب آن شود.

## ١٥٢- باب تحريم غيبت كردن از مؤمن‏

١- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است مؤمن كسى است كه مؤمنين او را بر جان و مال خودشان امين دانند، و مسلمان كسى است كه مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ و مهاجر كسى است كه از گناهان دورى جويد و آنچه را كه خدا حرام نموده ترك نمايد و همچنين ستم كردن، خوار داشتن، و غيبت نمودن، و طرد كردن مؤمن، بر مؤمن حرام است.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كه در داد و ستدش به مردم ستم نكند و در گفتارش به آنان دروغ نگويد، و در وعده‏اى كه به مردم مى‏دهد خلف وعده ننمايد، از كسانى است كه غيبتش بر ديگران حرام، مروّتش كامل، و عدالتش ظاهر است، دوستى و برادرى چنين شخص بر ديگران واجب است.

٣- حرث بن مغيره گويد امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان، و چشم و آينه و راهنماى اوست. نسبت به او خيانت نمى‏كند، فريبش نمى‏دهد، بر او ستم روا نمى‏دارد وى را دروغگو نمى‏پندارد، و از او غيبت نمى‏كند.

٤- فضيل بن يسار گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمى‏كند، و او را خوار نمى‏دارد.

٥- امام صادق (ع) فرمود : مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمى‏كند، خوارش نمى‏دارد، غيبت او را نمى‏كند، وى را فريب نمى‏دهد، و از عطايا محرومش نمى‏كند.

٦- امام صادق (ع) فرمود : هر كه در مورد مؤمنى آنچه را كه ديده و يا شنيده براى ديگران بازگو كند، جزء كسانى است كه خداى عز و جل در باره آنها فرموده است : «آنان كه مى‏خواهند در باره مؤمنين عمل زشتى را اشاعه دهند براى آنان عذاب دردناك است» .

٧- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : تأثير غيبت در نابودى دين شخص مسلمان از اثر مرض خوره در درونش سريعتر است.

٨- پيغمبر (ص) فرمود : نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا وقتى كه صحبت نكند، عرض كردند يا رسول اللّه، آن صحبت چه باشد؟ فرمود : غيبت كردن.

٩- ابو ذر گويد : پيغمبر (ص) در يكى از نصايحش به من فرمود : اى ابا ذر، از غيبت كردن بپرهيز زيرا غيبت بدتر از زناست. عرض كردم يا رسول اللّه چرا چنان است؟ فرمود : براى اين كه زناكار اگر توبه و استغفار نمايد، خدا توبه‏اش را مى‏پذيرد. ولى گناه غيبت بخشوده نمى‏شود مگر اين كه صاحبش عفو نمايد.

اى ابا ذر، دشنام دادن به مسلمان فسق، و جنگ با او كفر است، غيبت كردن از او سرپيچى از فرمان خدا، و مالش مانند خونش محترم است، عرض كردم يا رسول اللّه غيبت چيست؟ فرمود : در باره برادرت چيزى بگويى كه او خوش ندارد. عرض كردم يا رسول اللّه اگر آنچه كه گفته مى‏شود در او باشد چطور؟

فرمود بدان كه هر گاه در باره او چيزى بگويى كه در او هست از او غيبت كرده‏اى و اگر چيزى بگويى كه در او نيست، به او بهتان بسته‏اى.

١٠- پيغمبر (ص) فرمود : بهشت بر سه گروه حرام است، ١- آنان كه‏

بر ديگران منّت گذارند. ٢- كسانى كه از ديگران غيبت كنند. ٣- آنان كه دايم الخمر باشند.

١١- پيغمبر (ص) فرمود : آيا مردم در روز قيامت جز بر اثر نتيجه زبانشان براى چيز ديگر هم سرنگون به آتش انداخته مى‏شوند؟

١٢- امام باقر (ع) فرمود كه پيغمبر (ص) فرموده است : دشنام دادن به مؤمن فسق، و جنگ با او كفر است، غيبت كردن از او سرپيچى از فرمان خدا، و مالش مانند خونش محترم است.

١٣- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه در حديث مناهى پيغمبر (ص) مردم را از غيبت كردن، و سخن چينى، و گوش دادن به آنها نهى نموده است، و فرمود : هيچ سخن چينى به بهشت نمى‏رود، و از غيبت كردن و گفت و شنودى كه انسان را از خدا دور مى‏كند نيز نهى كرده است. آنگاه فرمود :

هر كه غيبت مرد مسلمانى بكند روزه‏اش باطل و وضويش شكسته مى‏شود، و در روز قيامت بيايد در حالى كه از دهن او بويى گنديده‏تر از مردار پخش مى‏گردد كه سبب آزار اهل قيامت مى‏شود، و اگر قبل از توبه كردن بميرد در حالى مرده كه حرام خدا را حلال دانسته است. آگاه باش هر كس غيبت برادر دينى‏اش را در مجلسى بشنود و از او دفاع كند و غيبت را ردّ نمايد خداوند هزار نوع شر را در دنيا و آخرت از او دفع مى‏كند و اگر قدرت دفع داشته باشد ولى از وى دفاع نكند، كيفر گناهش هفتاد برابر گناه غيبت‏كننده خواهد بود.

١٤- امام صادق (ع) فرمود : غيبت عبارت است از گفتن چيزى در باره برادر دينى كه خدا آن را بر او پوشيده نگهداشته است و اگر چيزى را كه در او وجود ندارد به او

نسبت دهى بهتان به شمار مى‏آيد.

١٥- امام صادق (ع) فرمود : زنازاده را سه نشانه است : ١- زشتى پيشگاهش (يعنى همنشينى با او زشت است) ٢- به زنا اشتياق دارد. ٣- ما اهل بيت را دشمن مى‏دارد.

١٦- نوف بكالى گويد : در صحن مسجد كوفه خدمت امير مؤمنان (ع) رسيدم و سلام عرض كردم. حضرت جواب سلام را فرمود، گفتم : يا امير المؤمنين مرا موعظه‏اى بفرما، فرمود : اى نوف نيكى كن تا به تو نيكى كنند، تا اين كه فرمود ... عرض كردم بيشتر موعظه فرما، فرمود : از غيبت اجتناب كن زيرا غيبت خورش سگهاى جهنم است سپس فرمود : اى نوف كسى كه به وسيله غيبت كردن گوشت مردم را بخورد، به دروغ گمان كرده كه حلال زاده است.

١٧- امام رضا (ع) از پدرش نقل مى‏كند كه امام صادق (ع) فرمود : خانه‏اى را كه در آن گوشت باشد و گوشت چربى را خدا دوست ندارد، راوى گويد : عرض كردند يا ابن رسول اللّه ما گوشت را دوست داريم، و خانه ما خالى از گوشت نيست، فرمود آن طورى كه شما فكر مى‏كنيد نيست، بلكه مقصود از خانه‏اى كه گوشت دارد، خانه‏اى است كه در آن به وسيله غيبت كردن گوشت مردم را بخورند، و منظور از گوشت چربى كسى است كه در راه رفتن تكبّر و خودنمايى و فخر از خود نشان دهد.

١٨- پيغمبر (ص) فرمود : غيبت، كيفرش شديدتر از زناست عرض كردند يا رسول اللّه چرا چنين است؟ فرمود : چون زناكار اگر توبه نمايد خدا توبه‏اش را مى‏پذيرد، امّا غيبت‏كننده توبه مى‏كند ولى خداوند از او نمى‏پذيرد تا كسى كه وى از او غيبت كرده است او را عفو نمايد. و در جاى ديگر از جابر نقل شده كه پيغمبر (ص) فرمود : از غيبت كردن بپرهيزيد، زيرا غيبت از زنا هم بدتر است، و سپس دنباله حديث را مانند حديث بالا بيان فرمود :

١٩- پيغمبر (ص) فرمود : آيا آگاه نكنم شما را به چيزى كه از زنا هم بدتر است، و آن عبارت است از اين كه شخص از برادرش بد گويى كند (با غيبت كردن)

٢٠- امام صادق (ع) فرمود : كسى را كه با چشم خود نديده‏اى مرتكب گناه شود، و در نزد تو دو نفر عليه او گواهى نداده‏اند، چنين شخص عادل است و شهادتش پذيرفته مى‏شود گر چه در باطن گناهكار هم باشد، هر كه از او غيبت بكند از دوستى خدا خارج و جزء دوستان شيطان است، سپس از اجدادش نقل مى‏كند كه پيغمبر (ص) فرمود : هر كه از مؤمنى با صفاتى كه در او هست غيبت كند خداوند در بهشت هرگز آنها را يك جا جمع نمى‏كند و هر كه از مؤمنى با صفاتى كه در او نيست غيبت كند تعهدات دينى ميان آنان منقطع و غيبت‏كننده در آتش هميشگى است و چه بدجايى است آن آتش.

٢١- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه از برادر مسلمانش غيبت بكند، روزه‏اش باطل و وضويش شكسته مى‏شود، و اگر در آن حال بميرد در حالى مرده كه حرام خدا را حلال دانسته، تا اين كه فرمود : هر كه براى يارى دادن و كمك رساندن به برادرش قدم بردارد، ثواب جهادگران در راه خدا را دارد. و هر كه در جستجوى عيب و كشف اسرار برادرش گام بردارد، نخستين گامى كه برمى‏دارد در جهنم خواهد گذاشت، و خداوند در پيش آفريدگان اسرار او را فاش مى‏كند. و هر كه در انجام خواسته‏هاى خويشاوندانش قدم بردارد، خداوند پاداش صد شهيد به او عطا فرمايد.

و اگر از وى چيزى بخواهند و او با جان و مال خواسته خويشاوندان را برآورده كند براى هر قدمش چهل ميليون حسنه است و مقامش چهل ميليون درجه بالا رود، مثل اين كه صد سال خدا را عبادت كرده، و هر كه براى فساد بين خويشاوندان و قطع رحم از آنها قدم بردارد، خداوند بر او غضبناك شود و در دنيا و آخرت بر او لعنت فرستد، و گناهش به اندازه معصيت كسى است كه قطع رحم كرده باشد.

٢٢- امام صادق (ع) فرمود : غيبت عبارت است از اين كه در باره برادرت بگويى آنچه را كه خداوند پنهان نگهداشته، و اگر صفاتى را كه در او نيست بيان كنى، شامل فرمايش خداست «البته بهتان و گناه آشكار را متحمل گرديد» .

## ١٥٣- باب تحريم تهمت زدن بر مرد مؤمن و زن مؤمن‏

 ١- ابن ابى يعفور گويد : امام صادق (ع) فرمود : هر كس بر مرد يا زن مؤمن به آنچه در آنها نيست بهتان ببندد، خداوند در روز رستاخيز او را در موضع طينت خبال برانگيخته و نگه دارد. تا از عهده آنچه گفته بيرون آيد، راوى گويد عرض كردم «طينت خبال» چيست؟ فرمود : چركى است كه از فرج زنان بدكاره بيرون آيد.

٢- امام رضا (ع) از پدرانش نقل مى‏كند كه پيغمبر (ص) فرمود : هر كه بر مرد يا زن مؤمن تهمت بزند، و يا چيزى را كه در آنها نيست به آنان نسبت دهد، در روز رستاخيز خدا او را بر تلّى از آتش بر پا نگه دارد تا از عهده آنچه گفته است بيرون آيد.

## ١٥٤- باب موارد جواز غيبت كردن‏

 ١- داود بن سرحان گويد : از امام صادق (ع) پرسيدم : غيبت چيست؟ فرمود :

غيبت عبارت است از گفتن چيزى در مورد امور دينى برادرت كه وى انجام نداده و انتشار چيزى بر عليه او كه خداوند آن را برايش مخفى نگه داشته و حدّى اقامه نكرده است.

٢- عبد الرحمن بن سيابه گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود :

غيبت آن است كه در باره برادرت چيزى بگويى كه خداوند بر او پوشانده است، امّا گفتن امور ظاهرى مانند صفات تند خويى، شتابزدگى و مانند آنها، غيبت نيست، ولى گفتن چيزى را كه در او نيست بهتان و افتراست.

٣- يحيى ازرق گويد : كه امام موسى كاظم (ع) به من فرمود : هر كه پشت سر مردى چيزى را كه در اوست و مردم هم مى‏دانند بگويد از او غيبت نكرده است، و اگر صفاتى را ذكر كند كه در اوست ولى مردم نمى‏دانند از او غيبت كرده و اگر صفاتى را كه در او نيست بگويد به او بهتان زده است.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه فاسق فسق خود را آشكار كند، در بين مردم آبرو ندارد، و غيبتش جايز است

٥- امام صادق (ع) از پدرش نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود : سه شخص بين مردم آبرو ندارند ١- بدعت گذار ٢- رهبر ستمگر، ٣- فاسقى كه آشكارا فسق نمايد.

٦- امام صادق (ع) در مورد آيه لا يُحِبّ اللّهُ الْجَهْرَ بِالسّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلّا مَنْ ظُلِمَ خداوند دوست نمى‏دارد بلند كردن صدا به بدى را مگر در مورد كسى كه مورد ستم واقع شده باشد. فرمود : هر كه گروهى را به مهمانى دعوت كند ولى از آنها خوب پذيرايى نكند جزء ستمگران است، و آنچه مهمانان از بدى پذيرايى او بازگو كنند، گناهى ندارد.

٧- در تفسير مجمع البيان در تفسير آية : لا يُحِبّ اللّهُ الْجَهْرَ بِالسّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلّا مَنْ ظُلِمَ امام صادق (ع) فرمود : چون بر كسى مهمان وارد شود و او از مهمان خوب پذيرايى نكند. براى مهمان اشكال ندارد پذيرايى بد ميزبان را بازگو كند، (يعنى غيبت محسوب نمى‏شود)

## ١٥٥- باب وجوب جبران كيفر غيبت كردن با حلال‏طلبى و استغفار

 ١- امام صادق (ع) فرمود : از پيغمبر (ص) پرسيدند : كفّاره غيبت چيست؟

فرمود : از خدا طلب آمرزش كنى براى كسى كه از او غيبت كرده‏اى هر وقت او را به ياد آرى.

## ١٥٦- باب وجوب ردّ غيبت مؤمن و تحريم شنيدن آن‏

 ١- امام صادق (ع) از پدرانش نقل مى‏كند : كه در وصيّت پيغمبر (ص) به على (ع) است : اى على هر كه در نزد او از برادر مسلمانى غيبت شود و او قادر بر يارى‏اش باشد (با ردّ غيبت) و يارى نكند، خدا در دنيا و آخرت او را خوار گرداند.

٢- امام باقر (ع) فرمود : هر كه نزد وى از برادر مؤمنش غيبت شود و او به يارى و كمكش بشتابد و از او دفاع كند، خداوند در دنيا و آخرت وى را يارى كند و اگر به كمك و يارى‏اش نشتابد و از او دفاع نكند با اين كه قدرت كمك دارد، خداوند در دنيا و آخرت وى را حقير و ناچيز گرداند.

٣- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه از آبروى برادر مسلمانش دفاع كند، بى‏شكّ بهشت برايش واجب مى‏شود.

٤- امام صادق (ع) فرمود : هر گاه مؤمنى به مؤمن ستمديده‏اى كمك كند، ارزش اين كارش از روزه يك ماه و اعتكاف در مسجد الحرام برتر است، اگر توانايى كمك دارد و برادر مؤمنش را يارى دهد خدا در دنيا و آخرت او را نصرت عطا فرمايد. هر گاه در حال توانايى بر يارى او، او را يارى نكند و خوارش كند، خداوند در دنيا و آخرت وى را خوار گرداند.

٥- پيغمبر (ص) فرمود : هر كس غيبت برادرش را در مجلسى بشنود و از او دفاع كند و جلو غيبت از او را بگيرد خدا هزار نوع شرّ را در دنيا و آخرت از او دور مى‏كند، و اگر جلو غيبت را نگيرد، بلكه خوشش هم بيايد، گناه و كيفرش به اندازه معصيت غيبت‏كننده خواهد بود.

٦- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه آبروى برادر مسلمانش را حفظ كند بى‏شك بهشت براى او نوشته شود كسى كه برايش كار نيكى انجام داده‏اند بايد جبران كند، و اگر قادر به جبران نباشد، لازم است تشكر كند، اگر اين كار را هم نكند كفران نعمت كرده است.

٧- ابو درداء از پدرش نقل مى‏كند كه مردى نزد پيغمبر (ص) در باره شخص ديگر سخنى گفت. يكى از خويشاوندان آن شخص از او دفاع كرده و گفته آن مرد را ردّ كرد، آنگاه حضرت فرمود : هر كه از آبرو و حيثيّت برادرش دفاع كند مصون از آتش دوزخ خواهد بود.

٨- پيغمبر (ص) در نصيحتى به ابو ذر فرمود : اى ابا ذر، هر كه غيبتى را از برادر مؤمنش دفع كند، سزاوار آن است كه خداوند او را از آتش دوزخ آزاد كند.

اى ابا ذر، هر كه در نزد او از برادر مؤمنش غيبت شود و او توانايى يارى‏اش داشته باشد (با رد غيبت) او را يارى كند خداوند در دنيا و آخرت يارى‏اش فرمايد، و هر گاه در حال قدرت بر يارى او، كمكش نكند و خوارش دارد، خداوند در دنيا و آخرت او را خوار گرداند.

## ١٥٧- باب تحريم افشاى سرّ مؤمن و عيبجويى از او ...

 ١- عبد اللّه بن سنان گويد : به امام صادق (ع) عرض كردم : آيا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود : آرى، عرض كردم : يعنى شرمگاهش؟ فرمود :

آن طورى كه فكر مى‏كنى نيست، بلكه مراد از عورت، افشاى سرّ مؤمن است.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كه مطلبى را در مورد مؤمنى بازگو كند كه قصدش رسوا كردن او و ريختن آبرويش باشد تا از نظر مردم بيفتد، خداوند او را از دوستى خود به دوستى شيطان خارج كند، و شيطان هم او را نپذيرد.

٣- امام صادق (ع) در مورد حديث «عورة المؤمن على المؤمن حرام»

فرمود :

مراد از عورت آن نيست كه مؤمن برهنه شود و تو عضوى از او را ببينى، بلكه عورت عبارت است از اين كه به ضرر مؤمن سخنى بگويى و يا از او عيبجويى نمايى.

٤- محمد بن فضيل گويد : به امام موسى كاظم (ع) عرض كردم : قربانت گردم، در باره يكى از برادرانم خبرى به من رسيده است كه در شأن او نيست از خود وى پرسيدم انكار كرد، در صورتى كه گروه موثّقى آن را به من اطلاع داده است. فرمود : اى محمد چشم و گوش خود را نسبت به برادرت تكذيب كن، اگر پنجاه نفر پيش تو قسم بخورند و عليه برادرت گواهى دهند، ولى برادرت خلاف آن را بگويد گفته وى را تصديق و آنها را تكذيب كن و نبايد چيزى را كه باعث سرشكستگى اوست و به آبرو و حيثيّت او لطمه مى‏زند در مورد او منتشر كنى زيرا در اين صورت جزء كسانى هستى كه خدا در باره آنان فرموده است : «آنان كه دوست دارند زشتكارى در باره مؤمنين فاش گردد براى آنها در دنيا و آخرت عذاب‏

دردناكى است» .

٥- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه كلام زشتى را بشنود و آن را انتشار دهد مانند كسى است كه آن را انجام داده، و هم چنين افشاكننده كلام خوب مانند انجام دهنده آن است.

٦- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است. هر كه عمل زشتى را منتشر كند كيفرش مانند شروع‏كننده آن است، و هر كه مؤمنى را به سبب چيزى سرزنش كند، نمى‏ميرد تا اين كه خودش مرتكب آن شود.

٧- فيض بن مختار گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود : وقتى كه به حضرت عيسى (ع) مائده نازل شد به حواريون گفت بدون اجازه من از مائده نخوريد، ولى يكى از آنها از مائده خورد ديگران به عيسى گفتند يا روح الله فلانى از مائده خورد، عيسى از وى پرسيد آيا تو از مائده خوردى؟ گفت : نه، حواريون گفتند چرا يا روح اللّه به خدا قسم وى از مائده خورد، حضرت عيسى فرمود :

برادرت را تصديق، و چشمت را تكذيب كن.

## ١٥٨- باب تحريم ناسزا گفتن به مؤمن و محترم داشتن ناموس، مال و خون او

 ١- عبد الرحمن بن حجّاج گويد : موسى بن جعفر (ع) در باره دو نفر كه به هم دشنام دهند فرمود : آن كه به دشنام آغاز كرده است ظالمتر است، و گناه خود و گناه‏

رفيقش به گردن اوست تا زمانى كه از مظلوم عذرخواهى نكرده است.

٢- امام باقر (ع) فرمود : مردى از قبيله بنى تميم خدمت پيغمبر (ص) آمد و عرض كرد : به من نصيحتى بفرما. از جمله نصايح آن حضرت اين بود، كه به مردم ناسزا نگوييد زيرا دشنام باعث دشمنى آنان نسبت به شما مى‏شود.

٣- امام باقر (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : ناسزا گفتن به مؤمن گناه است، جنگ با او كفر و خوردن گوشتش بوسيله غيبت كردن معصيت مى‏باشد و مال او مانند خونش محترم است.

٤- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : كسى كه به مؤمن ناسزا بگويد همچون كسى است كه در پرتگاه هلاكت باشد.

٥- امام باقر (ع) فرمود : هر كه از ريختن آبروى مردم خوددارى كند، خداوند در روز قيامت او را عفو فرمايد، و هر كه خشم خود را از مردم منع كند و جلو خشم خود را بگيرد خداوند عذاب روز رستاخيز را از او باز دارد.

## ١٥٩- باب تحريم بد نام كردن مؤمن و سوء نيت داشتن به او

 ١- امام باقر (ع) فرمود : مرد هرگز به كفر مرد ديگر گواهى نمى‏دهد، (بگويد تو كافرى يا اى كافر) جز اين كه به يكى از آن دو برگردد، اگر بر كفر كافرى گواهى دهد راست گفته است، و اگر كفر را به مؤمنى نسبت دهد به خود وى بازمى‏گردد بنا بر اين از طعنه زدن به مؤمنان بپرهيزيد.

٢- ابو حمزه گويد : از امام صادق (ع) شنيدم كه مى‏فرمود : هر گاه مردى به برادر مؤمنش بگويد اف (واى بر تو) از پيوند (دينى) با او خارج مى‏شود، و چون به او بگويد تو دشمن منى يكى از آنها كافر شوند، و خداوند از مؤمنى كه نسبت به برادر مؤمنش نيّت بد در دل دارد هيچ عملى را نمى‏پذيرد.

٣- امام باقر (ع) فرمود : هر كس رو در روى مؤمن به او طعن زند (او را بد نام كند) با بدترين مرگها خواهد مرد و سزاوار است كه به خير و سعادت بازنگردد.

٤- امام صادق (ع) فرمود : خداوند مؤمنان را از پرتو عظمت و شكوه و بزرگوارى خويش آفريده، و هر كه آنان را طعنه زند و يا عقيده‏شان را مردود شمرد بى‏شكّ خدا را ردّ كرده و چنين شخص از فضل الهى بى‏بهره مى‏باشد و اين كار يكى از دامهاى شيطان است.

٥- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : خداى عزّ و جل مؤمن را از عظمت جلال و قدرت خويش آفريده، بنا بر اين هر كه مؤمنى را طعن زند و يا سخن او را مردود شمرد، بى‏شك خدا را ردّ كرده است.

## ١٦٠- باب تحريم لعن كردن كسى كه نبايد او را لعن كرد

 ١- امام صادق (ع) فرمود : هنگامى كه لعن از دهن گوينده‏اش بيرون آيد، بين گوينده و لعن‏شونده در هوا مردّد مى‏ماند، اگر لعن‏شونده را سزاوار يافت بر او

فرود مى‏آيد، و الّا به گوينده‏اش باز مى‏گردد؛ و گوينده به آن سزاوارتر است، بنا بر اين از لعن كردن مؤمن بپرهيزيد زيرا به خودتان باز مى‏گردد.

٢- حديث ٢ از امام باقر (ع) با اندك تفاوتى مانند حديث ١ نقل شده است.

## ١٦١- باب تهمت زدن به مؤمن و بدگمان بودن به او

١- امام صادق (ع) فرمود : چون مؤمن به برادر دينى خود تهمت بزند ايمان در قلبش آب شود مانند نمك در آب.

٢- عمر بن يزيد از پدرش نقل كرده : كه شنيدم امام صادق (ع) مى‏فرمود :

هر كه به برادر دينى خود تهمت بزند احترام ميان آنها از بين مى‏رود و هر كه با برادر دينى خود مانند باقى مردم رفتار كند، از آنچه كه خود را بدان بسته (مذهب جعفرى) بيزار و بركنار شده است.

٣- امام صادق (ع) فرمود : كه على (ع) فرموده است : گفتار و كردار برادرت را حمل بر نيكى كن، مگر اين كه كارى از او سربزند كه نتوانى توجيه كنى، و به گفتار او تا جايى كه مى‏توان حمل بر نيكى كرد سوء ظن نبر،

## ١٦٢- باب تحريم ترساندن مؤمن و لو با نگاه‏

 ١- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : هر كه به مؤمن طورى نگاه كند كه وى را بترساند، خداى عزّ و جل در روزى كه سايه‏اى جز سايه‏

«رحمت» نيست (روز قيامت) او را بترساند.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كه مؤمنى را از سلطانى بترساند به اين كه از طرف سلطان بدى به او مى‏رسد، و نرسد او در آتش دوزخ است و هر كه مؤمنى را از آسيب سلطانى بترساند و آسيب به وى برسد، ترساننده با فرعون و خاندان او در آتش دوزخ خواهد بود.

٣- على (ع) فرمود : بر هيچ مسلمانى جايز نيست كه مسلمانى را بترساند.

## ١٦٣- باب تحريم كمك به قتل و اذيت مؤمن گر چه با كلمه‏اى باشد

 ١- از امام صادق (ع) روايت شده است : در روز رستاخيز مردى نزد مرد ديگرى مى‏آيد و او را به خونش آغشته مى‏كند و مردم سرگرم حسابند، آن مرد مى‏گويد با من چه كار دارى و چرا مرا خون آلود كردى؟ مى‏گويد چون تو در دنيا قاتل مرا عليه من يارى دادى و من كشته شدم.

٢- امام صادق (ع) فرمود : هر كس با كوچكترين كلمه‏اى بر ضرر مؤمن اقدام كند، روز قيامت خداى را ديدار كند در حالى كه اين جمله در پيشانى‏اش نوشته شده، اين شخص از رحمت نااميد است.

٣- امام باقر (ع) فرمود : روز رستاخيز شخصى در عرصه محشر حاضر مى‏شود و يك شيشه خون به او مى‏دهند و مى‏گويند اين سهم تو از خون فلانى است، مى‏گويد پروردگارا تو مى‏دانى كه من خونى نريخته‏ام و مرا خودت قبض روح كردى، خداوند مى‏فرمايد : آرى، ولى آيا تو از فلانى فرزند فلان چنين و چنان نشنيدى پس آن را بازگو كردى تا اين كه گفتارت به فلانى رسيد و او به سبب گفته‏هاى تو آن مرد را كشت و اين نصيب تو از خون اوست.

حديث ٤ مانند حديث ٢ است، فقط در جمله آخر : (نوميد از رحمت من است) قيد نشده است.

## ١٦٤- باب تحريم سخن چينى و تفرقه افكنى

‏ ١- امام صادق (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) به اصحاب خود فرموده است : آيا شما را از شرورترينتان آگاه نكنم : عرض كردند : چرا، يا رسول اللّه، فرمود : آنان كه براى سخن چينى قدم بردارند، و بين دوستان تفرقه اندازند و از كسانى كه عيب ندارند عيب‏جويى كنند.

٢- امام باقر (ع) فرمود : بهشت بر دروغ پردازان و كار آگاهانى كه سخن چينى كنند حرام است.

٣- علىّ (ع) فرمود : بدترين شما كسانى‏اند كه سخن چينى كنند، و بين دوستان تفرقه اندازند، و از آنان كه عيب ندارند عيبجوئى كنند.

٤- ابو ذر گويد : پيغمبر (ص) در نصيحتى به من فرموده است : اى ابا ذر، قتّات به بهشت نمى‏رود، عرض كردم : يا رسول اللّه، قتّات كيست؟ فرمود : سخن چين.

اى ابا ذر، سخن چين در آخرت از عذاب الهى آسوده نخواهد بود.

اى ابا ذر، هر كه در دنيا، دو رو و دو زبان باشد، در آتش دوزخ داراى دو چهره خواهد بود اى ابا ذر، گفتار در انجمنها امانت است، انتشار دادن راز برادرت خيانت است پس از اين كار دورى كن، و از حضور در مجلسى كه سبب لغزش گردد نيز بپرهيز ٥- على (ع) فرمود : كه پيغمبر (ص) فرموده است : چهار گروهند كه دوزخيان را با وجود گرفتاريهاى خودشان كه از آب داغ دوزخ مى‏نوشند آزار مى‏دهند، و فريادشان به وا ويلا وا هلاكا بلند است. بعضى از دوزخيان از بعضى مى‏پرسند، گناه اين چهار گروه چيست؟ كه ما با وجود اين همه گرفتارى از عذاب آنان نيز رنج مى‏بريم، يكى از آنها در تابوتى از آتش گداخته آويزان است، ديگرى احشاى درونى‏اش بيرون آمده و آنها را با خود مى‏كشد، آن يكى چرك و خون از دهنش جارى است، آن ديگرى گوشت بدنش را مى‏خورد.

از صاحب تابوت آتشين مى‏پرسند كه جرم اين دور از رحمت خدا چيست؟ كه عذاب او ما را با همه بدبختى و عذاب كه داريم نيز آزار مى‏دهد، مى‏گويند اين دور از رحمت الهى موقع مرگ اموالى از مردم را با اين كه توانايى بازپرداخت نداشت بر ذمّه گرفته بود. سپس از آن كه احشاى درونى‏اش كشيده مى‏شد پرسيدند، كه جرم اين ملعون چيست كه وضع دلخراش او بر گرفتارى و شدت آزار ما افزوده است. مى‏گويند اين محروم از رحمت الهى، كسى بود كه ادرار به هر كجاى بدنش مى‏رسيد باكى نداشت (رعايت نجاست و پاكى نمى‏كرد) آنگاه از آن كه چرك و خون از دهنش مى‏آيد مى‏پرسند، كه اين يكى چه كرده و گناهش چيست؟ كه همچنان ما را با همه گرفتاريهاى خود به زحمت انداخته، مى‏گويند :

اين يكى مسخرگى مى‏كرد و از كلمات زشت استفاده مى‏نمود و آنها را به كسى نسبت مى‏داد و آن را حكايت مى‏كرد. سپس از آن كه گوشت بدنش را مى‏خورد سؤال كردند كه اين دور از رحمت الهى چه كرده است؟ با همه بدبختيها كه از گناهان خود داريم از عذاب وى نيز در رنجيم، مى‏گويند : اين محروم از رحمت الهى گوشت مردم را مى‏خورد (با غيبت كردن) و سخن چينى مى‏كرد. ٦- پيغمبر (ص) فرمود : هر كه بين دو نفر دست به سخن چينى بزند، خداوند در قبر آتشى بر او مسلّط گرداند كه تا قيامت او را بسوزاند و چون از قبر بيرون آيد، خدا اژدهاى سياهى را بر او مسلط كند كه وى را نيش زند تا اين كه داخل آتش دوزخ گردد.

٧- امام صادق (ع) فرمود : سه نفر هرگز به بهشت نخواهند رفت : ١- شخص بى‏باك در خونريزى، ٢- دايم الخمر (كسى كه هميشه شراب مى‏نوشد) ٣- سخن چين.

٨- على (ع) فرمود : بهشت بر سه كس حرام است : ١- آن كه به ديگران منّت گذارد، ٢- آن كه سخن چينى كند، ٣- آن كه دايم الخمر باشد.

٩- امام موسى كاظم (ع) فرمود : بهشت بر سه كس حرام است : ١- سخن چين، ٢- دايم الخمر، ٣- و آن كه ناموسش را در اختيار ديگر گذارد و او فاجر و گنهكار است.

١٠- امام صادق (ع) به منصور فرمود : از كسى كه بهشت بر او حرام و جايگاهش آتش است هيچ سخنى را در باره خويشاوندان و خدمتكاران خانواده‏ات نپذير، زيرا سخن چين دروغگوى آشكار، و در ايجاد دشمنى بين مردم شريك شيطان است. چون خداوند متعال فرمود : «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد اگر فاسقى خبرى براى شما آورد جستجو نماييد مبادا از روى نادانى به گروهى آسيب رسانيد و سپس بر عمل خود پشيمان شويد» البتّه بر تو واجب است، نسبت به كسى كه خويشاوندى‏اش از تو قطع كرده صله رحم كنى و به كسى كه ترا محروم كرده عطا و بخشش كنى و كسى را كه به تو ستم كرده عفو نمائى چون پاداش نيكى، صله رحم نيست، بلكه صله رحم آن است كه اگر خويشاوندان از تو بريدند تو صله رحم بجاآورى‏

١١- امام صادق (ع) فرمود : چهار شخص به بهشت نخواهد رفت : ١- پيشگو، ٢- منافق، ٣- دايم الخمر، ٤- سخن چين.

١٢- امام صادق (ع) فرمود : حضرت موسى (ع) در مناجات با پروردگارش شخصى را زير سايه عرش خدا ديد، عرض كرد خدايا، اين شخص كيست كه عرش تو بر او سايه افكنده است؟ خداوند فرمود : اين كسى است كه همواره به پدر و مادرش نيكى نموده، و هرگز سخن چينى نكرده است.

١٣- امام صادق (ع) فرمود : خداوند تبارك و تعالى به موسى (ع) وحى كرد كه يكى از يارانت عليه تو سخن چينى كرده، از او بپرهيز، عرض كرد خدايا من كه او را نمى‏شناسم مرا آگاه كن تا او را بشناسم، خطاب شد اى موسى من سخن چينى را بر او عيب مى‏گيرم ولى تو مرا مكلّف به سخن چينى مى‏كنى، موسى گفت خدايا پس چه كنم؟ خطاب آمده اى موسى يارانت را به گروههاى ده نفرى تقسيم كن و بين آنها قرعه بكش، البته قرعه به نام گروهى اصابت خواهد كرد كه سخن چين در بين آنهاست و به همين ترتيب قرعه كشى را ادامه بده تا قرعه به نام سخن چين اصابت كند، موسى (ع) گويد : وقتى كه سخن چين قرعه كشى را ديد از جا برخاست و گفت : اى پيغمبر خدا، سخن چين من بودم، و سوگند ياد مى‏كنم كه هرگز آن را تكرار نكنم.

١٤- حذيفه گويد : از پيغمبر (ص) شنيدم كه مى‏فرمود : سخن چين هرگز داخل بهشت نمى‏شود.

## ١٦٥- باب استحباب نگاه كردن به اولاد صالح پيغمبر (ص)

 ١- امام رضا (ع) فرمود : نگاه كردن به فرزندان ما عبادت است. راوى گويد :

عرض كردم : يا ابن رسول اللّه، نگاه كردن به فرزندان شما، يا همه اولاد پيغمبر (ص)؟ حضرت فرمود : نگاه كردن به همه فرزندان پيغمبر (ص) تا جايى كه از روش رسول اللّه جدا نشده و خويشتن را به گناه آلوده نكرده‏اند عبادت است.

## ١٦٦- باب استحباب نگاه كردن به پدر و مادر و به قرآن و به روى عالم

‏١- محمد بن علىّ بن حسين گويد : كه در روايت آمده است : نگاه كردن به كعبه، و هم چنين به پدر و مادر، و به قرآن حتى بدون قرائت، و نگاه كردن به روى عالم، و به اولاد رسول اللّه (ص) عبادت است.

فهرست مطالب

[سرآغاز 2](#_Toc421794927)

[تذكّر 3](#_Toc421794928)

[اجمالى از شرح حال شيخ حرّ عاملى‏ 3](#_Toc421794929)

[تأليفات شيخ‏ 5](#_Toc421794930)

[٨- باب استحباب همنشينى با خردمند بخشنده 14](#_Toc421794931)

[٩- باب استحباب مشورت با عاقل‏ 15](#_Toc421794932)

[١١- باب استحباب معاشرت با مردم خوب و دوستان قديمى و اجتناب از معاشرت با بدان‏ 17](#_Toc421794933)

[١٣- باب استحباب دوستى با كسى كه رعايت دوستى را مى‏كند 18](#_Toc421794934)

[١٤- باب استحباب كمك و يارى دادن دوستان به يك ديگر 19](#_Toc421794935)

[١٥- باب كراهت دوستى با بد كار و نادان و دروغگو 20](#_Toc421794936)

[١٦- باب كراهت شركت دادن افراد فرومايه و گنهكار در امور 22](#_Toc421794937)

[١٧- باب تحريم همنشينى با دروغگو و گنهكار و بخيل و نادان و قاطع رحم 24](#_Toc421794938)

[١٨- باب كراهت همنشينى با فرومايگان و ثروتمندان و گفتگو با زنان‏ 26](#_Toc421794939)

[٢٤- باب جواز مشورت كردن با كسى كه مرتبه او پايين‏تر است‏ 31](#_Toc421794940)

[٢٥- باب كراهت مشورت با زنان و نيكو بودن مشورت با مردان‏ 32](#_Toc421794941)

[٢٦- باب كراهت مشورت با شخص ترسو، بخيل، آزمند، برده، فرومايه و بدكار 33](#_Toc421794942)

[٢٧- باب تحريم همنشينى و دوستى با اهل بدعت‏ 34](#_Toc421794943)

[٢٩- باب استحباب اظهار دوستى و محبّت نسبت به مردم‏ 36](#_Toc421794944)

[٣٠- باب استحباب خوشرفتارى و گشاده‏رويى و احترام به مردم و خوددارى از مزاحمت آنان‏ 37](#_Toc421794945)

[٣١- مستحبّ است براى كسى كه مؤمنى را دوست دارد او را از دوستى خود با خبر كند 37](#_Toc421794946)

[٣٢- باب استحباب آغاز كردن سلام قبل از سخن گفتن و استحباب پاسخ ندادن قبل از سلام‏ 38](#_Toc421794947)

[٣٣- باب لزوم سلام و كراهت ترك آن و وجوب پاسخ سلام‏ 39](#_Toc421794948)

[٣٥- باب استحباب سلام كردن بر كودكان‏ 42](#_Toc421794949)

[٣٦- باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوه سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو 42](#_Toc421794950)

[٣٧- باب استحباب شكرگزارى خدا براى نعمت اسلام و تندرستى‏ 43](#_Toc421794951)

[٣٨- باب لزوم بلند سلام كردن و پاسخ دادن به نحوى كه مخاطب بشنود 43](#_Toc421794952)

[٣٩- باب نحوه سلام گفتن و استحباب انتخاب كلمات مناسب‏ 44](#_Toc421794953)

[٤٠- باب استحباب تكرار سلام تا سه مرتبه در صورت عدم دريافت پاسخ و اجازه ورود 45](#_Toc421794954)

[٤٢- عدم استحباب سلام بر كسى كه همراه جنازه است يا به نماز جمعه مى‏رود يا در حمّام است‏ 46](#_Toc421794955)

[٤٣- باب چگونگى پاسخ سلام دادن به حاضر و غايب‏ 46](#_Toc421794956)

[٤٤- باب استحباب مصافحه با مقيم و در آغوش گرفتن مسافر 48](#_Toc421794957)

[٤٥- باب استحباب سلام كردن كوچك بر بزرگ و جمعيّت كم بر جمعيّت زياد و عابر بر نشسته و ... 49](#_Toc421794958)

[٤٧- كراهت ترك سلام بر مؤمن حتّى در حال تقيّه‏ 50](#_Toc421794959)

[٥٠- باب عدم جواز ورود به خانه غير بدون اجازه و خبر دادن و سلام كردن و ... 53](#_Toc421794960)

[٥١- باب كسانى كه رفت و آمد به خانه آنها شايسته است‏ 53](#_Toc421794961)

[٥٢- باب استحباب سلام كردن هنگام بلند شدن از مجلس‏ 54](#_Toc421794962)

[٥٣- باب جواز سلام و دعا كردن بر ذمّى در صورت نياز داشتن به او 55](#_Toc421794963)

[٥٥- باب استحباب سلام كردن بر خضر (ع) هر گاه نام وى برده شود 56](#_Toc421794964)

[٥٦- باب استحباب چشم پوشى و گذشت نسبت به دوستان‏ 56](#_Toc421794965)

[٥٧- باب استحباب دعا براى عطسه‏كننده مسلمان‏ 57](#_Toc421794966)

[٥٨- باب نحوه دعا كردن براى عطسه و پاسخ دادن‏ 58](#_Toc421794967)

[٥٩- باب جواز دعاى كودك براى زن وقتى كه عطسه كند 59](#_Toc421794968)

[٦٠- باب استحباب عطسه كردن و كراهت عطسه‏هاى زشت‏ 59](#_Toc421794969)

[٦١- باب استحباب تكرار دعاى عطسه‏هاى پى در پى تا سه مرتبه 60](#_Toc421794970)

[٦٢- باب استحباب «الحمد للّه» گفتن در موقع عطسه‏ 60](#_Toc421794971)

[٦٣- باب استحباب صلوات بر محمّد و خاندانش براى كسى كه عطسه مى‏كند يا مى‏شنود 62](#_Toc421794972)

[٦٤- درود بر محمّد (ص) و خاندانش هنگام عطسه، و ذبح حيوانات و جماع مكروه نيست بلكه مستحب است‏ 63](#_Toc421794973)

[٦٥- باب جواز دعاى عطسه براى ذمّى و دعا براى هدايت وى‏ 63](#_Toc421794974)

[٦٦- اگر گفتارى با عطسه مقارن باشد جايز است آن عطسه را دليل بر راستى سخن گوينده دانست‏ 64](#_Toc421794975)

[٦٧- باب استحباب احترام و بزرگداشت شخص مسنّ مؤمن‏ 64](#_Toc421794976)

[٦٨- باب استحباب احترام كريم و شريف‏ ١- حجّال گويد 66](#_Toc421794977)

[٦٩- باب كراهت نپذيرفتن تكريم و احترام مانند نپذيرفتن متكا و بوى خوش‏ 67](#_Toc421794978)

[٧٠- باب استحباب استقبال و بدرقه از مهمان و اطاعت مهمان از صاحب خانه‏ 68](#_Toc421794979)

[٧٤- باب استحباب يا كراهت كيفيّت نشستن‏ 69](#_Toc421794980)

[٧٥- مستحبّ است در مجلس انسان به عنوان تواضع جايى پايين‏تر از شأن خود بنشيند 70](#_Toc421794981)

[٧٦- باب استحباب رو به قبله نشستن‏ 71](#_Toc421794982)

[٧٧- باب كراهت نشستن روبروى خورشيد 72](#_Toc421794983)

[٧٨- باب استحباب نشستن در خانه غير در هر جايى كه صاحب خانه بخواهد 72](#_Toc421794984)

[٧٩- باب استحباب نشستن روى دو پا و در بغل گرفتن زانوها 72](#_Toc421794985)

[٨٠- باب استحباب شوخى و خنده كم 73](#_Toc421794986)

[٨١- باب كراهت قهقهه زدن و استحباب تبسّم‏ 74](#_Toc421794987)

[٨٢- باب كراهت خنده بدون علّت‏ 74](#_Toc421794988)

[٨٣- باب كراهت شوخى و خنده زياد 75](#_Toc421794989)

[٨٤- باب استحباب تبسّم بر چهره مؤمن‏ 77](#_Toc421794990)

[٨٥- باب استحباب صبر كردن بر اذيّت همسايه و ديگران‏ 77](#_Toc421794991)

[٨٦- باب وجوب خوددارى از آزار همسايه‏ 80](#_Toc421794992)

[٨٧- باب استحباب خوشرفتارى با همسايه‏ 82](#_Toc421794993)

[٨٨- باب استحباب طعام دادن به همسايگان و وجوب آن در صورت ضرورت‏ 83](#_Toc421794994)

[٨٩- باب كراهت همسايگى با اشخاص بد 84](#_Toc421794995)

[٩١- استحباب مدارا كردن با همسفر 85](#_Toc421794996)

[٩٢- باب استحباب بدرقه همسفر هنگام جدا شدن هر چند ذمّى باشد 85](#_Toc421794997)

[٩٣- باب استحباب نامه نوشتن در سفر و وجوب پاسخ دادن به نامه 86](#_Toc421794998)

[٩٤- باب استحباب شروع نامه با بسم اللّه و نوشتن آن به بهترين خط 86](#_Toc421794999)

[٩٥- باب چگونگى نوشتن عنوان نامه 87](#_Toc421795000)

[٩٦- باب استحباب آغاز نامه به نام كسى كه نامه برايش فرستاده مى‏شود 87](#_Toc421795001)

[٩٧- باب استحباب نوشتن «ان شاء اللّه» در نامه هر جا كه مناسب باشد 87](#_Toc421795002)

[٩٨- باب استحباب خشك كردن خطهاى نامه‏ 88](#_Toc421795003)

[٩٩- باب عدم جواز سوزاندن كاغذهايى كه در آن آيات قرآن يا نام خدا باشد 88](#_Toc421795004)

[١٠٠- استحباب تقسيم وقت بين دوستان به طور مساوى 90](#_Toc421795005)

[١٠١- باب استحباب سؤال كردن از نام و نام خانوادگى و نسب و حال دوست و همنشين‏ 91](#_Toc421795006)

[١٠٢- باب كراهت از بين رفتن شرم و حيا بين دوستان‏ 92](#_Toc421795007)

[١٠٣- باب انتخاب دوستانى كه نمازشان را بموقع مى‏خوانند و نسبت به دوستان نيكى مى‏كنند 93](#_Toc421795008)

[١٠٤- باب استحباب خوشخويى با مردم‏ 93](#_Toc421795009)

[١٠٥- باب استحباب انس و الفت با مردم‏ 98](#_Toc421795010)

[١٠٦- باب استحباب خوشرفتارى با مردم‏ 98](#_Toc421795011)

[١٠٧- باب استحباب خوشرويى و خوش برخوردى 99](#_Toc421795012)

[١٠٨- باب وجوب راستگويى‏ 100](#_Toc421795013)

[١٠٩- باب استحباب صدق وعده، گرچه يك سال طول بكشد 102](#_Toc421795014)

[١١٠- باب مستحب بودن حيا 103](#_Toc421795015)

[١١١- باب جايز نبودن شرم و حيا داشتن از پرسش كردن در باره احكام دين‏ 104](#_Toc421795016)

[١١٢- باب استحباب عفو و گذشت‏ 104](#_Toc421795017)

[١١٣- باب استحباب عفو از ستمگر، صله رحم، احسان و نيكى ... 106](#_Toc421795018)

[١١٤- باب استحباب فروخوردن خشم‏ 108](#_Toc421795019)

[١١٥- باب استحباب فروخوردن خشم از دشمنان دين در زمان حكومتشان‏ 111](#_Toc421795020)

[١١٦- باب استحباب صبر در برابر حسودان و مانند آن‏ 111](#_Toc421795021)

[١١٧- باب استحباب سكوت، مگر در امور خير 112](#_Toc421795022)

[١١٨- باب استحباب سخن گفتن در جايى كه سكوت روا نيست‏ 115](#_Toc421795023)

[١١٩- باب وجوب نگهدارى زبان از آنچه كه گفتنش روا نيست‏ 117](#_Toc421795024)

[١٢٠- باب كراهت گفتار زياد در غير ذكر خدا 121](#_Toc421795025)

[١٢١- باب استحباب مدارا كردن با مردم‏ 123](#_Toc421795026)

[١٢٢- باب وجوب ادا كردن حقوق واجب و مستحبّ مؤمن‏ 126](#_Toc421795027)

[١٢٤- باب استحباب لطف و محبّت و به ديدار همديگر رفتن‏ 136](#_Toc421795028)

[١٢٥- باب استحباب پذيرش عذر 137](#_Toc421795029)

[١٢٦- باب استحباب سلام كردن و مصافحه در وقت ملاقات .. 137](#_Toc421795030)

[١٢٧- باب استحباب مصافحه و حدود و چگونگى آن‏ 140](#_Toc421795031)

[١٢٨- باب آداب استقبال و بدرقه مسافر 142](#_Toc421795032)

[١٢٩- باب حكم كرنش بر بزرگان از قبيل بوسيدن فرش، بر پا خاستن و جلوى آنها دويدن و غيره‏ 143](#_Toc421795033)

[١٣٠- باب تحريم گماشتن دربان براى منع ورود شيعه‏ 144](#_Toc421795034)

[١٣١- باب استحباب معانقه با مؤمن و همراهى و مذاكره با او 146](#_Toc421795035)

[١٣٢- باب استحباب استفاده رساندن برادران به همديگر در راه خدا 147](#_Toc421795036)

[١٣٣- باب استحباب بوسيدن مؤمنان يك ديگر را، و محل بوسه 148](#_Toc421795037)

[١٣٤- باب كراهت كرنش براى مردم حتّى امام‏ 149](#_Toc421795038)

[١٣٥- باب كراهت مجادله و دشمنى با مردم‏ 149](#_Toc421795039)

[١٣٦- باب استحباب اجتناب از كينه و عداوت و دشمنى و بغض و ... 151](#_Toc421795040)

[١٣٧- باب تحريم مكر، حسد، خيانت و نيرنگ‏ 152](#_Toc421795041)

[١٣٨- باب تحريم دروغ‏ 153](#_Toc421795042)

[١٣٩- باب تحريم دروغ بستن بر خدا، و پيغمبر و ائمه عليهم السلام‏ 155](#_Toc421795043)

[١٤٠- باب تحريم دروغ، بزرگ و كوچك، شوخى و جدى و غيره 156](#_Toc421795044)

[١٤١- باب جواز دروغ در اصلاح بين مردم و عدم جواز راستگويى در فساد 158](#_Toc421795045)

[١٤٢- باب در احكام گمان‏ 161](#_Toc421795046)

[١٤٣- باب تحريم دو رو و دو زبان بودن 161](#_Toc421795047)

[١٤٤- باب تحريم قهر كردن از مؤمن و استحباب سبقت در آشتى كردن‏ 163](#_Toc421795048)

[١٤٥- باب تحريم آزار رساندن به مؤمن‏ 165](#_Toc421795049)

[١٤٦- باب تحريم اهانت به مؤمن و خوار داشتن او 166](#_Toc421795050)

[١٤٧- باب تحريم ذليل شمردن و تحقير مؤمن‏ 168](#_Toc421795051)

[١٤٨- باب تحريم سبك شمردن مؤمن‏ 169](#_Toc421795052)

[١٤٩- باب تحريم قطع صله ارحام‏ 170](#_Toc421795053)

[١٥٠- باب تحريم جمع آورى موارد لغزشهاى مؤمن براى عيب گرفتن از او 170](#_Toc421795054)

[١٥١- باب نهى از عيبجويى و سرزنش مؤمن‏ 171](#_Toc421795055)

[١٥٢- باب تحريم غيبت كردن از مؤمن‏ 172](#_Toc421795056)

[١٥٣- باب تحريم تهمت زدن بر مرد مؤمن و زن مؤمن‏ 177](#_Toc421795057)

[١٥٤- باب موارد جواز غيبت كردن‏ 178](#_Toc421795058)

[١٥٥- باب وجوب جبران كيفر غيبت كردن با حلال‏طلبى و استغفار 179](#_Toc421795059)

[١٥٦- باب وجوب ردّ غيبت مؤمن و تحريم شنيدن آن‏ 179](#_Toc421795060)

[١٥٧- باب تحريم افشاى سرّ مؤمن و عيبجويى از او ... 181](#_Toc421795061)

[١٥٨- باب تحريم ناسزا گفتن به مؤمن و محترم داشتن ناموس، مال و خون او 183](#_Toc421795062)

[١٥٩- باب تحريم بد نام كردن مؤمن و سوء نيت داشتن به او 184](#_Toc421795063)

[١٦٠- باب تحريم لعن كردن كسى كه نبايد او را لعن كرد 185](#_Toc421795064)

[١٦١- باب تهمت زدن به مؤمن و بدگمان بودن به او 185](#_Toc421795065)

[١٦٢- باب تحريم ترساندن مؤمن و لو با نگاه‏ 186](#_Toc421795066)

[١٦٣- باب تحريم كمك به قتل و اذيت مؤمن گر چه با كلمه‏اى باشد 186](#_Toc421795067)

[١٦٤- باب تحريم سخن چينى و تفرقه افكنى 187](#_Toc421795068)

[١٦٥- باب استحباب نگاه كردن به اولاد صالح پيغمبر (ص) 191](#_Toc421795069)

[١٦٦- باب استحباب نگاه كردن به پدر و مادر و به قرآن و به روى عالم 191](#_Toc421795070)

[فهرست مطالب 192](#_Toc421795071)